

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# دوفصلنامه «یافته‌های اقتصادی»

سال اول • شماره دوم • خزان و زمستان ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان

مدیر مسئول: دکتر سید عبدالحمید ثابت

سردبیر: علی نقی عرفانی

مدیر اجرایی: محمدعلی نظری

ویراستار: محمدعلی نظری

طرح جلد: نسیم وکیلانی

صفحه‌آرایی: سید مهدی موسوی

هیأت تحریریه: نصرالله انصاری، علی نقی عرفانی، مصطفی ابراهیمی، طالب علوی، سید حسن حسنی، غلام‌علی احمدی؛ علمداد حیدری، علی حسن قاسمی، محمود صفایی.

- دوفصلنامه «یافته‌های اقتصادی»، مقالات صاحب‌نظران، پژوهشگران و دانش‌پژوهان علم اقتصاد را برای نشر می‌پذیرد.
- مقالات، آرای نویسندگان آن‌ها است و لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه «یافته‌های اقتصادی» نمی‌باشد.

آدرس: کابل، کارته ۳، دهبوری، چهارراهی شهید، دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص)، آمریت نشرات.

تلفن: ۰۷۸۵۱۱۵۶۷۴

ایمیل: kf.chiefeditor@miu.edu.af

قیمت: ۱۵۰ افغانی

## شیوه‌نامه تنظیم مقاله علمی

### ویژگی‌های مقاله علمی

۱. مقاله علمی دارای چکیده، کلیدواژه، مقدمه، ارجاع‌دهی، نتیجه‌گیری و منابع معتبر است.
۲. مقاله علمی، باید روشمند، مستند، تحلیلی، برخوردار از ساختار منطقی، دارای انسجام محتوا و قلم روان باشد.
۳. فایل مقاله در قالب «word»، ارائه گردد و حجم آن کمتر از ۴۰۰۰ کلمه و بیشتر از ۷۰۰۰ کلمه نباشد.

### راهنمای تنظیم شکلی مقاله علمی

۴. قلم و فونت مقالات ارسالی باید از شیوه زیر تبعیت نماید:
۵. عنوان مقاله: با فونت B Nazanin 16 و بولد (پررنگ) (1 Heading با این فونت تعریف شود)، مؤلف یا مؤلفان با فونت B Nazanin 12 پررنگ (3 Heading با این فونت تعریف شود).
- در پاروکی همان صفحه اول این اطلاعات باید ذکر شود: عنوان و وظیفه مولف اول با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل (B Nazanin 10).
- اگر مقاله دو مؤلف یا بیشتر دارد: عنوان و وظیفه مولف دوم با ذکر وابستگی به دانشگاه محل تحصیل یا محل کار، شماره تماس و ایمیل.
۶. در متن اصلی تیترها و عناوین با فونت‌های زیر مشخص گردد:
  - ✓ تیتر اصلی با فونت B Nazanin 14 و بولد (پررنگ) (2 Heading با این فونت تعریف شود)
  - ✓ تیتر فرعی با فونت B Nazanin 12 و بولد (پررنگ) (3 Heading با این فونت تعریف شود)
  - ✓ متن مقاله با فونت B Nazanin 13 معمولی تایپ شده باشد. (Normal با این فونت تعریف شود)

### راهنمای تنظیم ساختاری مقاله علمی

۷. چکیده: عنوان چکیده با فونت B Nazanin 11 پررنگ. متن چکیده بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه و با فونت B Nazanin 11 معمولی. چکیده باید موضوع و هدف مقاله را به اختصار بیان کند، به روش و مهمترین یافته‌های تحقیق اشاره کند. در چکیده باید از جملات کامل خبری با افعال سوم شخص معلوم در زمان گذشته استفاده شود. از علائم اختصاری پرهیز شود. ذکر سابقه و اهمیت موضوع در این قسمت لازم نیست.
۸. واژگان کلیدی: حداقل ۵ و حداکثر ۷ واژه که به صورت ایتالیک (مورب) نوشته و با کامه از هم جدا شده باشند و در یک خط قرار گیرند. واژگان کلیدی باید با فونت (B Nazanin 10) ایتالیک باشند.
۹. مقدمه: به ترتیب به بیان مسئله، سوال‌ها (و در مواردی به فرضیه)، پیشینه، ضرورت، هدف و ارائه تصویر کلی از ساختار مقاله، می‌پردازد.
۱۰. بدنه مقاله: متنی است، دارای ساختار منطقی و متشکل از عناوین اصلی و فرعی و برخوردار از انسجام محتوایی که در آن، مدعا، استدلال، شواهد، تحلیل، استنتاج و مانند آن، آورده می‌شوند.
۱۱. نتیجه‌گیری: نتیجه متنی است که به دستاوردهای تحقیق که عبارتند از پاسخ به سوال‌های اصلی و فرعی و وضعیت فرضیه که اثبات یارد گردیده، به صورت مختصر و به دور از عبارت‌پردازی، آورده می‌شود.
۱۲. ارجاع‌دهی در متن باید به صورت داخل متنی به شیوه APA باشد (مثال: مرادی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴).
۱۳. منابع و مأخذ در پایان مقاله به شیوه APA ذکر شوند (مثال: کامکاری، کامبیز (۱۳۸۸)، توصیف آماری. تهران: انتشارات بال).

## فهرست

- سخن سردبیر ..... ۱
- ساماندهی اقتصادی وجوهات شرعی در ولایت غزنی با استفاده از تکنیک AHP ..... ۳  
غلام‌علی احمدی
- نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی در افغانستان ..... ۴۱  
علمداد حیدری
- امکان وقف پول‌های اعتباری از منظر امامیه ..... ۵۹  
حسین فیاض
- تعامل بانک و بورس با رویکرد اسلامی ..... ۹۳  
علی حسین قاسمی



## سخن سردیبر

خدا را شاکریم که با تلاش و کمک اعضای هیأت علمی و اساتید دیپارتمنت اقتصاد دانشگاه بین‌المللی المصطفی<sup>(ص)</sup> افغانستان دومین شماره «دوفصلنامه یافته‌های اقتصادی» در اختیار علاقه‌مندان، محصلان و فارغ‌التحصیلان رشته اقتصاد قرار می‌گیرد. قلم زدن در رشته‌ی که تلاش می‌کند رفتار و تصمیمات اقتصادی افراد، جوامع و نهادها را در قالب روابط ساده و بعضاً پیچیده‌ی ریاضی تبیین نماید، یا مبانی و اصول تصمیمات و رفتارها را در چارچوب باورها و عقاید خاص توضیح دهد، بسیار سخت و نیازمند اطلاعات و زمان کافی است.

از طرف دیگر، برای فهم همگانی و درک سریع اندیشه‌های اقتصادی، باید ساده‌سازی نیز صورت گیرد، بدون این که به ماهیت علمی مطالب لطمه‌ای وارد شود، که این مسأله بر دشواری کار می‌افزاید. با همه این سختی‌ها، تلاش ما بر این است که با کمک محققان این رشته، بتوانیم مجله «یافته‌های اقتصادی» را در افغانستان به جایگاه مناسب آن برسانیم و شاهد روزهای باشیم که علاوه بر نقد مقالات نشر شده یافته‌های اقتصادی، در سایر مجلات علمی معتبر، پیش‌بینی‌های انجام شده در مجله، مصدر و منبع برای تصمیمات نهادها و سازمان‌های اقتصادی قرار گیرد. این جایگاه دور از دسترس نبوده و باور داریم که با کمک همکاران و محققین این رشته، چنین روزهای را نویسندگان و همکاران مجله تجربه خواهند کرد.

بار دیگر تأکید می‌کنیم کسب موفقیت در این وادی بسیار سخت و بدون پشتوانه علمی پژوهشگران این رشته، ناممکن خواهد بود؛ لذا دانشگاه بین‌المللی المصطفی<sup>(ص)</sup> - افغانستان و دیپارتمنت اقتصاد این دانشگاه، دست تمامی پژوهشگران این عرصه را به گرمی می‌فشارد و تقاضامند است که با ارسال مقالات و تحقیقات‌شان ما را در افزایش کیفیت و سطح علمی مجله یاری رساننده و سهم فعال در رشد و ترویج روحیه پژوهش در کشور داشته باشند. همزمان با انتشار دومین شماره این مجله، جا دارد از زحمات تمامی دست‌اندرکاران، به ویژه ریاست

محترم دانشگاه جناب آقای دکتر ثابت، اعضای هیأت علمی، اساتید دیپارتمت اقتصاد و همکاران صبور و پرتلاش در مرکز پژوهشی دانشگاه که در بُعد اجرایی مجله زحمات ارزشمندی را تقبل نمودند، و همه عزیزانی که با ارسال مقاله، ما را یاری داده‌اند، صمیمانه سپاس‌گزاری نموده و برای همه این عزیزان، آرزوی موفقیت روزافزون مسئلت نمایم.

علی‌نقی عرفانی



# ساماندهی اقتصادی وجوهات شرعی در ولایت غزنی با استفاده از تکنیک AHP

غلام علی احمدی<sup>۱</sup>

## چکیده

مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی اجتماعی و خانوادگی در ولایت غزنی ناشی از فقر و بی‌کاری است که با ساماندهی وجوهات شرعی به ویژه زکات و خمس در فعالیتهای اقتصادی، بخش زیادی از چالش‌های اجتماعی به خصوص فقر و بیکاری را می‌توان کاهش داد. پژوهش حاضر پس از ارزیابی وجوهات شرعی، به بررسی دو مدل تخصیص وجوهات شرعی باشاخص‌های کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، فقر زدایی و اشتغال‌زایی می‌پردازد. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش میدانی است که با نظر سنجی از نخبگان اعم از اساتید، دانشجویان و امامان مساجد از میان شاخص‌های طرح شده در پرسشنامه، به‌گزینش و وزن‌دهی شاخص‌های فوق پرداخته‌اند. با استفاده از تکنیک AHP (تحلیل سلسله‌مراتبی)، مدل‌های طرح شده در این تحقیق رتبه‌بندی شده است که تحقق تخصیص وجوهات شرعی در فعالیتهای تولیدی و خدماتی به‌عنوان مدل برتر برگزیده می‌شود؛ زیرا اولاً، روش موجود در تخصیص وجوهات در ولایت غزنی نه تنها منجر به فقرزدایی نشده است؛ بلکه به دلیل پراکندگی منابع دچار افت بهره‌وری شده است. ثانیاً، سرمایه‌گذاری وجوهات شرعی در فعالیتهای اقتصادی به هدف کاهش فقر و بیکاری با روح تشریح وجوهات شرعی سازگارتر است.

واژه‌های کلیدی: تخصیص، وجوهات شرعی، ساماندهی اقتصادی، ولایت غزنی، تکنیک AHP

## مقدمه

دین مبین اسلام به روش‌های مختلف، مسلمانان را در جهت دستگیری از فقرا، مستمندان و ایتم تشویق نموده است در حالی که بسیاری از مسلمانان در سطح کلان و جامعه مسلمان ولایت غزنی در سطح خرد گرفتار فقر، بی‌کاری و نابرابری اجتماعی هستند. از این روی، بر آن شده‌ایم تا پژوهشی در جهت تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی انجام شود و بدون شک با ساماندهی این منبع مالی عظیم بخش زیادی از مشکلات اقتصادی جامعه کاهش می‌یابد. هرچند در تخصیص وجوهات شرعی میان بزرگان دینی وحدت نظر وجود ندارد و در توزیع آن از وحدت رویه استفاده نمی‌شود اما طرح بحث تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی یکی از مسایل جدی و قابل تأمل در شرایط موجود است؛ زیرا در سخنان پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع)، فقر بدترین موجود تعریف شده است که به تبع آن عملاً در جهت فقرزدایی تلاش کرده‌اند و همچنین فلسفه تشریح وجوهات شرعی نیز فقرزدایی و دستگیری از مستمندان بیان شده است. بنابراین، پژوهش حاضر در مقام بیان آن است که تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی است می‌تواند بر کاهش شدن فقر و بیکاری و تحقق سایر شاخص‌های اقتصادی تأثیرگذار واقع شود.

## ۱. پیشینه تحقیق

به دلیل اهمیت وجوهات شرعی در جوامع اسلامی، بسیاری از اندیشمندان اقتصادی به تحلیل این مساله با نگاه‌های متفاوت پرداخته‌اند: کیاء الحسینی و همکاران در مجموعه مقالات: «جایگاه مالیات‌های اسلامی و متعارف و ارتباط متقابل آن» افزون بر مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی به بررسی مشترکات مالیات اسلامی و مالیات متعارف و همچنین اثر مالیات‌های اسلامی بر توزیع درآمد، رشد اقتصادی بحث می‌کند و به این نتیجه می‌رسد؛ مالیات‌های اسلامی اثر مثبت روی رشد و نظام توزیع دارد در حالی که مالیات متعارف ممکن است چنین نباشد.

میشم موسایی و یوسف کرمی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش خمس در رفع فقر مطالعه موردی: شهر شال قزوین»، به نقش خمس در جهت کاهش فقر از طریق تحقیق میدانی به این

نتیجه رسیده است که، مدیریت خمس قریب به ۶۰ درصد فقر را کاهش می‌دهد.

باقر حسامی عزیزی و کفشگری در مقاله‌ای تحت عنوان «خمس و زکات و جایگاه آن در اقتصاد کشورهای اسلامی» افزون بر تبیین تأمین و تخصیص زکات در کشورهای اسلامی، به دستاوردهای مثبت اقتصادی این وجوہات در جوامع اسلامی از طریق احیای فرهنگ خمس و زکات می‌پردازد؛ یعنی اگر مسلمانان به آثار مثبت اقتصادی و آخرتی این وجوہات آشنا شوند بدون شک در پرداخت آن‌ها کمتر کوتاهی صورت می‌گیرد و در نهایت جوامع با رشد اقتصادی و سطح رفاه بالا را شاهد خواهیم بود.

مهدی اسماعیل‌پور در کتابی با عنوان «نهادهای مالی زکات در کشورهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران» به بررسی نهادهای مالی زکات و ارائه الگو برای جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و نتیجه کلی تحقیق این می‌شود که، اگر عایدات زکات به منابع درآمدی نهادهایی مانند سازمان بهزیستی به ویژه کمیته امداد امام خمینی<sup>(۱)</sup> اضافه شود؛ در راستای فقر زدایی بهتر عمل خواهد کرد.

تحقیق حاضر با پژوهش‌های انجام شده با وجود مشترکات، از دو جهت متفاوت است: اولاً، پژوهش حاضر در پی تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی بدون توجه به دستگاه حاکمیت است؛ ثانیاً، این مقاله به دنبال تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی به هدف کاهش فقر و بیکاری در جامعه غزنی است.

## ۲. روش تحقیق

در این پژوهش از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) که، یکی از معروفترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری برای چندین شاخص است استفاده شده است. تکنیک AHP، اولین بار توسط توماس ال ساتی<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۸۰ مطرح و بر اساس مقایسه‌های زوجی بنا نهاده شده است. از آنجا که، تکنیک AHP ترکیب معیارهای کیفی و کمی را به‌طور همزمان امکان‌پذیر می‌سازد؛ غالباً برای تصمیم‌گیری با شاخص‌های چندگانه از این روش استفاده می‌شود که، یکی از جامع‌ترین روش‌های طراحی شده به هدف تصمیم‌گیری و انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های

1. Thomas L. Saaty

متعدد تصمیم می‌باشد. مقایسه‌های دوه‌دویی متغیرها و معیارهای تصمیم‌گیری در فرایند AHP، به تصمیم‌گیرنده این امکان را می‌دهد که فارغ از هرگونه نفوذ و مزاحمت خارجی تنها بر روی مقایسه دو معیار یا گزینه تمرکز کند. افزون بر آن، به‌منظور بهبود عامل منطقی بودن فرایند تصمیم‌گیری، از اطلاعات ارزشمندی در خصوص مساله مورد توجه، استفاده می‌نماید. فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی از زمان ابداع تا کنون، بیش از مدل‌های دیگر با وجود کاستی‌ها، نسبتاً رضایت‌بخش بوده و برای تصمیم‌گیری در حوزه‌های متنوعی مانند سیاست، تولید، بازاریابی، تبلیغات، حمل و نقل و... به کار رفته و نتایج قابل قبولی به دنبال داشته است.

استفاده از این روش زمانی مناسب و مفید است که اولاً، تصمیم‌گیرنده با چند شاخص (شاخص می‌تواند کمی باشد یا کیفی) تصمیم‌گیری روبرو است؛ ثانیاً، تصمیم‌گیری‌ها باید براساس طی مراحل زیر صورت گیرد:

الف) مرحله اول مدل سازی و بنا کردن، سلسله مراتب مدل است. هدف از تصمیم‌گیری در این مرحله، ارتباط عناصر تصمیم که شامل شاخص‌های تصمیم‌گیری و گزینه‌های تصمیم است؛ به‌صورت سلسله‌مراتبی می‌باشد؛

ب) مرحله دوم، انجام مقایسه‌های دو به دو است. در این مرحله، مجموعه ماتریس‌هایی که به‌طور عددی اهمیت یا ارجحیت عناصر هر سطح را نسبت به عنصر مربوطه خود در سطح بالاتر نشان می‌دهد؛ باید از سوی تصمیم‌گیرنده ایجاد شود؛ این کار با انجام مقایسات به نام ماتریس مقایسه‌های دو به دو بین عناصر هر سطح (مقایسات زوجی) از طریق تخصیص اعدادی که نشان‌دهنده اهمیت یا ارجحیت یکی نسبت به دیگری است صورت می‌گیرد. این ماتریس دارای دو ویژگی است: ۱. قطر این ماتریس عدد ۱ است و به این معنا است که، نسبت ترجیح هر عامل در مقایسه با خودش مساوی ۱ است و ۲. ترجیح عوامل نسبت به یکدیگر خاصیت معکوس پذیری دارد؛

ج) مرحله سوم در تکنیک AHP، تعیین وزن هر یک از عناصر تصمیم معطوف به اطلاعات ماتریس‌های مقایسه‌های دو به دو است که در انجام آن، یکی از روش‌ها مانند: روش حداقل مربعات، روش حداقل مربعات لگاریتمی، روش بردار ویژه و روش‌های تقریبی (میانگین حسابی) استفاده می‌شود. در این پژوهش از روش‌های تقریبی استفاده شده است که این روش

مشمول بر مراحل زیر است: ۱- مقادیر هر یک از ستون‌ها را با هم جمع می‌کنیم. ۲- برای نرمالیزه شدن ماتریس مقایسات زوجی، هر عنصر در ماتریس مقایسات زوجی بر حاصل جمع ستون خودش تقسیم می‌شود. ۳- با محاسبه مقدار میانگین عناصر هر سطر از ماتریس نرمالیزه شده، وزن نسبی عناصر مورد نظر تعیین می‌شود؛

د) مرحله چهارم، انتخاب گزینه برتر است. در این مرحله با ادغام وزن‌های نسبی درهم، گزینه‌های تصمیم رتبه‌بندی و گزینه برتر تعیین می‌گردد. از آنجا که وزن شاخص‌ها منعکس کننده اهمیت آن‌ها در تعیین هدف بوده و وزن هر گزینه نسبت به شاخص‌ها، سهم آن گزینه در شاخص مربوطه می‌باشند، می‌توان گفت که وزن نهایی هر گزینه از مجموع حاصلضرب وزن هر شاخص در وزن گزینه مربوط از آن شاخص به دست می‌آید؛ زیرا وزن شاخص‌ها بیانگر اهمیت آن‌ها در تعیین هدف است و وزن هر گزینه نسبت به شاخص، سهم آن گزینه در شاخص مربوطه می‌باشد. (دلبری و داودی، ۱۳۹۱، ص ۶-۸؛ حیدری، ص ۴-۵).

در این مقاله، با استفاده از نظرات نخبگان در قالب پرسشنامه بر اساس روش تحلیل سلسله‌مراتبی AHP، شاخص‌ها را به صورت ماتریس‌های مقایسه زوجی مقایسه نموده و با قضاوت‌های انجام شده اهمیت شاخص‌ها و در نهایت مدل‌های دوگانه رتبه‌بندی شده است. شاخص‌های اصلی و مطرح در این تحقیق عبارت است از: کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، فقر زدایی و اشتغال‌زایی. قبل از پرداختن به مباحث روشی، بایستی ابتدا مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی مطرح و تبیین شود و سپس مطابق مباحث طرح شده به رتبه‌بندی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۳. مفاهیم

#### ۳-۱. تأمین

تأمین مصدر اُمن و به معنای بیمه می‌باشد (پاشازانوس، ۱۳۸۸، ۴۵) اما مراد از تأمین در این جا، جمع‌آوری و چگونگی تجمیع وجوهات شرعی است.

#### ۳-۲. تخصیص

تخصیص مصدر خَصَّص و به معنای خاص و ویژه است (اصفهان‌ی، ۱۳۸۷، ۲۱۸-۲۱۹).

اما منظور از تخصیص در این پژوهش، چگونگی تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی به هدف فقرزدایی از جامعه مورد نظر می‌باشد.

### ۳-۳. زکات

زکات یعنی نمو و برکت که از جانب خداوند در امور دنیا و آخرت داده می‌شود (نجفی، ۱۹۸۱، ۲؛ شهید اول، ۱۳۸۷، ۱۱). زکات در شرع به همان معنای لغوی یعنی رشد، زیاده و پاکی آمده است؛ زیرا با زکات اموال، خیر و برکت، طهارت و پاکی در مال و روان زکات‌دهنده ایجاد می‌شود (حلی، بی‌تا، ج ۳، ۱). زکات در قرآن به هردو معنا آمده است. آیه ۱۳ از سوره مریم بیانگر معنای لغوی زکات یعنی پاکی است چنانچه خداوند در این آیه می‌فرماید: «ما به حضرت یحیی از ناحیه خود رحمت و پاکی بخشیدیم و او فردی پرهیزکار بود». همچنین زکات به معنای اصطلاحی آمده که به معنای عام یعنی شامل کمک‌های واجب و مستحب می‌شود (قرائتی، ۱۳۷۴، ۹۷).

### ۳-۴. خمس

خمس در لغت به معنای شمارش، یک پنجم، پنج یک ۱/۵ می‌باشد (رازینی، بی‌تا، ۸۸، اصفهانی، ۱۳۸۷، ۱۶۵، پاشازانوس، ۱۸۷، ۱۳۸۸). اما در اصطلاح عبارت است از: حق مالی که خداوند مالک ملک بالاصاله، در مال مخصوص برای خود و بنی هاشم بر بندگان واجب کرده است (ر.ک: حلی، ۱۴۱۳، ۳۵۰؛ حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ۱۵۸-۱۶۱). فی الجمله در وجوب خمس به دلالت قرآن، روایات و اجماع فقها، شکی نیست و شک‌کنندگان در وجوب، از جمع مسلمین خارج و داخل در جرگه‌ای کافران می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵، ۲۱).

از مجموع تعاریف که برای زکات و خمس بیان گردید؛ می‌توان چنین نتیجه گرفت:

الف) به صورت کلی، زکات و خمس واجب است هرچند در جزئیات آن‌ها ممکن است اختلاف وجود داشته باشد؛

ب) خمس به صورت کلی حق مالی است که خداوند بر بندگان واجب کرده است و این حق ممکن است کلی فی المعین و یا عین مشاع باشد.

### ۵-۳. تعریف شاخص‌ها

در این تحقیق چهار شاخص مورد توجه است که عبارتند از:

الف) نابرابری؛ نابرابری به معنای توزیع ناعادلانه امکانات و منابع، درآمد و ثروت میان افراد جامعه منظور است؛ زیرا با وجود نابرابری در جامعه، سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی تضعیف و استرس و ناهنجاری‌های رفتاری افزایش می‌یابد. (محمدزاده، و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۲۱) بنابراین، تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی بر کاهش نابرابری تسریع می‌بخشد.

ب) بهره‌وری؛ بهره‌وری یعنی حداکثر استفاده از منابع فیزیکی، نیروی انسانی و سایر عوامل به روش‌های علمی به‌طوریکه بهبود بهره‌وری به کاهش هزینه تولید، گسترش بازارها، افزایش اشتغال و بالا رفتن سطح زندگی همه آحاد ملت، منجر شود. (بختیاری، همکاران، ۹۳، ۴۹) هدف از افزایش بهره‌وری در این تحقیق، بیشتر تاکید بر حداکثر استفاده از وجوهات شرعی تجمیع شده در جهت فعالیت‌های اقتصادی است.

ج) فقر؛ فقر با رویکردهای متفاوتی تعریف شده است که یکی از آن‌ها، تعریف فقر با رویکرد درآمدی است؛ یعنی فقر عبارت است از ناتوانی در برآورده ساختن نیازهای اساسی انسانی (یوسفی، ۱۳۸۷، ۲۷۳). به سخن دیگر، فقر یعنی محرومیت شدید از تامین نیازهای اساسی و اولیه زندگی. در واقع، ناتوانی از تامین سطح استاندارد زندگی را فقر گفته‌اند (حکیم‌آبادی، کرامتی، ۱۳۹۲، ۷۰-۷۱).

د) اشتغال؛ تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، طبق تعریف کار، حداقل یک ساعت کار کرده یا بنا به دلایلی به‌طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. شاغلان به‌طور عمده شامل دو گروه مزد و حقوق بگیران و خود اشتغالان می‌شوند. ترک موقت کار در هفته مرجع با داشتن پیوند رسمی شغلی، برای مزد و حقوق بگیران و تداوم کسب و کار برای خوداشتغالان، به‌عنوان اشتغال محسوب می‌شود (معاونت اقتصادی، ۱۳۹۵، ۴).

هدف از اشتغال در این تحقیق، به کارگرفتن افراد بی‌کار خانواده‌های مستحقین با حقوق و مزایای متعارف جامعه از طریق تخصیص وجوهات شرعی در پروژه‌های تولیدی و خدماتی است. اشتغال به‌صورت پاره وقت و یا تمام وقت متناسب با شرایط اقتصادی و خانوادگی افراد

بی‌کار مستحق صورت می‌گیرد.

#### ۴. منابع زکات

زکات دارای منابعی است که به صورت کلی به مباحث آن می‌پردازیم:

##### ۴-۱. منابع زکات و شرایط آن در فقه شیعه

مطابق فتوای مشهور فقهای شیعه، موارد وجوب زکات اموال عبارتند از: طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش. وجوب زکات مشروط به شرایطی است، مانند: بلوغ، عقل، آزادی، مالکیت، توانایی تصرف در اموال و داشتن نصاب. محقق حلی، زکات را در موارد نه گانه مانند: شتر، گاو، گوسفند، طلا، نقره، گندم، جو، خرما و کشمش واجب می‌داند. اما زکات را در موارد مانند درآمد ناشی از تجارت و حیوانات مستحب می‌داند (حلی، ۱۴۱۳، ۳۴۷). صاحب عروه نیز زکات را بر موارد نه گانه با شرایط گفته شده واجب می‌داند و زکات غلات متعلق به غیر بالغ و مال التجاره متعلق به مجنون را برای ولی شرعی آن‌ها مستحب می‌داند اما زکات بر افراد بیهوش و مست در اثناء سال را اظهر الوجوب می‌داند (طباطبایی، بی تا، ۸۵-۸۷).

##### ۴-۲. منابع زکات و شرایط آن در فقه اهل سنت

در مذهب حنفی، عقل و بلوغ شرط وجوب زکات است اما در زکات زرع و میوه شرط نیست. در مذهب حنفی، شافعی و حنبلی بر غیر مسلمان زکات واجب نیست در حالی که در مذهب امامی و مالکی بر غیر مسلمان مانند مسلمان واجب است. افزون بر آن، از شرایط زکات است توانایی مالک بر تصرف، رسیدن به حد نصاب و گذشت یک سال قمری مگر در موارد مانند غلات، میوه و معادن. تمام مذاهب چهارگانه بر وجوب زکات بر شتر، گاو (شامل بوفالو)، گوسفند (شامل بز) اتفاق نظر دارند و زکات بر حیوانات از قبیل اسب، قاطر و الاغ در صورتی که از اموال تجاری محسوب نشود واجب نیست و تنها در مذهب حنفی زکات بر اسب واجب شمرده شده است اعم از مذکر و مونث.

تمام مذاهب چهارگانه بر وجوب زکات در حیوانات گفته شده با شرایط زیر اتفاق نظر دارند:

۱. رسیدن به حد نصاب؛ ۲. در تمام سال از علف بیابان بچرد؛ ۳. زکات بر حیوانات که در



جهت کار استفاده می‌شود واجب نیست مگر در مذهب مالکی زکات بر حیوانات گفته شده واجب است اعم از عامل و غیر عامل؛ ۴. حیوانات گفته شده ۱۲ ماه در ملک مالک باشد. زکات در طلا و نقره مشروط به شرایط زیر واجب است: ۱. به حد نصاب برسد؛ ۲. با حفظ نصاب یکسال در نزد مالک باشد. تمام مذاهب چهارگانه بر وجوب زکات در طلا و نقره اعم از مسکوک و شمش همانند وجوب زکات بر پول اتفاق نظر دارند اما در زیورآلات اختلاف است یعنی برخی مشمول وجوب زکات می‌دانند و برخی نمی‌دانند (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۱، ۱۶۶-۱۷۵).

### ۳-۴. احکام تأمین زکات

فرد زکات‌دهنده یا وکیل وی بدون مراجعه به امام و حاکم شرع می‌تواند زکات‌شان را محاسبه و در جهت تعیین شده، هزینه و مصرف کنند ولی بهتر است که در زمان حضور امام معصوم به امام و در زمان غیبت، به فقهای واجد شرایط پرداخت شود. زکات‌دهنده در صورت توانایی نباید در پرداخت زکات تأخیر کند و نباید در مکان دیگر با وجود مستحق در شهر خودش انتقال دهد. عمده دلایل این نظریه عبارتند از روایات که پرداخت زکات به فقیر، خرید برده و آزاد کردن وی، پرداخت بدهکاری با زکات، انتقال زکات در شهر دیگر، عدم پرداخت زکات به فاسق و شارب الخمر و گرفتن وکیل در توزیع زکات را اجازه داده است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸۲-۳۵۶؛ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۴).

### ۴-۴. احکام تخصیص زکات

فقهای مسلمان با استناد به آیه شریفه ۶۰ از سوره توبه: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ»، موارد مصرف زکات را هشت گروه تعریف کرده‌اند که عبارتند از: ۱) فقرا (۲) مساکین. ۳) کسانی که در جمع‌آوری، حفظ و توزیع زکات میان مستحقین تلاش می‌کنند. ۴) دلجویی شدگان. ۵) بندگان. ۶) بدهکاران. ۷) هرکاری که باعث جلب رضایت خداوند باشد و ۸) در راه ماندگان.

دو گروه اول و دوم سهم در زکات را خداوند فقرا و مساکین قرار دادند و بیانگر این است که هدف اول از وجوب زکات رفع فقر و نیازمندیهای جامعه اسلامی می‌باشد؛ زیرا قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است و در زبان عربی با اهمیت‌ترین کلمه را در اول ذکر می‌کند و از آنجا

که مبارزه با فقر و متعهد شدن در قبال فقرا به عنوان هدف اول تعریف شده است؛ لذا آیه ۶۰ از سوره توبه با دو واژه فقرا و مساکین شروع شده است (قرضاوی، ۱۴۲۷، ج ۱، ۵۱۸). فقیر به کسی گفته می‌شود که، از تأمین مخارج سالانه‌ای که سزاوار آن است نسبت به خود و افراد تحت تکفلش ناتوان باشد اعم از بالفعل و بالقوه (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۱، ۳۳۴). تخصیص زکات به موارد هشت‌گانه مطابق قرآن، سیره پیامبر گرامی و جانشینان وی توسط معصوم در زمان حضور و توسط حاکم شرع در زمان غیبت صورت می‌گیرد. هرچند برخی از فقها توزیع زکات توسط خود مالک مال را نیز اجازه می‌دهند.

### ۵. احکام خمس

به دلالت قرآن، روایات و اجماع فقها، خمس یکی از واجبات مالی در اسلام بخصوص نزد شیعیان محسوب می‌شود و فی الجمله از ضروریات اسلام است (موسوی خویی، ۱۳۶۴، ۹؛ منتظری، بی‌تا، ۷).

#### ۱-۵. منابع خمس و شرایط آن در فقه شیعه

خداوند در سوره انفال، آیه ۴۱ می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». در این آیه شریفه با دو بار بیان تأکید با کلمه «أَنَّ» با عنایت ویژه، اهمیت خمس را بیان شده است. هرچند کلمه «غَنِمٌ» در لغت به معنای غلبه و پیروزی است اما این کلمه به هر چیزی که باعث پیروزی انسان شود ولو با تبدیل مال به آن بدون سود و فایده باشد؛ صدق نمی‌کند.

منظور از «غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ» در آیه فوق خمس است که پرداخت آن بر هر مسلمان واجب می‌باشد و موارد پنجگانه مانند: غنایم جنگی، معادن، گنج، غوص و منفعت کسب را شامل است اما وجوب خمس در موارد مانند «مال حلال مخلوط به حرام» و «زمینی که ذمی از مسلمان بخرد» از اطلاق آیه فوق به دست نمی‌آید و تنها بر اساس روایات بر وجوب آن استناد کرده‌اند. به صورت کلی، عموم آیه فوق شامل معادن، گنج، غوص، ارباح مکاسب و حتی جوایز را شامل است (منتظری، بی‌تا، ج ۱، ۷۰۹).

## ۲-۵. منابع خمس و شرایط آن در فقه اهل سنت

در فقه اهل سنت بر اصل تشریح و وجوب خمس تأکید شده است با این تفاوت که تنها برخی از موارد هفتگانه مشمول خمس است نه بیشتر. چنانچه موارد زیر بیانگر این مسأله است:

الف) وجوب خمس بر غنایم جنگی به اتفاق تمام مذاهب واجب است؛

ب) افزون بر غنایم جنگی، معادن و گنج هم در مذهب حنفی مشمول خمس است چه زیاد باشد و یا کم بدون اعتبار نصاب ولی در مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی اگر معدن به حد نصاب برسد تنها زکات بر آن واجب است هر چند گنج در نگاه آن‌ها مشمول خمس است اعم از کم و زیاد بدون اعتبار نصاب؛

ج) در مذاهب چهارگانه موارد مانند: بدست آوردن جواهر از دریا توسط غوّاصی، مازاد بر مخارج سال که از منافع ناشی از تجارت، زراعت و صنعت بدست می‌آید، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد و مال حلال مخلوط به حرام مشمول خمس نیست (مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۱، ۱۸۷-۱۸۸).

ح) ابوحنیفه معتقد به وجوب خمس در طلا، نقره و آهن می‌باشد. خمس در صورتی بر معادن واجب است که اولاً، استخراج و تصفیه شود؛ ثانیاً، تمام هزینه‌های صرف شده در روند استخراج، محاسبه و کسر گردد اما شافعی معتقد به وجوب زکات تنها در معادن از قبیل طلا و نقره است نه بیشتر (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۱۱۶-۱۱۸).

## ۳-۵. احکام تأمین و تخصیص خمس

در دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه، خمس به موارد هفتگانه تعلق می‌گیرد. پرسش این است: چه کسی در عصر کنونی مسئولیت تأمین و جمع‌آوری خمس را به عهده دارد؟ و به چه کسانی توزیع و تخصیص داده شود؟.

در نگاه غالب فقها به دلیل آیه ۴۱ سوره انفال و برخی روایات، خمس به شش سهم تقسیم شده است که با بررسی موارد زیر، پرسش‌های مطرح در فوق نیز پاسخ داده می‌شود:

الف) خمس به شش سهم تقسیم می‌شود که سه سهم آن متعلق است به خدا، پیامبر گرامی اسلام (ص) و امام معصوم (ع) که در زمان غیبت تمام سهام سه‌گانه به امام زمان (عج) تعلق دارد. سه سهم دیگر به ایتام، مساکین و درراه‌ماندگان که از طرف پدر به هاشم منتسب

هستند، اختصاص دارد مشروط به این که هر سه گروه دارای ایمان باشند بدون توجه به عدالت. افزون بر آن، در ایتمام فقرا و در ابن السبیل اعم از سفر معصیت و طاعت، احتیاج و نیازمندی شرط است. هر چند کسی که در سفر در مانده شده است، در شهر خودش ثروتمند باشد. بهتر آن است که خمس میان مستحقین با توجه به اولویت‌ها تخصیص داده شود و به کسانی که متجاهر به فسق هستند نباید خمس داد (طباطبایی، ۱۴۰۹، ج ۲، ۴۰۳).

نصف خمس؛ یعنی سهم امام علیه السلام در زمان غیبت باید به مجتهد جامع شرایط که در جایگاه نائب امام قرار دارد؛ پرداخته شود و یا مطابق نظر وی عمل گردد. به عبارت دیگر، مجتهد جامع شرایط متولی سهم امام از خمس در زمان غیبت معرفی شده است. اما مسئولیت نصف دیگر خمس؛ یعنی سهم سادات به عهده فرد خمس دهنده است و نیاز به مراجعه مجتهد جامع شرایط نیست ولی از آنجا که مجتهد دارای تخصص در مسایل دینی است و آگاه‌تر به شرایط و موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد؛ از باب احتیاط به ایشان پرداخت یا تحت نظر وی عمل شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۶، ج ۹، ۵۶۷-۵۸۵).

## ۶. مدل‌های تحقیق

در خصوص تامین و تخصیص وجوهات شرعی، دو مدل در نظر گرفته شده است که به توضیح آن‌ها پرداخته می‌شود:

### ۱-۶. مدل اول

در این مدل، تامین و تخصیص وجوهات شرعی از قبیل زکات و خمس کاملاً به شکل سنتی صورت می‌گیرد؛ یعنی مراجع تقلید دارای دفتر مرکزی و مشخص در یک شهر و نمایندگی‌ها در سایر شهرها و کشورها هستند که از طریق وکلای مجتهد و یا خود افراد، وجوهات تجمع می‌شود و به مواردی مانند: فقرا، مساکین، در راه ماندگان، بدهکاران، طلاب حوزه‌های علمیه، ساختن مساجد، کتابخانه، حوزه علمیه و مانند آن، توسط خود مجتهد یا زیر نظر وی به مصرف می‌رسد. تامین و تخصیص وجوهات شرعی در شرایط موجود با همین مدل صورت می‌گیرد. مدل فوق، غالباً به صورت پراکنده و فردی در جهت کمک به فقرا و .... اقدام می‌نماید که تنها بخشی از مشکلات اقتصادی مستحقین به صورت موقت با این روش قابل حل است و

همین مساله باعث شده است که راهکار مشخص در جهت کاهش فقر، نابرابری و بیکاری در جوامع اسلامی به ویژه جامعه غزنی افغانستان از طریق وجوهات شرعی مورد غفلت قرار گیرد. در حالی که مدیریت این منبع مالی بخش زیادی از مشکلات اقتصادی را کاهش می دهد. از این روی، برآن شدیم تا مدل دیگری را که کارآمدی بیشتر در تحقق شاخص های مورد نظر داشته باشد؛ مطرح کنیم.

#### جدول ۱: ویژگی های مدل اول تامین و تخصیص وجوهات شرعی

تامین وجوهات شرعی	تخصیص وجوهات شرعی	موارد تخصیص وجوهات شرعی
دفتر مجتهد اقدام به جمع آوری وجوهات شرعی می نماید	خود صاحب مال با اجازه مجتهد اقدام به توزیع به مستحقین می نماید	فقرا، مساکین، بدهکاران، درراه ماندگان، و....
وکلائی مجتهد اقدام به جمع آوری می کنند	نمایندگان ویژه مجتهد با اجازه مجتهد اقدام به توزیع می نمایند	ساختن مساجد، مدارس علمیه
خود صاحب مال به طور مستقیم، وجوهات خویش را به دفتر مجتهد تحویل می دهد.	خود مجتهد به طور مستقیم اقدام به توزیع می نماید	ساختن در مانگاه و....

#### ۲-۶. مدل دوم

مدل دوم در جهت تامین و تخصیص وجوهات شرعی با مکانیزم خاص در فعالیت های اقتصادی تلاش دارد. این مدل با توجه به موارد زیر، به تامین و تخصیص وجوهات شرعی می پردازد:

تامین و تخصیص وجوهات شرعی تنها توسط مجتهد و زیر نظر ایشان صورت می گیرد؛ تامین و تخصیص وجوهات شرعی با ساختار مشخص در قالب کمیته های مشورتی، نظارتی، مالی و اجرایی انجام می گیرد که، اعضای تمام کمیته ها از سوی مجتهد جامع الشرایط با بُرد

تخصصی فقه و اقتصاد، فقه و سیاست، فقه و حقوق، انتخاب می‌شود؛ در این مدل، با توجه به شرایط جامعه، نهادهای خدماتی و تولیدی ایجاد و پس از شناسایی مستحقین به استخدام افراد بیکار خانواده‌های مستحق با حقوق متعارف اقدام می‌شود.

### جدول ۲: ویژگی‌های مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی

تامین وجوهات شرعی	تخصیص وجوهات شرعی	موارد تخصیص وجوهات شرعی
دفتر مجتهد اقدام به جمع‌آوری وجوهات شرعی می‌نماید	تخصیص وجوهات شرعی فقط توسط خود مجتهد و یا زیر نظر ایشان انجام می‌شود	ایجاد شرکت‌های تولیدی و خدماتی، استخدام نیروی کار فعال خانواده‌های مستحقین با حقوق و مزایای متعارف جامعه
وکلاهی مجتهد اقدام به جمع‌آوری می‌کنند		ساختن مساجد، مدارس علمیه و مانند آن
خود صاحب مال به‌طور مستقیم، وجوهات خویش را به دفتر مجتهد تحویل می‌دهد.		توزیع وجوه نقدی ماهوار به خانواده‌هایی که فاقد نیروی کار فعال هستند.

## ۲. ولایت غزنی

ولایت غزنی با مرکزیت شهر غزنی یکی از سی و چهار ولایت با مساحت حدود ۲۲۴۶۰/۵ کیلومتر مربع در جنوب افغانستان قرار دارد. این ولایت از شمال و شمال غربی به ولایات میدان وردک، کابل و بامیان، از شرق به ولایات پکتیا و پکتیکا از جنوب به ولایت زابل و از غرب به ولایات ارزگان و دایکندی موقعیت دارد. ولایت غزنی در ۱۳۵ کیلومتری جنوب غرب کابل یعنی به‌سمت غرب شاهراه کابل و قندهار موقعیت دارد. این ولایت به شمول مرکز دارای ۱۹ واحد اداری و ۱۸ ولسوالی و ۳۱۸۵ قریه می‌باشد. غزنی تاریخ ۱۵۰۰ ساله قبل از اسلام دارد و دارای آثار تاریخی فراوان است که بیشتر آن‌ها به دلیل بی‌توجهی دولت مردان، جنگ و ناامنی از بین

رفته است.

این ولایت افزون بر داشتن پیشینه زرین تاریخی، دارای شخصیت‌های مشهور سیاسی، علمی و عرفانی نیز بوده است. جایگاه رفیع تاریخی غزنی باعث شد که این ولایت در سال ۲۰۰۷ از سوی سازمان علمی و فرهنگی کشورهای اسلامی (آی‌سی‌اس‌کو) به‌عنوان مرکز فرهنگ و تمدن جهان اسلام برای سال ۲۰۱۳ انتخاب گردید. ولایت غزنی به دلیل آب و هوای نسبتاً مناسب دارای محصولات متعدد از جمله گندم، جو و... و همچنین دارای میوه‌جات مانند انگور، سیب، زردآلو و... می‌باشد. نزدیک به ۷۰٪ مردم در روستاها زندگی و از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. در این ولایت اقوام مختلف ساکن هستند که متأسفانه به دلایل مختلف، آمار دقیق از جمعیت افغانستان و اقوام متعدد ساکن ولایت غزنی وجود ندارد و آمارهای منتشره غیر دقیق و بر اساس تخمین و حدسیات از سوی اداره ملی احصائیه و سایر نهادها است. (ر.ک: پروفایل ولایت غزنی - چشم انداز انکشاف اقتصادی و اجتماعی - جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت اقتصاد، اداره مستقل ارگان‌های محلی جمهوری اسلامی افغانستان؛ میثاق شهروندی مؤسسه پاملرنه؛ ریاست معارف غزنی و ویکی پدیا دانش‌نامه آزاد).

کل جمعیت ولایت غزنی، ۱,۴۵۵,۹۲۴ نفر تخمین زده شده است که از آن میان، جمعیت شیعه اعم از هزاره، سادات، قزلباش و بیات ۵۸۰۹۰۰ نفر برآورد شده است. (ویکی پدیا دانش‌نامه آزاد به نقل از <http://www.aims.org.af>)

جدول ۳: جمعیت شیعیان در هر ولسوالی

ولسوالی	کل جمعیت
اجرستان	۱۴۴۰۰
جغتو	۳۰۰۰۰
جاغوری	۳۵۰۰۰۰
خواجه عمری	۹۹۰۰
خوکیانی	۴۸۰۰

۴۸۰	رشیدان
۷۷۰۰۰	غزنی
۶۶۰۰۰	قره باغ
۱۸۰۰۰۰	مالستان
۱۵۰۰۰۰	ناهور
۱۸۰۰۰	واغظ
۰۰,۵۸۰,۹	جمع کل

### ۱-۷. وجوهات شرعی در غزنی

مطابق مطالعات جدیدتر، عناصر سه‌گانه‌ای درآمد، بهداشت و آموزش، تابع رفاه و یا تابع خانوار را تشکیل می‌دهند و برای هر عنصر یک حد اقل قابل قبول در نظر می‌گیرند و اگر هر فرد یا خانواده‌ای در شرایط کمتر از آن حداقل قرار بگیرد؛ زیر خط فقر قرار دارند. بارویکرد عینی به خط فقر، معیار حداقل درآمد مطابق اندازه و بُعد خانواده تعریف شده است و با رویکرد ذهنی، میزان رضایت‌مندی افراد مطابق اندیشه و جایگاه‌شان از زندگی مورد توجه است (دادگر، ۱۳۸۶، ص ۲۵۷). به‌صورت کلی با هر رویکرد به فقر و خط فقر نگاه بیان‌دازیم نتیجه می‌گیریم که، نزدیک به ۷۰٪ شهروندان افغانستان در سطح کل و شهروندان ولایت غزنی در سطح خاص زیر خط فقر قرار دارند؛ زیرا درآمد سرانه با توجه به سال ۱۴۰۰ برابر بوده است با ۵۰۰ دلار؛ یعنی درآمد هر سر افغانستانی در روز تقریباً ۱/۳۷ دلار که معادل ۱۱۷ افغانی می‌شود (Per capita, 2022)

با توجه به میزان جمعیت ولایت غزنی خواهیم داشت:

جمعیت مشمول وجوهات شرعی در این ولایت، حدود ۹۰۰۵۸۰ نفر برآورد شده است؛

۷۰٪ جمعیت فوق، زیر خط فقر قرار دارند که نزدیک به ۶۳۰۴۰۶ نفر می‌باشند؛

۳۰٪ جمعیت گفته شده، در شرایط بهتر زندگی قرار دارند و ملزم به پرداخت وجوهات

شرعی هستند که در حدود ۲۷۰۱۷۴ نفر می‌باشند؛

به‌طور متوسط اگر هر خانواده‌ای که ملزم به پرداخت وجوهات شرعی هستند را ۵ نفر در



نظر بگیریم؛ مجموع خانواده‌های پرداخت‌کنندگان می‌شود:

$$۵۴۰۳۴/۸=۵/۲۷۰,۱۷۴$$

به‌طور متوسط هر خانواده از ۵۴,۰۳۴/۸ در سال مبلغ ۴۰,۰۰۰ افغانی به‌عنوان وجوهات

شرعی پردازد؛ مجموع وجوهات شرعی در سطح ولایت غزنی می‌شود:

$$۲,۱۶۱,۳۹۲,۰۰۰ AF = ۴۰,۰۰۰ * ۵۴,۰۳۴/۸$$

از تقسیم وجوهات تجمیع شده بر مستحقین ۷۰٪، درآمد سالانه هر مستحق خواهد شد:

$$AF ۳,۴۲۸/۵ = ۶۳۰,۴۰۶/۲,۱۶۱,۳۹۲,۰۰۰$$

درآمد روزانه هر مستحق از تقسیم درآمد سالانه بر ۳۶۵ روز به دست می‌آید و داریم:

$$AF ۹/۳۹ = ۳۶۵/۳,۴۲۸/۵$$

اگر وجوهات تجمیع شده، به مستحقین به‌صورت نقدی مطابق روش موجود توزیع شود، هر مستحق به‌طور متوسط در سال ۳,۴۲۸/۵ افغانی و به ازای هر روز ۹/۳۹ افغانی دریافت می‌کند که رقم بسیار پایین و ناچیز است و با این مبلغ، به تحقق شاخص‌های مورد توجه تحقیق هرگز نمی‌توان رسید. از این‌روی، ضرورت دارد که تأمین و تخصیص وجوهات شرعی باید به گونه‌ای ساماندهی شود که بیشترین بهره‌وری اقتصادی را در قالب افزایش سطح درآمدی مستحقین داشته باشد؛

معادل دلاری کل وجوهات تجمیع شده برابر است با:

$$\$ ۲۵,۴۲۸,۱۴۱/۱۷ = ۸۵/۲,۱۶۱,۳۹۲,۰۰۰$$

مبلغ بیست و پنج میلیون دلار آمریکای در شرایط موجود افغانستان طی یک سال، مبلغ قابل توجه است که با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تولیدی و خدماتی دارای کارایی بسیار بالاتری خواهد بود؛ زیرا یک کاسه کردن وجوهات، افزون بر جلوگیری از پراکندگی منابع و عدم کارایی آن، باعث انباشت سرمایه و زمینه‌ساز سرمایه‌گذاری بهینه در جامعه می‌شود که بدون شک بر روند ریشه‌کنی فقر در قالب اشتغال و ایجاد درآمد برای فقراي جامعه تسريع می‌بخشد؛

۱۰. بهره‌وری اقتصادی از مجموع وجوهات شرعی جمع‌آوری شده، در صورت ممکن است که کل وجوهات در بخش‌های اقتصادی به جریان انداخته شود و با مدیریت درست منابع، شرایط زندگی خانواده‌های مستحقین در جهت بهبود، تغییر چشم‌گیری خواهد یافت. افزون

برآن، سودجویی از وجوهات شرعی که در شرایط کنونی تاحدودی وجود دارد نیز به صفر میل می‌کند.

## ۷-۲. ساماندهی اقتصادی وجوهات شرعی در قالب مدل برتر

با فهم این مسأله که، توزیع وجوهات شرعی با مدل موجود، ناتوان از حل مشکلات اقتصادی مستحقین است. بنابراین، لازم است به منظور تأمین وجوهات پراکنده، الگوی مطلوب در این جهت طرح گردد که اولاً، مانع پراکندگی منابع شود؛ ثانیاً، از منابع تجمع شده در جهت کاهش فقر مستحقین استفاده شود؛ ثالثاً، متناسب با شرایط درآمدی و فرهنگی مستحقین، فعالیت‌های اقتصادی صورت بگیرد. مدل پیشنهادی به‌عنوان الگوی مطلوب دارای ساختار مشخص و به دور از پیچیدگی طراحی شده است تا با پیاده‌سازی آن در جامعه مورد نظر، بخش زیادی از مشکلات اقتصادی مستحقین رفع شود.

### ۷-۲-۱. ساختار مدل برتر

الگوی مطلوب تأمین و تخصیص در جهت مدیریت بهتر وجوهات شرعی از عناصر زیر کمک می‌گیرد تا زمینه ساز شرایط بهتر زندگی فقرای جامعه گردد.

#### ۷-۲-۱-۱. شورای علماء

یکی از ارکان مهم ساختار الگو، شورای علماء است که اعضای تشکیل دهنده آن تمام مسئولین بخش وجوهات شرعی می‌باشند. این شورا با توجه به شرایط عمومی ولایت غزنی دارای عناصر مهم زیر است:

##### ۷-۲-۱-۱-۱. مجتهد جامع الشرایط

در رأس شورای علماء، مجتهد جامع الشرایط قرار دارد که با توجه به جمعیت هر منطقه، افرادی را به‌عنوان جمع‌آوری کنندگان و توزیع‌کنندگان وجوهات شرعی به‌صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تعیین می‌نماید. مجتهد دارای اختیارات نظارتی، مشورتی و اجرایی است و به‌طور مستقیم در جهت افزایش یا کاهش و یا لغو عضویت اعضای شورای علماء با توجه به حفظ مصالح عمومی و نظریات کارشناسان، می‌پردازد. هرچند تعدد مقلدین در ولایت غزنی و عدم حضور شخص مجتهد در این ولایت ممکن است روند تطبیق الگوی مطرح در این پژوهش را

آهسته بسازد اما از طریق نمایندگان خاص مجتهد، حلّ این نوع مشکل امکان‌پذیر است. از این روی، عنصر دیگری در جهت تحقق اهداف این پژوهش افزوده می‌شود.

#### ۲-۱-۱-۲-۷. نمایندگان خاص مجتهد

مجتهد جامع الشرایط، بایستی ۵ نفر قابل اعتماد و متعهد را به حیث نمایندگان ویژه خود در ولایت غزنی معرفی نمایند تا تمام فعالیت‌های مربوط به وجوهات شرعی را گزارش و در جهت شرایط بهتر تأمین و تخصیص وجوهات شرعی ایفای وظیفه نمایند.

#### ۳-۱-۱-۲-۷. عاملین (جمع‌آوری‌کنندگان وجوهات)

از آنجا که ولایت غزنی به شمول مرکز، دارای ۱۸ ولسوالی می‌باشد و از این میان افزون بر مرکز ولایت، ۱۱ ولسوالی دارای جمعیت شیعه نشین هستند؛ لذا برای هر ولسوالی با توجه به جمعیت و پراکندگی منطقه به ازای هر دو هزار نفر، یک نفر به‌عنوان عامل جمع‌آوری وجوهات شرعی از سوی نمایندگان ویژه مرجع تقلید و با تأیید مستقیم ایشان تعیین می‌شود.

جدول ۴: تعداد جمع‌آوری‌کنندگان وجوهات شرعی به تناسب ولسوالی‌ها

تعداد عاملین	کل جمعیت	ولسوالی
۷ نفر	۱۴۴۰۰	اجرستان
۱۵ نفر	۳۰۰۰۰	جغتو
۱۷۵ نفر	۳۵۰۰۰۰	جاغوری
۵ نفر	۹۹۰۰	خواجه عمری
۳ نفر	۴۸۰۰	خوکیانی
۱ نفر	۴۸۰	رشیدان
۳۷ نفر	۷۷۰۰۰	غزنی
۳۳ نفر	۶۶۰۰۰	قره باغ
۹۰ نفر	۱۸۰۰۰۰	مالستان
۷۵ نفر	۱۵۰۰۰۰	ناهور
۹ نفر	۱۸۰۰۰	واغظ
۴۵۰ عضو	۹۰۰۵۸۰	جمع کل

با توجه به جدول فوق، جمع‌آوری‌کنندگان وجوهات شرعی در سطح ولایت غزنی ۴۵۰ نفر می‌باشند که مطابق وظیفه‌ای تعیین شده با مکانیزم خاص به تجمیع وجوهات شرعی می‌پردازند.

#### ۴-۱-۱-۲-۷. تخصیص دهندگان وجوهات شرعی

اعضای تخصیص دهندگان وجوهات شرعی همان اعضای جمع‌آوری‌کنندگان هر ولسوالی می‌باشند که دارای وظایف زیر می‌باشند:

اعضای گفته شده، افزون بر جمع‌آوری وجوهات منطقه تحت مسئولیت خود، به شناسایی

مستحقین نیز می‌پردازند؛

شناسایی مستحقین به سه روش ممکن است: الف) از طریق خود مسئولین مربوطه؛ ب) از طریق مراجعه فرد مستحق؛ ج) از طریق متنفذین منطقه؛

از طریق مصاحبه با مستحقین و مشاهده شرایط زندگی آن‌ها، سطح درآمدشان در دو سطح اولیت‌بندی و ثبت می‌شوند: ۱. مستحقین سطح اول، کسانی هستند که افزون بر شدت فقر، فاقد نیروی کار فعال هستند و ۲. مستحقین سطح دوم، دارای نیروی کار فعال می‌باشند؛

مسئولین مربوطه پس از تعیین سطح و ثبت نام مستحقین، فهرست مشخصات ثبت شده را در اختیار نمایندگان ویژه بخش تخصیص و مجتهد قرار می‌دهد و تصمیماتی مبنی بر پرداختی معین به صورت ماهوار به مستحقین فاقد نیروی کار و استخدام نیروی کاری مستحقین دارای نیروی فعال اتخاذ می‌گردد؛

اعضای تخصیص، هر ماه یکبار با حضور نمایندگان ویژه ترتیب جلسه داده و مشکلات موجود و نحوه رسیدگی به حل آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۲-۱-۲-۷. پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی

با توجه به آمار گفته شده، پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی در سطح ولایت غزنی ۳۰٪ هستند که به طور متوسط ۵/۵۴،۰۳۴ خانواده ۵ نفره می‌باشند و با فرض پرداختی سالانه از سوی هر خانواده به مبلغ ۴۰،۰۰۰ هزار افغانی، مجموع پرداختی می‌شود:

$$۲،۱۶۱،۳۹۲،۰۰۰ = ۴۰،۰۰۰ * ۵۴،۰۳۴ / ۸$$

جدول زیر بیانگر مقدار پرداختی وجوهات شرعی به تفکیک هر ولسوالی را نشان می‌دهد. ولسوالی جاغوری دارای بیشترین مقدار پرداختی و ولسوالی رشیدان دارای کمترین پرداختی می‌باشند.

جدول ۵: مقدار پرداختی وجوهات شرعی هر ولسوالی بر اساس خانواده

ولسوالی	کل جمعیت	۳۰٪ پرداخت کنندگان وجوهات شرعی	تعداد عاملین
اجرستان	۱۴,۴۰۰	$۳۴,۵۶۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۸۶۴ = ۵/۱۰۰/۳۰ * ۱۴,۴۰۰$	۷ نفر
جغتو	۳۰,۰۰۰	$۷۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۱۸۰۰$	۱۵ نفر
جاغوری	۳۵۰,۰۰۰	$۸۴۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۲۱,۰۰۰$	۱۷۵ نفر
خواجه عمری	۹,۹۰۰	$۲۳,۷۶۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۵۹۴$	۵ نفر
خوکیانی	۴,۸۰۰	$۱۱,۵۲۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۲۸۸$	۳ نفر
رشیدان	۴۸۰	$۱,۱۵۲,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۲۸/۸$	۱ نفر
غزنی	۷۷,۰۰۰	$۱۸۴,۸۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۴,۶۲۰$	۳۷ نفر
قره باغ	۶۶,۰۰۰	$۱۵۸,۴۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۳,۹۶۰$	۳۳ نفر
مالستان	۱۸۰,۰۰۰	$۴۳۲,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۱۰,۸۰۰$	۹۰ نفر
ناهور	۱۵۰,۰۰۰	$۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۹,۰۰۰$	۷۵ نفر
واغظ	۱۸,۰۰۰	$۴۳,۲۰۰,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۱,۰۸۰$	۹ نفر
مجموع	۹۰۰,۵۸۰	۲,۱۶۱,۳۹۲,۰۰۰	۴۵۰ عضو

## ۳-۱-۲-۷. مستحقین وجوهات شرعی (دریافت کنندگان)

بر اساس برآوردهای انجام شده، از کل جمعیت مورد نظر؛ یعنی ۹۰۰۵۸۰ نفر در ولایت غزنی، ۳۰٪ آن را یعنی ۲۷۰۱۷۴ نفر پرداخت کنندگان وجوهات شرعی تشکیل می‌دهند که به‌طور متوسط ۵۴,۰۳۴/۸ خانواده ۵ نفره می‌باشند و با فرض پرداختی سالانه از سوی هر خانواده به مبلغ ۴۰,۰۰۰ هزار افغانی، مجموع پرداختی می‌شود:

$$۲,۱۶۱,۳۹۲,۰۰۰ = ۴۰,۰۰۰ * ۵۴,۰۳۴/۸$$

از سوی دیگر، ۷۰٪ مردم از میان ولسوالی‌های یازده‌گانه، مستحق وجوهات شرعی هستند که مجموع کل افراد مستحق می‌شود:

$$۶۳۰,۴۰۶ = ۱۰۰/۷۰ * ۹۰۰,۵۸۰$$

که به‌طور متوسط ۱۲۶,۰۸۱/۲ خانواده ۵ نفره می‌باشند که به‌صورت زیر محاسبه می‌شود

$$۱۲۶,۰۸۱/۲ = ۵/۶۳۰,۴۰۶$$

جدول ۶: مستحقین وجوهات شرعی در قالب خانواده به تفکیک هر ولسوالی

ولسوالی	کل جمعیت	۷۰٪ مستحقین وجوهات شرعی	تعداد تخصیص دهندگان
اجرستان	۱۴۴۰۰	$۲,۰۱۶ = ۵/۱۰۰/۷۰ * ۱۴,۴۰۰$	۷ نفر
جغتو	۳۰۰۰۰	$۴,۲۰۰ = ۵/۲۱,۰۰۰$	۱۵ نفر
جاغوری	۳۵۰۰۰	$۴۹,۰۰۰ = ۵/۲۴۵,۰۰۰$	۱۷۵ نفر
خواجه عمری	۹۹۰۰	$۱,۳۸۶ = ۵/۶,۹۳۰$	۵ نفر
خوکیانی	۴۸۰۰	$۶۷۲ = ۵/۳,۳۶۰$	۳ نفر
رشیدان	۴۸۰	$۶۷/۲ = ۵/۳۳۶$	۱ نفر
غزنی	۷۷۰۰۰	$۱۰,۷۸۰ = ۵/۵۳,۹۰۰$	۳۷ نفر
قره باغ	۶۶۰۰۰	$۹,۲۴۰ = ۵/۴۶,۲۰۰$	۳۳ نفر
مالستان	۱۸۰۰۰۰	$۲۵,۲۰۰ = ۵/۱۲۶,۰۰۰$	۹۰ نفر
ناهور	۱۵۰۰۰۰	$۲۱,۰۰۰ = ۵/۱۰۵,۰۰۰$	۷۵ نفر
واغظ	۱۸۰۰۰	$۲,۵۲۰ = ۵/۱۲,۶۰۰$	۹ نفر
جمع کل جمعیت	۰۰,۵۸۰۹	۱۲۶,۰۸۱/۲	۴۵۰ عضو

### ۷-۳. فرآیند اجرایی الگو

اجرایی شدن بهتر تأمین وجوهات شرعی مبتنی است بر سازوکار مشخص که از طریق روابط سازنده میان کمیته‌های مشورتی، نظارتی، اجرایی و مالی با وظایف مشخص امکان‌پذیر است.

#### ۷-۳-۱. کمیته مشورتی

این کمیته افزون بر تمام نمایندگان ویژه، از ۲۰ عضو از اعضای جمع‌آوری‌کنندگان تشکیل می‌شود؛ یعنی از هر ولسوالی به شمول مرکز ولایت غزنی از میان اعضای جمع‌آوری‌کنندگان به تناسب جمعیت هر ولسوالی با رضایت سایر اعضا و تأیید نمایندگان ویژه و مجتهد در کمیته مشورتی عضویت می‌یابد.

#### ۷-۳-۲. کمیته نظارت

کمیته نظارت از تمام اعضای نمایندگان ویژه و از هر بخش اداری ولایت غزنی تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر، کمیته نظارت از ۵ نماینده ویژه و ۳۵ عضو از اعضای ۴۵۰ نفره جمع‌آوری‌کنندگان وجوهات شرعی تشکیل می‌شود که مجموع اعضای این کمیته ۴۰ نفر است.

#### ۷-۳-۳. کمیته مالی

کمیته مالی متشکل از ۱۶ عضو اصلی است که پنج نفر از اعضای نمایندگان ویژه و یازده نفر از جمع‌آوری‌کنندگان به نمایندگی از هر ولسوالی هستند. این کمیته تنها بخش مالی ناشی از وجوهات شرعی را به عهده دارد و بر اساس وظایف تعریف شده خویش عمل می‌کند.

#### ۷-۳-۴. کمیته اجرایی

کمیته اجرایی با عضویت اعضای نمایندگان ویژه و جمع‌آوری‌کنندگان وجوهات با تأیید مجتهد جامع‌الشرایط و سایر اعضا، تشکیل می‌شود و این کمیته به منظور بهتر اجرایی شدن مصوبات مطابق وظایف خویش عمل می‌نماید.

اعضای کمیته اجرایی با بُرد تخصصی در رشته‌های اقتصاد و مدیریت با تأیید مجتهد جامع‌الشرایط و سایر اعضا، به هدف تحقق شاخص‌های مورد توجه رساله، در دو بخش فعالیت می‌نماید:



### ۱-۴-۳-۷. بخش تولیدی و خدماتی

این بخش، از نمایندگان ویژه و ۱۲ نفر از ۲۴ عضو از اعضای کمیته اجرایی تشکیل می‌شود. بخش گفته‌شده به هدف تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی سودآور با استفاده از نیروی کار فعال مستحقین تلاش می‌کند.

### ۲-۳-۴-۷. بخش توزیعی

بخش توزیعی، از نمایندگان ویژه و ۱۲ نفر از ۲۴ عضو از اعضای کمیته اجرایی به هدف حمایت از خانواده‌های مستحقینی که، فاقد نیروی کار فعال هستند؛ تشکیل می‌شود و به صورت ماهوار حقوق مشخص به هر خانواده پرداخت می‌گردد.

## ۸. شاخص‌های اصلی و فرعی

تحلیل تحقیق حاضر مبنی بر تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی با توجه به شاخص‌های اصلی و فرعی صورت می‌گیرد.

جدول ۷: شاخص‌های اصلی و فرعی تحقیق

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی
کاهش نابرابری	ایجاد فرصت‌های برابر
	کاهش تبعیض
	افزایش سطح آموزش
	کاهش تنش‌های اجتماعی
افزایش بهره‌وری	بهبود شرایط درآمدی مستحقین
	سرمايه‌گذاري بیشتر
	کاهش هزینه‌های تولیدی
	افزایش رفاه مستحقین

همزیستی مسالمت‌آمیز	کاهش فقر
استخدام نیروی کار فعال مستحقین	
افزایش سطح سواد و بهداشت	
بهبود زندگی مستحقین فاقد نیروی کار فعال	
امنیت شغلی مستحقین	ایجاد اشتغال
فعال شدن عوامل تولید	
رضایت‌مندی نیروی کار مستحقین	
کاهش آسیب‌های روانی	
افزایش فعالیت‌های اقتصادی مولد	
کاهش چالش‌های خانوادگی	

### ساخت سلسله‌مراتبی

ساخت سلسله‌مراتبی با توجه به شاخص‌های اصلی و فرعی در چند سطح انجام می‌شود:

الف) سطح اول: هدف کلی از تصمیم‌گیری

از آنجا که رساله حاضر در پی تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی در قالب دو مدل است؛ لذا هدف کلی از تصمیم، همین مساله می‌باشد؛

ب) سطح دوم: شاخص‌های اصلی

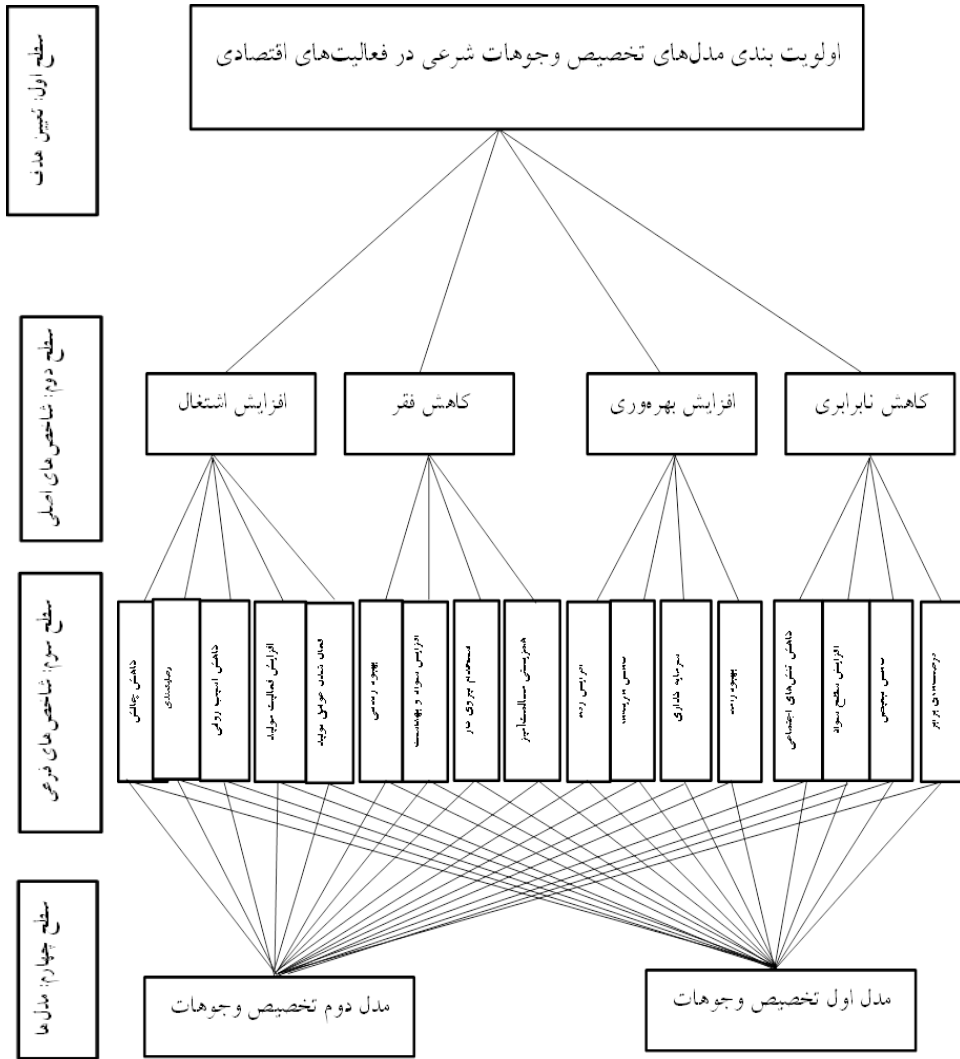
در این سطح، شاخص‌های اصلی مانند کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، کاهش فقر و افزایش اشتغال مبنای تصمیم‌گیری قرار دارند.

ج) سطح سوم: شاخص‌های فرعی

در این سطح شاخص‌های فرعی قرار دارند که هر شاخص اصلی دارای چندین زیر معیار است؛

د) سطح چهارم: مدل‌ها

در آخرین سطح، مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی قرار دارد که با توجه به شاخص‌های اصلی و فرعی، در مورد آن تصمیم‌گیری می‌شود.



شکل ۱: ساخت سلسله مراتبی

۹. وزن نسبی شاخص های چهارگانه نسبت به هدف

پس از ارزیابی دو مدل تخصیص وجوهات شرعی و توضیح ساختار مدل دوم، به رتبه بندی

آن‌ها با استفاده از تکنیک AHP می‌پردازیم. پرسشنامه‌های توزیع شده میان نخبگان بر اساس اعداد جدول ۸ تنظیم و مطابق وزن داده شده به هر یک از شاخص‌ها و مدل‌ها، وزن نسبی آن‌ها با روش تکنیک AHP محاسبه شده و سپس بر اساس وزن نهایی، مدل‌ها اولویت بندی و در نهایت مدل مطلوب انتخاب گردیده است.

جدول ۸، جدول نه کمیته مقایسه دو دویی شاخص‌ها

امتیاز	تعریف	توضیح
۱	Equally preferred اهمیت مساوی	در تحقق هدف، دو شاخص اهمیت مساوی دارند
۳	Moderately preferred اهمیت اندکی بیشتر	تجربه نشان می‌دهد که برای تحقق هدف، اهمیت i اندکی بیشتر از j است
۵	Strongly preferred اهمیت بیشتر	تجربه نشان می‌دهد که برای تحقق هدف، اهمیت i بیشتر از j است
۷	Very strongly preferred اهمیت خیلی بیشتر	تجربه نشان می‌دهد که برای تحقق هدف، اهمیت i خیلی بیشتر از j است
۹	Extremely preferred اهمیت مطلق	اهمیت خیلی بیشتر I نسبت به j به طور قطعی به اثبات رسیده است.
۲ و ۴ و ۶ و ۸	Intermediate values ترجیحات بینابین	هنگامی که حالت میانه وجود دارد

کاهش نابرابری	افزایش بهره‌وری	فقرزدایی	اشتغال‌زایی	هدف: تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی
۱	۵	۳	۳	کاهش نابرابری

	۵	۱		افزایش بهره‌وری
۳	۱		۷	فقرزدایی
۱				اشتغال‌زایی

جدول ۹، یک نمونه از وزن‌دهی نخبه‌گان مطابق جدول ۸ می‌باشد و بیانگر وزن شاخص‌ها نسبت به هدف است.

جدول ۹، نمونه ماتریسی مقایسه زوجی شاخص‌ها نسبت به هدف

هدف: تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی	کاهش نابرابری	افزایش بهره‌وری	فقرزدایی	اشتغال‌زایی
کاهش نابرابری	۱	۵		۳
افزایش بهره‌وری		۱	۵	
فقرزدایی			۱	۳
اشتغال‌زایی				۱

جدول ۱۰، بیانگر وزن هر یک از شاخص‌ها بر اساس قضاوت نخبه‌گان است که متوسط وزن هر شاخص را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰، وزن شاخص‌ها بر اساس ماتریس مقایسه زوجی

کاهش نابرابری	افزایش بهره‌وری	فقرزدایی	اشتغال‌زایی
متوسط وزن: ۰.۲۳۵	متوسط وزن: ۰.۲۷۰	متوسط وزن: ۰.۲۴۰	متوسط وزن: ۰.۲۵۵

۹-۱. وزن نسبی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی نسبت به شاخص‌های چهارگانه جدول ۱۲، یک نمونه از ماتریس مقایسه زوجی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی نسبت به شاخص‌ها می‌باشد که، بیانگر وزن نسبی مدل‌ها نسبت به شاخص‌های مورد نظر تحقیق است.

جدول ۱۱، نمونه ماتریس مقایسه زوجی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی نسبت به شاخص‌ها

شاخص‌ها	مدل اول	مدل دوم
مدل اول	۱	
مدل دوم	۷	۱

با توجه به جدول‌های فوق، متوسط وزن مدل‌ها نسبت به هر شاخص با استفاده از قضاوت نخبه‌گان در جدل ۱۲ نشان داده شده است.

جدول ۱۲، وزن نسبی دو مدل تخصیص وجوهات شرعی نسبت به شاخص کاهش نابرابری

متوسط وزن مدل اول تخصیص وجوهات شرعی	متوسط وزن مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی
۴۷۹۵٪	۵۲۰۵٪

جدول ۱۳، وزن نسبی دو مدل تخصیص وجوهات شرعی نسبت به افزایش بهره‌وری

متوسط وزن مدل اول تخصیص وجوهات شرعی	متوسط وزن مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی
۱۹۸۸٪	۸۰۱۲٪

جدول ۱۴، وزن نسبی دو مدل تخصیص وجوهات شرعی نسبت به فقرزدایی

متوسط وزن مدل اول تخصیص وجوهات شرعی	متوسط وزن مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی
۳۱۶۴٪	۶۸۳۶٪

جدول ۱۵، وزن نسبی دو مدل تخصیص وجوهات شرعی نسبت به اشتغال زایی

متوسط وزن مدل اول تخصیص وجوهات شرعی	متوسط وزن مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی
۲۰۹۹٪	۷۹۰۱٪

جدول ۱۶، (تجمیع جدول‌های ۱۲-۱۵) وزن نسبی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی نسبت به شاخص‌ها

مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی	کاهش نابرابری	افزایش بهره‌وری	فقرزدایی	اشتغال‌زایی
مدل اول	۴۷۹۵٪	۱۹۸۸٪	۳۱۶۴٪	۲۰۹۹٪
مدل دوم	۵۲۰۵٪	۸۰۱۲٪	۶۸۳۶٪	۷۹۰۱٪

## ۲-۹. محاسبه وزن نهایی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی

پس از محاسبه وزن نسبی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی نسبت به شاخص‌ها، به محاسبه وزن نهایی مدل‌های تخصیص می‌پردازیم که، از ضرب وزن هر یک از شاخص‌ها (جدول ۱۲-۱۵) در متوسط وزن هر مدل نسبت به همان شاخص (جدول ۱۰)، وزن نهایی هر یک از مدل‌های تخصیص به دست می‌آید.

$$\text{وزن نهایی مدل اول} = ۴۷۹۵/ * ۲۷۰/ + ۱۹۸۸/ * ۲۴۰/ + ۳۱۶۴/ * ۲۵۵/ + ۲۰۹۹/ * ۴۴۳/ = ۷۹۰۱/$$

$$\text{وزن نهایی مدل دوم} = ۵۲۰۵/ * ۲۷۰/ + ۸۰۱۲/ * ۲۴۰/ + ۶۸۳۶/ * ۲۵۵/ + ۷۹۰۱/ * ۴۴۳/ = ۷۰۴/$$

جدول ۱۷، رتبه‌بندی مدل‌های تخصیص وجوهات شرعی

رتبه‌بندی مدل‌ها	مدل‌ها	وزن نهایی
۱	مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی	۷۰۴٪
۲	مدل اول تخصیص وجوهات شرعی	۴۴۳٪

با توجه به جدول ۱۸، نتیجه می‌گیریم که، مدل دوم تخصیص وجوهات شرعی، دارای بیشترین وزن نهایی در رتبه اول و مدل اول با وزن کمتر در جایگاه دوم قرار دارد. بنابراین، الگوی مطلوب تخصیص وجوهات شرعی مطابق نتایج به دست آمده از تکنیک AHP، مدل دوم است و با تخصیص وجوهات شرعی در بخش‌های تولیدی و خدماتی، شاخص‌های کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، فقرزدایی و اشتغال‌زایی بهتر و سریعتر تحقق می‌یابد و بخش زیادی از مشکلات اقتصادی افراد جامعه توسط مدیریت معطوف به این مدل مرتفع می‌شود.

### نتیجه‌گیری

این مقاله تحت عنوان ساماندهی اقتصادی وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از تکنیک AHP پس از بررسی مفاهیم و مباحث خمس و زکات به نتایج زیر دست یافته است: مدل اول کاملاً به شکل سنتی است که توسط مجتهد یا با اجازه ایشان، خود مالک و یا فرد مورد نظر ایشان به امر تخصیص می‌پردازد؛ این مدل چندان تاثیرگذار روی شاخص‌های مورد توجه در این پژوهش نیست؛ زیرا از یک سو، تخصیص وجوهات شرعی به شکل متعارف آن، باعث کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، فقرزدایی و اشتغال‌زایی نمی‌شود و از سوی دیگر، عمده فلسفه تشریح وجوهات شرعی مبارزه با فقر و چالش‌های اقتصادی افراد جامعه است؛ لذا لازم است مدل دیگری که موجب تحقق فلسفه تشریح وجوهات شرعی شود؛ طرح و ارائه گردد. از این روی، مدل دوم تخصیص نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفت که عمده‌ترین مسایل در این مدل عبارتند از:

تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی باعث تحقق شاخص‌های مورد توجه می‌شود؛ زیرا با استخدام افراد بیکار خانواده‌های مستحقین در قبال حقوق و مزایای متعارف جامعه، سطح اشتغال‌زایی در جامعه افزایش و به تبع آن به دلیل درآمدزایی مستحقین، از شدت فقر نیز کاسته می‌شود. افزون بر آن، تزریق وجوهات شرعی در بخش‌های تولیدی و خدماتی باعث افزایش گردش سطح معاملات و نقدینگی در جامعه شده که منجر به افزایش بهره‌وری و در نهایت کاهش نابرابری را در پی دارد؛

به خانواده‌های که فاقد نیروی کار فعال هستند؛ تخصیص وجه نقد به صورت ماهوار در



سطح کفاف زندگی در نظر گرفته شده است؛

مدل دوم به عنوان مدل برتر تخصیص وجوهات شرعی در شرایط کنونی جامعه غزنی در نظر گرفته شده است که با استفاده از قضاوت نخبه‌گان در قالب تکنیک AHP به این نتیجه دست یافت که مدل دوم نسبت به مدل اول به دلیل وزن بیشتر، مطلوب و مناسب است.

## منابع

## قرآن کریم

## نهج البلاغه

۱. ....، المبسوط في فقه الإمامية، ج ۱، ایران: تهران، چاپ سوم، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، ۱۳۸۷ هـ.ق.
۲. ....، كتاب الخمس و الأنفال، ج ۱، چاپ اول، بی جا، ایران: قم، بی تا.
۳. ....، الفقه على المذاهب الخمسة، ج ۱، چاپ دهم، لبنان: بیروت، دار التيار الجديد - دار الجواد، ۱۴۲۱ هـ.ق.
۴. ....، شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام، ج ۱، قم: چاپ دوم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ.ق
۵. ....، العروة الوثقى، ج ۲، لبنان: بیروت، چاپ دوم، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم، ج ۲، ایران: قم، ۱۳۹۵ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین، ترجمه پهلوان، چاپ اول، ج ۲، ایران: قم، ۱۳۸۰.
۸. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، المفردات فی غریب القرآن، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۷.
۹. امیری پور، احمد، اخلاق از دیدگاه قرآن و چهارده معصوم (ع)، چاپ اول، ایران: مشهد، راز توکل، ۱۳۸۳.
۱۰. انصاری، مرتضی، کتاب الخمس، قم: باقری، الطبعة الاولى، ۱۴۱۵.
۱۱. بابایی، عیسی، بررسی تطبیق مالیات‌های اسلامی با مالیات حکومتی (مطالعه موردی خمس و زکات)، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال سوم، ش ۱۸، ۱۳۹۶.
۱۲. بختیاری، صادق و هکاران، تحلیلی از بهره‌وری نیروی کار در بخش تعاونی: مطالعه موردی

- تعاونی‌های صنعتی استان یزد، فرایند مدیریت توسعه، دوره ۲۷، پاییز ۹۳، شماره ۳ پیاپی ۸۹.
۱۳. پاشازانوس، احمد، فرهنگ عربی - عربی: المعجم الایسط، ایران: تهران، مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، ۱۳۸۸.
۱۴. توسلی، محمد اسماعیل، زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۱۵. جامع الأخبار (للشعیری) / ۱۱۰ / الفصل السابع و الستون في الفقراء.
۱۶. جعفری تبریزی، محمد تقی، منابع فقه، بی جا، بی تا.
۱۷. جعفری تبریزی، محمد تقی، رسائل فقهی، مؤسسه، ایران، تهران، چاپ اول، منشورات کرامت، ۱۴۱۹.
۱۸. ج. موریس، او. فیلیپس، تحلیل اقتصادی نظریه و کاربرد «اقتصاد خرد» مترجم: اکبر کمیجانی، ج ۱، چاپ دهم، ایران: تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۹، باب وجوب زکات و باب تحریم منع زکات، چاپ اول، ۱۴۰۹، ایران: قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۰. حلبی، ابو الصلاح تقی الدین بن نجم الدین، الکافی فی الفقه، ایران: اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۳، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام.
۲۱. حلّی، محقق، المعتبر فی شرح المختصر، قم: سیدالشهداء، ج ۳، بی تا.
۲۲. حلّی، محقق، نجم الدین جعفر بن حسن، الرسائل التسع (للمحقق الحلّی)، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۳. حیدری، علی، حیدری، محمد، انتخاب پیمانکاران به کمک روش AHP، بی تا، مؤسسه مالی و اعتباری شهرستان لردگان.
۲۴. دادگر، یدالله، اقتصاد بخش عمومی، چاپ دوم، ایران: قم، دانشگاه مفید، مؤسسه انتشارات، ۱۳۸۶.
۲۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین.

۲۶. دلبری، سید علی، داودی، سید علیرضا، کاربرد تکنیک فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی AHP در رتبه‌بندی شاخص‌های ارزیابی جاذبه‌های توریستی، مجله تحقیق در عملیات و کاربردهای آن، سال نهم، شماره دوم پیاپی ۳۳، تابستان ۹۱.
۲۷. رازینی، علی، پژوهشی پیرامون مفردات قرآن، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۸۱.
۲۸. شاخص‌های اشتغال و بیکاری در استان تهران، اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان تهران، معاونت اقتصادی، ۱۳۹۵.
۲۹. شاکری، عباس، اقتصاد کلان، ج ۱ و ۲، انتشارات پارس نويس، ۱۳۸۷.
۳۰. شاهی، مرتضی حسن، بررسی تأثیر زکات بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴.
۳۱. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج ۹، چاپ اول، ایران: قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ ه.ق.
۳۲. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی مع تعلیقات الفاضل، الجزء الثاني، کتاب الزکات، ایران: قم، چاپ اول، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، بی تا.
۳۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الخلاف، ج ۲، چاپ اول، ایران: قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳۴. عاملی، شهید الاول، شمس الدین محمد ابن مکی، اللمعه دمشقیه، الجزئی الثاني، کتاب الزکات، قم، مکتبه الداوری، ۱۳۸۷.
۳۵. عسکری، حشمت الله، و بهروز بادیا، اثر زکات بر مصرف عمومی ایران، دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
۳۶. عکبری بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان (لشیخ المفید)، المقنعة، ایران: قم، چاپ اول، ۱۴۱۳، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمة الله علیه.
۳۷. قرائتی، محسن، خمس و زکات، تهران: چاپ دوم، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۷۴.
۳۸. قرضاوی، یوسف، فقه الزکات، ج ۱، چاپ ۲۵، قطر: الدوحه، مکتبه وهبه، ۱۴۲۷ ه.ق.

۳۹. قمی، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲ باب علة وجوب الزکاة، بی تا.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، بی تا.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۳ و ۷، باب فرض الزکاة وما یجب فی المال من الحقوق و باب الاهتمام بأمر المسلمین والنصیحة لهم و نفعهم، (ط - دار الحدیث)، بی تا.
۴۲. گلیک حکیم آبادی، محمد تقی و کرامتی، زینت، بررسی و آزمون اثر نابرابری بر فقر در کشورهای منتخب با نگاهی به آموزه‌های اسلامی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۰، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲.
۴۳. محمدزاده، یوسف و همکاران، نابرابری درآمد، فقر و سلامت عمومی، مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، دوره ۱۱، شماره ۲ خرداد و تیر ۱۳۹۶.
۴۴. مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، ج ۳، چاپ هشتم، ایران: قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
۴۵. مصعب عبدالهادی دیاب الشیخ خلیل، دور اموال الزکات فی التنمية الاقتصادية «دراسة تطبيقية لقطاع غزة»، الجامعة الاسلامیة - غزة، ماجیستر اقتصادیات التنمية، ۱۴۳۶ ه.ق.
۴۶. مغنیه، محمد جواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، ج ۲، کتاب الزکات، چاپ دوم، ایران: قم، مؤسسه انصاریان، ۱۴۲۱ ه.ق.
۴۷. منتظری نجف آبادی، حسین علی، کتاب الزکاة، ج ۱، چاپ دوم، ایران: قم، مرکز جهانی مطالعات اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.
۴۸. موسایی، میثم و کرمی، بررسی نقش خمس در رفع فقر مطالعه موردی: شهر شال قزوین، راهبرد توسعه، ش ۱۶، سال ۱۳۸۷.
۴۹. موسوی خمینی، سید روح الله، ولایت فقیه، چاپ دوازدهم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۳ ه.ق.
۵۰. موسوی خوبی، سید ابوالقاسم، مستند العروت الوثقی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۴.

۵۱. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیلة، ج ۱، چاپ اول، ایران: قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.
۵۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، الجزء الخامس عشر، بیروت: لبنان، الطبعة السابعة، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۱.
۵۳. نراقی، ملا احمد، معراج السعادة، ایران: قم، چاپ نهم، هجرت، ۱۳۸۲.
۵۴. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۷، ابواب المستحقین الزکات، باب الاول، حدیث ۱۳، چاپ اول، لبنان: بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ه.ق.
۵۵. یوسفی، احمد علی، نظام اقتصاد علوی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
۵۶. یزدی، سید محمد محقق داماد، کتاب الخمس، چاپ اول، ایران: قم، دار الإسراء للنشر، ۱۴۱۸ ه.ق.

57. Monzar Kahf, zakah and obligatory expenditure in islam, in lessons in islamic economics, 1998 G, IRTI, JDB, Jeddah.

58. Munawar Iqbal, zakah, moderation and aggregate consumption in an islamic economy, j.RES.Islamic Econ, val.3 NO.1, 1985.

# نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی در افغانستان

علمداد حیدری<sup>۱</sup>

## چکیده

در دو دهه اخیر تأمین مالی خرد به عنوان راهکار مناسب جهت مقابله با فقر روستایی مطرح گردیده است. بعضی کشورها در این عرصه به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند بگونه‌ای که بانک جهانی کشورهای در حال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق نموده است. از آنجایی که افغانستان یک کشور توسعه‌نیافته یا در حال توسعه است، تحت تأثیر اقتصاد روستایی قرار دارد و ۷۱ درصد جمعیت این کشور در بخش روستاها زندگی می‌کنند. در این کشور مسأله اصلی این است که تأمین مالی خرد اسلامی چه تأثیری در توسعه روستایی آن دارد؟ به نظر می‌رسد کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه تحت تسلط اقتصاد روستایی و محصولات کشاورزی قرار دارد بگونه‌ای که تأمین مالی خرد و سرمایه مورد نیاز کشاورزان و آموزش مهارت‌های شغلی سبب افزایش بازدهی در بخش کشاورزی گردیده و افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تقاضای روز افزون محصولات غذایی برای جمعیت در حال افزایش را تأمین می‌کند و خود کفایی در محصولات غذایی صرفه‌جویی ارزی و افزایش کالاهای سرمایه‌ای را در پی دارد. علاوه بر این افزایش بازدهی در بخش کشاورزی افزایش درآمد روستائیان و افزایش تقاضا برای کالاهای صنعتی و توسعه بخش صنعت را به دنبال دارد. با توسعه بخش کشاورزی و بخش صنعت، بخش خدمات، حمل نقل، مخابرات و غیره نیز توسعه خواهد یافت. از آنجایی که در روستاهای افغانستان سطح تحصیلات، تخصص و مهارت شغلی پایین است تأمین مالی خرد در بخش روستایی و اقتصاد کشاورزی در صورتی می‌تواند راهگشا باشد که با آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری همراه باشد.

کلیدواژه‌ها: تأمین مالی خرد، توسعه روستایی، اقتصاد افغانستان، تأمین مالی خرد اسلامی، نقش.

### مقدم

بانک‌های تجاری بیشتر به تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و وام‌دهی در سطح کلان و مبالغ زیاد مبادرت می‌ورزد لذا در جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه با درآمد سرانه‌ای پایین اکثریت مردم که با فقر و مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند به نهادهای پولی و مالی دست‌رسی ندارند. چون وام‌های بانکی در مبالغ کلان اعطا می‌گردد و اعطای مبالغ خرد برای بانک‌ها به صرفه نیست. از طرف دیگر مشکل وثیقه نیز وجود دارد که تهیه آن برای افراد کم‌درآمد و فقیر میسر نیست. تأمین مالی خرد سازوکاری است که برای پاسخ‌گویی به نیازهای مالی افراد کم‌درآمد و فقیر طراحی گردیده است. براین اساس در قالب این سازوکار وام‌هایی در مبالغ کم برای افراد فقیر و کم‌درآمد با سررسید کوتاه‌مدت و بدون وثیقه اعطا گردیده ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی می‌گردد.

تأمین مالی خرد با نام محمد یونس، و گرامین بانک گره خورده است که در کشور بنگلادش در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد ولی منشأ پیدایش آن به سال ۱۹۷۶ بازمی‌گردد که به‌عنوان یک پروژه آزمایشی - عمرانی در میان زنان روستای «جبرا» در جنوب شرقی بنگلادش اعتبارات مالی را گسترش داد (مصطفی مهاجرانی، ۱۳۸۲، ص ۳۶). بعد از تأسیس بانک گرامین در بنگلادش و بانک راکیات در اندونزی (۱۹۷۹) و بانک ملی توسعه در مصر (۱۹۸۰) و بانک ملی توسعه روستایی و کشاورزی در هند (۱۹۸۲) مؤسسات تأمین مالی خرد در بقیه جهان مثل آمریکای لاتین، آفریقا و خاور میانه به فعالیت آغاز کردند (محمد توسلی غرjestانی، ۱۳۹۳، ص ۵۲). در کشور افغانستان نهادی تحت عنوان مؤسسه تأمین مال خرد وجود ندارد. بعضی بانک‌هایی که به امر تأمین مالی خرد و اعطای قرضه‌های کوچک مبادرت می‌ورزند فعالیت شان بسیار محدود است و به چند کلان شهر اختصاص دارد. قرضه‌های مذکور نیز در قالب قراردادهای ربوی اعطا گردیده بیشتر برای نیازهای مصرفی دریافت می‌شود.

از آنجایی که ۷۱ درصد جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند و درآمد سرانه در این کشور بسیار پایین است بگونه‌ای که تعدادی زیادی زیر خط فقر قراردارند، تأمین مالی خرد در کاهش فقر و افزایش درآمد سرانه و توسعه اقتصادی کشور می‌تواند نقش اساسی داشته باشد.



## ۱. مبانی نظری تحقیق

### ۱-۱. تأمین مالی خرد

تأمین مالی خرد را می‌توان به‌عنوان سازوکار عرضه خدمات مالی گوناگون به گروه‌هایی با درآمد پایین مانند صنعت‌گران، کشاورزان و پیمان‌کاران خرد تعریف کرد. این افراد معمولاً به‌دلیل این‌که دارای رتبه اعتباری پایین‌تری می‌باشند، مورد توجه بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی متعارف قرار نمی‌گیرند. علاوه‌براین، به دلیل بالابودن هزینه نظارت و ارزیابی در زمینه ارائه وام‌های خرد، چالش وثیقه، احتمال بالای نکول که برای فقرا وجود دارد، بانک‌ها و مؤسسات مالی معمولاً از ارائه وام‌های خرد به افراد مذکور خودداری می‌کنند (کلیم و احمد ۲۰۰۹ ص ۳). تعاریفی دیگری نیز ارائه گردیده است که بعضی به انگیزه‌ها و اهداف و بعضی به شیوه و سازوکار این نوع تأمین مالی اشاره دارند. بومن به‌طور مختصر تأمین مالی خرد را کوچک، کوتاه و بدون وثیقه تعریف می‌کند به این معنا که تأمین مالی خرد ارائه وام‌هایی با مبلغ کم، بدون وثیقه به افراد کم‌درآمد است که این افراد در مدت زمان کوتاهی مبلغ یادشده را بازپرداخت می‌کنند (مافی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

بانک جهانی به اهداف این نوع تأمین مالی توجه دارد و هدف تأمین مالی خرد را کاهش فقر روستائیان، ایجاد اشتغال و پایداری زیست‌محیطی بیان می‌کند. در کل می‌توان گفت تأمین مالی خرد به وام‌های خرد قابل دسترس اشاره دارد که نیازهای و فعالیت‌های خود را با برنامه‌های مدون از طریق این نوع تأمین مالی برطرف می‌کنند. این نوع وام‌ها در سائزهای خرد و کم‌مقدار، برای کارآفرینان خرد و خانواده‌های کم‌درآمد، برای تولید درآمد، توسعه کسب‌وکار و سایر کاربردهای اجتماعی مانند تحصیل و بهداشت و... و تحت شرایط آسان و انعطاف‌پذیر ارائه می‌گردد (قاسمی، ۱۳۹۰، ص ۱۸۴).

### ۱-۲. تأمین مالی خرد متعارف

مؤسسات تأمین مالی خرد متعارف بر مبنای قرارداد قرض و از طریق پرداخت و دریافت بهره فعالیت می‌کنند و از حیث جایگاه این نوع مؤسسات مالی بین بازار مالی رسمی (نظیر بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری) و بازار مالی غیررسمی قرار گرفته و لذا برخی ویژگی‌های هر یک از

این دو بازار را در خود جای داده‌اند. بعنوان نمونه نهادهای تأمین مالی خرد، نسبت به مؤسسات رسمی، دسترسی بیشتری به خدمات مالی برای گروه‌های پایین درآمدی ایجاد می‌کنند و از این جهت شبیه وام‌دهندگان غیررسمی هستند، اما از طرف دیگر هزینه کمتری نسبت به بازار غیررسمی داشته و بنابراین، نرخ بهره کمتری طلب می‌نمایند، در واقع گرچه این نرخ بیشتر از نرخ بازار مالی رسمی است، ولی بسیار کمتر از بازار مالی غیررسمی می‌باشد، ضمن این‌که در زمینه اخذ وثیقه نیز سازوکار مخصوص به خود دارند و برخلاف مؤسسات رسمی و بازار غیررسمی که از وام‌گیرندگان وثیقه دریافت می‌کنند، از سازوکار ضمانت گروهی، جهت تضمین بازپرداخت وام‌ها استفاده می‌کنند. در این نوع تأمین مالی تضمین گروهی جایگزین وثیقه می‌گردد زیرا تأمین وثیقه معمولاً برای فقرا مقدور نیست و به همین دلیل از دسترسی به منابع اعتباری رسمی محروم می‌شوند (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰).

### ۱-۳. ویژگی‌های تأمین مالی خرد متعارف

باتوجه به مطالبی که بیان شد می‌توان نتیجه گرفت که تأمین مالی خرد دارای ویژگی‌های منحصر به فرد است که آن را از شیوه‌های دیگر تأمین مالی متمایز می‌کند.

۱) وام‌دهی گروهی: یکی از ارکان اصلی تأمین مالی خرد که از دلایل موفقیت آن بر شمرده می‌شود وام‌دهی گروهی است منظور از وام‌دهی گروهی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، افراد به انتخاب خود به گروه‌های مختلف دسته‌بندی شده وام‌دهی به این گروه‌ها انجام می‌شود. وام‌دهی به هریک از اعضای گروه مشروط به بازپرداخت وام دریافت شده توسط سایر اعضا گردیده و از این طریق چالش وثیقه که یکی از معضلات اصلی فقرا در زمینه تأمین مالی است برطرف می‌گردد (طغیانی، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵). به عبارت دیگر در سازوکار تأمین مالی خرد ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی گردیده و اعضای گروه به صورت دوطرفه ضمانت پرداخت وام یکدیگر را به عهده می‌گیرند؛ یعنی اعضای گروه به صورت زنجیره‌ای ضمانت پرداخت وام یکدیگر را به عهده می‌گیرند و اگر یکی از اعضای گروه از بازپرداخت وام خودداری کند تمام اعضاء مسئول هستند و ضمانت وام آن‌ها معلق می‌گردد (ابراهیمی و باغستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

۲) فشار درونی: منظور از فشار درونی آن است که در ساختار تأمین مالی خرد، ضوابط

به نحوی تنظیم می‌گردد که اعضای گروه خود به خود یکدیگر را به انجام بازپرداخت ترغیب کرده و در این زمینه به نیروی خارجی و بیرونی نیازی نیست. وجود ویژگی مذکور باعث می‌شود که تسهیلات تخصیص یافته به هدف مورد نظر اصابت کند، علاوه بر این مسئولیت مشترکی که در اثر این دو ویژگی ایجاد می‌گردد، باعث کاهش ریسک می‌شود، زیرا اولاً سبب خواهد شد که گروه اعضای بد حساب را در میان خود نپذیرند و این هزینه انتخاب ناصحیح در اعطای تسهیلات را کاهش می‌دهد. ثانياً، این شیوه انگیزه‌ای در میان اعضا ایجاد می‌کند تا مراقب باشند که عضو تسهیلات گیرنده، وام را به مصارف تعیین شده برساند تا بتواند آن را بازپرداخت کند. ثالثاً باعث می‌شود تا اعضای گروه، افرادی که وام خود را نپرداخته‌اند را تحت فشار قرار داده و حتی پرداخت بدهی آن‌ها را برعهده گیرند که این موضوع نیز سبب حذف هزینه عدم بازپرداخت تسهیلات می‌گردد (طغیان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵). از دیگر ویژگی‌های که می‌توان برای این وام‌ها ذکر کرد کوتاه مدت بودن آن‌ها است مدت وام‌های که در قالب تأمین مالی خرد پرداخت می‌شود کمتر از ۱۲ ماه با بازپرداخت هفتگی یا ماهانه است (ابراهیمی و باغستانی، ۱۳۹۰، ص ۷۵).

#### ۱-۴. تجارب تأمین مالی خرد

برخی سابقه تأمین مالی خرد را به وام‌های کوچک که در ایرلند به فقرای روستایی پرداخت می‌گردید باز می‌گردانند (طالبی و زارع، ۱۳۹۰، ص ۹۸). اما امروزه تأمین مالی خرد به نوعی با نام محمد یونس و گرامین بانک گره خورده است، زیرا پیشینه تأمین مالی خرد برمی‌گردد به به ابتکار او که برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ با تأسیس گرامین بانک وام‌های کوچک را برای کسانی که از دسترسی به منابع مالی رسمی کشور دور مانده بود فراهم کرد (مافی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۷-۱۴۰). سازوکار گرامین بانک به این صورت است که وام برای فقرای که زمین‌های کشاورزی آن‌ها کمتر از نیم جریب و یا ارزش مجموع دارایی‌های آن‌ها کمتر از ارزش یک جریب زمین با کیفیت باشد پرداخت می‌گردد. وام به گروه‌های پنج نفره‌ای که از لحاظ زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مشابه هستند بدون وثیقه پرداخت می‌گردد. وام‌ها پس از تأیید گروه و تصویب نهایی بانک به اعضا پرداخت می‌شود. پرداخت وام به صورت مرحله‌ای است بدین ترتیب که چهار نفر از اعضای گروه به صورت گروه‌های دو نفری وام خود را در ماه معینی دریافت می‌کنند و به

نفر پنجم که معمولاً رئیس گروه است در ماه بعد پرداخت می‌شود. هر شش تا هشت گروه هفته‌ای یکبار با حضور نماینده بانک با یکدیگر ملاقات می‌نمایند و در مورد بازپرداخت‌ها و دیگر مشکلات گروه با هم دیگر گفتگو می‌کنند (محمد یونس، بی‌تا، ص، ۲۶).

## ۲. تأمین مالی خرد اسلامی

تأمین مالی خرد متعارف همانطور که نقاط قوت فراوانی دارد نقاط ضعف نیز دارد. یکی از چالش‌های عمده‌ای تأمین مالی خرد متعارف ربوی بودن آن است؛ با توجه به این که در تأمین مالی خرد متعارف تجهیز و تخصیص منابع با استفاده از قرارداد قرض صورت می‌گیرد و مبتنی بر بهره است لذا کارایی و تطبیق این نوع تأمین مالی در کشورهای که اکثریت جمعیت آن‌ها را مسلمانان تشکیل می‌دهند با مشکل مواجه گردیده است. مشکلات دیگری تأمین مالی خرد متعارف نیز نرخ بهره بسیار بالا، عدم توجه به نوع فعالیت (تولیدی یا مصرفی) عدم توجه به پایین‌ترین گروه‌های درآمدی؛ به‌عنوان مثال در تأمین مالی خرد متعارف به فقیرترین فقرا که از عهده پرداخت اصل و سود وام بر نمی‌آیند وام پرداخت نمی‌گردد زیرا وام دادن به چنین افرادی باعث می‌شود که هرچه بیشتر مدیون گردیده در آینده وضع‌شان بدتر شود (اعجاز احمدخان، ۱۳۹۲).

مشکلات فوق باعث گردیده که متفکرین اسلامی به طراحی تأمین مالی خرد اسلامی پردازند. عمده‌ترین ویژگی تأمین مالی خرد متعارف ربوی بودن آن است و این ویژگی باعث گردیده که آن مغایر با موازین و اصول اسلامی محسوب گردیده، تطبیق آن در کشورهای که اکثریت جمعیت‌شان را مسلمانان تشکیل می‌دهند موفقیت چندانی نداشته باشد. بنابراین، در تأمین مالی خرد اسلامی در تجهیز و تخصیص منابع از ابزارها و عقود که در نظام مالی اسلامی معرفی گردیده است استفاده می‌شود. براین اساس در تأمین مالی خرد اسلامی بهره وجود ندارد و در عقود مشارکتی و مبادله‌ای نرخ سود جایگزین بهره می‌شود. با توجه به ویژگی‌های فوق تأمین مالی خرد اسلامی را می‌توان چنین تعریف کرد: «عرضه وام نقدی و یا غیرنقدی به کارفرمایان فقیر براساس عقود اسلامی و در جهت اهداف اقتصاد اسلامی به منظور راه‌اندازی و یا حفظ فعالیت تجاری (میسمی و همکاران، ۱۳۹۱).

## ۱-۲. شیوه‌های تجهیز منابع در تأمین مالی خرد اسلامی

همانگونه که قبلاً متذکر شدیم، تأمین مالی خرد متعارف، در بخش تجهیز منابع، منابع مالی خود را یا با پذیرش سپرده براساس قرارداد قرض و پرداخت بهره تأمین می‌کند و یا از منابع بیرونی (مثلاً کمک‌های دولتی یا بین‌المللی) استفاده می‌کند (Habib, 2002).

در مقابل، مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی علاوه بر این که می‌تواند از عقود اسلامی (که می‌توان در سه دسته کلی دسته‌بندی کرد عقود مشارکتی، عقود مبادله‌ای و عقد قرض الحسنه) در جذب سپرده استفاده کند، می‌تواند از نهادهای اقتصادی اسلام نظیر وقف، خمس، زکات، انفال، و فیء و... نیز برای تأمین منابع مالی خویش بهره‌برند. بنابراین برخی منابع تجهیز درآمد برای مؤسسات تأمین مالی خرد اسلامی، منابع رایگان است که در قبال آن، تعهدی ندارند (مانند صدقات) اما برخی منابع انتفاعی است که باید به آن‌ها سود پردازند (مانند سپرده‌ها). بنابراین با توجه به نهادهای که در نظام اقتصادی اسلام وجود دارد تأمین مالی خرد اسلامی از لحاظ توجه به پایتترین گروه‌های درآمدی در موقعیت بهتری قرار می‌گیرد یعنی می‌تواند در برخی موارد که وام‌گیرنده توان پرداخت اصل و سود وام را نداشته باشد به صورت رایگان تأمین مالی کند (میسسی و همکاران، ۱۳۹۱).

## ۲-۲. شیوه‌های تخصیص منابع در تأمین مالی خرد اسلامی

تأمین مالی خرد متعارف در بخش تأخیر منابع نیز مبتنی بر بهره است. اما با توجه به حرمت ربا در اسلام مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی در بخش تخصیص منابع نیز از عقود و ابزارهای که در نظام مالی اسلام معرفی گردیده است استفاده می‌کند. عقود و ابزارهای که در نظام مالی اسلام معرفی گردیده و در بانک‌داری اسلامی به منظور ارائه تسهیلات مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌توان به چهار گروه کلی دسته‌بندی کرد (موسویان، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶-۱۷۵).

عقود مشارکتی: در این عقود مؤسسه مالی تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و یا خدماتی) را تأمین مالی نموده و در نهایت براساس قراردادی که با کارفرما منعقد کرده است، سود فعالیت تقسیم می‌گردد. این عقود در نظام بانک‌داری بدون ربا عبارتند از: مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مزارعه و مساقات.

عقود مبادله‌ای با بازدهی ثابت: در این دسته عقود مؤسسه تمام یا بخشی از سرمایه مورد

نیاز به منظور انجام فعالیت اقتصادی و یا برطرف نمودن نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند، با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی سود مؤسسه معلوم و معین است. بنابراین تحولات آتی اقتصاد و یا تغییرات ایجادشده در طرح اقتصادی مورد نظر، ارتباطی به سود و مطالبات مؤسسه پیدا نمی‌کند. این عقود عبارتند از فروش مرابحی، فروش اقساطی، استصناع، خرید دین و اجاره به شرط تملیک.

عقود مبادله‌ای با بازدهی متغیر: در این عقود نیز مؤسسه بخشی از سرمایه مالی مورد نیاز برای انجام یک فعالیت اقتصادی و یا پول مورد نیاز یک خانوار را تأمین می‌کند. به مقتضای ماهیت این عقود، سود مؤسسه متغیر بوده و بستگی به تحولات اقتصادی و یا قیمت‌های نسبی در بازار واقعی دارد، حتی احتمال آن می‌رود که سودی برای مؤسسه رخ ندهد، بلکه متحمل ضرر گردد. این عقود شامل دو مورد یعنی معاملات سلف و جعاله می‌گردد.

قرض الحسنه: در این عقد مؤسسه مالی منابعی که در اختیار دارد را بر اساس عقد قرض الحسنه در اختیار بنگاه تولیدی و خانوار نیازمند قراردادده و تنها به گرفتن کارمزد بانکی اکتفا می‌کند (میسمی و عبدالهی، ۱۳۲).

## ۲-۳. شیوه‌های تأمین مالی با استفاده از عقود و ابزارهای اسلامی

### ۲-۳-۱. انواع مختلف تأمین مالی مشارکتی

در بانک‌ها و مؤسسات تأمین مالی اسلامی تأمین مالی مشارکتی به شیوه‌های گوناگونی صورت می‌پذیرد.

مشارکت مدنی: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی بخشی از سرمایه لازم برای انجام یک فعالیت اقتصادی را فراهم می‌کند و با در آمیختن آن با سرمایه متقاضی تأمین مالی، در سود و زیان آن فعالیت اقتصادی سهیم می‌گردد.

مشارکت حقوقی: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی با خریدن بخشی از سهام یک شرکت جدید یا قدیمی در تأمین مالی شرکت مذکور مشارکت ورزیده و مالک بخشی از سهام آن شرکت می‌گردد.

مضاربه: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه مورد نیاز برای فعالیت‌های تجاری را در اختیار متقاضی (عامل مضاربه) قرارداده و بعد از به‌کارگیری وجوه مذکور در

فعالیت‌های تجاری سودآور مؤسسه تأمین مالی و مشتری در سود و زیان حاصل از فعالیت مذکور به نسبت توافقی سهیم می‌گردند.

مزارعه: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه لازم برای انجام فعالیت کشاورزی را تأمین نموده و با کشاورز متقاضی تأمین مالی در فعالیت مورد نظر شریک می‌شود.

مساقات: در این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی سرمایه لازم برای انجام فعالیت باغداری را در اختیار باغدار قرارداده و با او در سود و زیان حاصل از عملیات باغداری سهیم می‌گردد (توکلی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۴-۳۰۵).

## ۲-۳-۲. انواع مختلف تأمین مالی مبادله‌ای

### تأمین مالی مبادله‌ای با بازدهی ثابت

فروش مرابحی: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی طبق درخواست مشتری کالای را خریداری نموده و با افزودن مبلغی به او به فروش می‌رساند.

فروش اقساطی: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی اسلامی کالای درخواستی مشتری را خریداری نموده و به صورت مدت‌دار با قیمتی بیشتر به او به فروش می‌رساند.

اجاره به شرط تملیک: بر مبنای این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی خانه درخواستی مشتری را خریداری نموده به مشتری اجاره می‌دهد و مشتری مورد نظر بعد از پرداخت مبالغ تعیین شده‌ای اجاره، مالک خانه مذکور می‌گردد.

استصناع: بر مبنای این قرارداد مشتری به بانک یا مؤسسه تأمین مالی سفارش ساخت کالایی را می‌دهد و بانک یا مؤسسه تأمین مالی با استفاده از پیمان‌کاران خود کالای مورد نظر را می‌سازد و به قیمت مشخص شده به صورت نقد یا اقساط در اختیار مشتری قرار می‌دهد.

خرید دین: بانک یا مؤسسه تأمین مالی طلب مشتری از دیگران را به قیمت کمتر خریداری می‌کند.

### تأمین مالی مبادله‌ای با بازدهی متغیر

سلف: طبق این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی کالای تولیدی یک کارخانه را پیش خرید نموده و بخشی از قیمت سلف آن یا تمام آن را که معمولاً کمتر از قیمت تحویل فوری است، به فروشنده می‌پردازد. در هنگام سررسید، بانک کالای خریداری شده را تحویل گرفته در بازار

به فروش می‌رساند.

جعاله: بر مبنایی این قرارداد بانک یا مؤسسه تأمین مالی طبق درخواست مشتری برای انجام کاری - مانند آجرنما کردن دیوار منزل - پیمانکاری را در خدمت می‌گیرد. پس از اتمام کار مورد نظر بانک یا مؤسسه تأمین مالی مبلغ معین شده در قرارداد (جعل) را به صورت نقدی یا قسطی از مشتری دریافت می‌کند (همان ص ۲۳۶-۲۳۷).

در یک تقسیم‌بندی دیگر عقود و ابزارهای تأمین مالی اسلامی به عقود و ابزارهای انتفاعی و غیرانتفاعی تقسیم‌بندی می‌گردد. عقود و قراردادهای انتفاعی به قراردادهای اطلاق می‌گردد که تأمین مالی در قالب عقود مذکور با انگیزه کسب سود و تحصیل درآمد صورت می‌پذیرد. اما یکی از امتیازات تأمین مالی اسلامی وجود عقود و ابزارهای غیرانتفاعی در نظام مالی اسلام است. عقود و ابزارهای غیرانتفاعی قراردادهایی‌اند که تأمین مالی در قالب عقود مذکور نه به انگیزه کسب سود و تحصیل درآمد بلکه به صورت تبرعی و خیرخواهانه صورت می‌پذیرد. این قراردادها نیز به دو دسته معوضه و غیر معوضه تقسیم می‌شود. در قالب عقود معوضه مثل قرض الحسنه بانک یا مؤسسه تأمین مالی می‌تواند وجوه مورد نیاز متقاضی را تأمین کند به صورتی که متقاضی در پایان مدت قرارداد فقط ملزم به بازپرداخت اصل بدهی باشد و سود یا مبلغ زیادی درخواست نگردد. اما در قراردادهای غیر معوضه نوع تبرع محض صورت می‌گیرد مثل وقف و هبه. در وقف واقف اصل اموال خود را برای استفاده در یکی از امور خیریه وقف می‌کند. در هبه نیز مالک یک دارای اموال خود را بدون دریافت عوض به دیگری تملیک می‌کند (همان، ص ۱۸۰-۱۸۱).

### ۳. نقش تأمین مالی خرد در توسعه روستایی

#### ۱-۳. اقتصاد افغانستان

افغانستان با نام رسمی جمهوری اسلامی افغانستان کشور محصور در خشکی در آسیای جنوبی قرارداد. همسایگان افغانستان، ایران در غرب، پاکستان در جنوب و شرق، تاجیکستان و ازبکستان و ترکمنستان در شمال و چین در شمال شرقی قرارداد. افغانستان دارای ۶۵۲۲۳۰ کیلومتر مربع مساحت، و چهل و یکمین کشور وسیع دنیا است. در نشریات و اسناد ملل متحد مساحت این



کشور ۶۴۷۴۹۷ کیلومتر مربع و قرار گزارش ۱۹۷۵، ۶۷۵۵۰۰ کیلومتر مربع آمده است. در کتاب افغانستان در پنج قرن اخیر ۶۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع (فرهنگ، ۱۳۷۱، ص ۴) و در کتاب افغانستان در مسیر تاریخ ۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع آمده است (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۵).

### ۲-۳. جمعیت

سرشماری جمعیت افغانستان از سال ۱۳۵۸ تا کنون دیگر صورت نگرفته است. آمارهای که از جمعیت افغانستان در دسترس قرار دارد بیشتر بر مبنای تخمین است. جمعیت افغانستان در سال ۱۳۹۹ حدود ۳۲/۹ میلیون نفر بر آورد شده است که حدود ۱۶/۸ میلیون نفر (۵۱/۰ درصد) آن را مردان و حدود ۱۶/۱ میلیون نفر (۴۹/۰ درصد) آن را زنان تشکیل می‌دهد. از ۳۲/۹ میلیون نفر حدود ۲۳/۴ میلیون نفر (۷۱/۰ درصد) آن را جمعیت روستایی و ۸ میلیون نفر (۲۴/۴ درصد) آن را جمعیت شهری تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup>

### ۳-۳. تولید ناخالص داخلی

ارزش تولید ناخالص داخلی به‌شمول کوکنار در سال ۱۳۹۷ بالغ به ۱۴۷۸۷۰۷ میلیون افغانی معادل ۲۰/۵ میلیارد دالر آمریکایی گردیده و تولید ناخالص داخلی سرانه به ۴۶۷۹۵ افغانی که معادل ۶۴۷ دالر آمریکایی می‌شود، رسیده است. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی حقیقی بدون کوکنار به اندازه ۲/۷ درصد بوده است. شاخص قیمت مواد مصرفی در سال ۱۳۹۷ حدود ۰/۶ درصد تورم را نشان می‌دهد.

### ۴-۳. واردات و صادرات

مجموع واردات در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۶/۶۷۴۰۶ میلیون دالر و صادرات کشور ۲/۸۷۵ میلیون دالر بوده است. در سال ۱۳۹۶ واردات کشور، ۹/۷۴۳۸ میلیون دالر و صادرات ۵/۷۷۴ میلیون دالر بوده است. این ارقام نشان می‌دهد که واردات کشور در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال گذشته ۳/۳۲ میلیون دالر و یا ۴/۰ درصد کاهش یافته در حالیکه صادرات به اندازه ۷/۱۰۰ میلیون دالر و یا ۱۳ درصد افزایش یافته است.<sup>۲</sup>

۱ بر آورد نفوس کشور ۱۳۹۹، اداره ملی احصائیه و معلومات افغانستان

۲ سالنامه احصائیه ۱۳۹۷، اداره ملی احصائیه و معلومات

## ۵-۳. درآمد سرانه

درآمد سرانه افغانستان در سال ۲۰۱۰ حدود ۸۰۰ دالر بوده و در سال ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ۱۰۰۰ دالر افزایش یافته اما در سال ۲۰۱۹ از ۷۱۹ به ۶۴۷ دالر کاهش یافته که این به دلیل کاهش یک میلیارد دالری درآمد ناخالص داخلی نسبت به سال‌های قبل از ۲۱ میلیارد به ۲۰ میلیارد بوده است (توسلی غرjestانی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹).

از آنجایی که ۷۱ درصد جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند می‌توان گفت بخش کشاورزی اهمیت زیادی در اقتصاد افغانستان دارد. اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته بیشتر تحت تسلط بخش کشاورزی و تولید محصولات غذایی در بخش روستایی قرار دارند. بخش بزرگی از محصولات غذایی در بخش کشاورزی در روستاها تولید می‌شود و زمانی که تولید بخش کشاورزی افزایش پیدا کند درآمد کشاورزان افزایش پیدا می‌کند. افزایش درآمد سرانه تقاضا برای محصولات کشاورزی را افزایش می‌دهد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که کاهش درآمدی تقاضا برای محصولات کشاورزی در این کشورها بسیار زیاد بین ۶۰ تا ۸۰ درصد است. همچنین افزایش در نرخ رشد جمعیت تقاضا برای محصولات کشاورزی را هرچه سریعتر افزایش می‌دهد. براین اساس افزایش در تولید کشاورزی باید به نحوی باشد که بتواند با افزایش تقاضا مقابله کند. اگر افزایش در تولید محصولات کشاورزی کمتر از نرخ رشد تقاضا باشد قیمت محصولات کشاورزی افزایش یافته دولت مجبور است مقداری منابع ارزی را به واردات محصولات کشاورزی اختصاص دهد که این امر به معنای هدر رفتن مقدار منابع ارزی است، منابعی که می‌توانست صرف تأمین کالاهای سرمایه‌ای شود. از طرف دیگر محصولات کشاورزی تنها شامل محصولات غذایی نمی‌شود، بلکه بخشی از محصولات تولید شده در بخش کشاورزی مانند پنبه، چای، نیشکر، چغندر قند و غیره در بخش صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پس بخش کشاورزی هم مواد غذایی مورد نیاز کشور را تأمین می‌کند و هم مواد اولیه صنعتی لازم برای بخش صنعت را فراهم می‌کند. مهم‌تر این که افزایش قدرت خرید روستائیان از طریق افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تقاضا برای محصولات صنعتی ساخته شده در بخش صنعت را افزایش می‌دهد و سبب توسعه بخش صنعت می‌گردد. بین بخش صنعت و بخش

کشاورزی ارتباط‌های پیشین و پسین وجود دارد یعنی توسعه هرکدام از این بخش‌ها در گرو توسعه بخش دیگر است ولی به صورت طبیعی توسعه باید از بخش کشاورزی شروع شود و سپس به بخش صنعت کشیده شود و در انتها بخش خدمات توسعه یابد (قره‌باغیان، ۱۳۹۳، ص ۵۵۳-۵۵۵).

اما در افغانستان بعد از پیاده‌سازی سیستم اقتصاد بازار بخش خدمات مثل مخابرات، رسانه‌ها و مطبوعات، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، دانشگاه‌های خصوصی، حمل و نقل و شرکت‌های هوایی گسترش قابل توجهی یافت ولی بخش کشاورزی در اثر جنگ و ناامنی و عدم حاکمیت دولت مرکزی نه تنها گسترش نیافت بلکه آسیب جدی دید و درصد زیادی از زمین‌های مرغوب و حاصل خیز به کشت کوکنار اختصاص پیدا کرد. در مناطقی که امنیت نسبی وجود داشت هم به دلیل تبعیض و بی‌عدالتی و عدم تخصیص بودجه به توسعه بخش کشاورزی، زیرساخت‌ها و راه‌های مواصلاتی بخش کشاورزی به شکل سنتی باقی ماند. بخش صنعت نیز آسیب فراوانی دید زیرا شیوه‌های تولید سنتی رایج در کشور توانای رقابت با کالاهای وارداتی خارجی را نداشت لذا بخش صنعت در طول چند سال نه تنها گسترش نیافت بلکه کوچک و کوچکتر گردید.

در دو دهه اخیر در بسیاری از کشورها تأمین مالی خرد راهکاری مناسب جهت مقابله با فقر روستائیان مطرح شده است و برخی از کشورها در این زمینه به موفقیت‌های چشم‌گیری دست یافته‌اند. اهمیت این دستاورد به گونه‌ای بوده که بانک جهانی سال ۲۰۰۵ را سال «اعتبارات خرد» نام‌گذاری و کشورهای در حال توسعه را در به‌کارگیری این شیوه اعتباری تشویق کرده است (نجفی، و یعقوبی، ۱۳۸۴).

پرواضح است که تأمین مالی خرد در تأمین نیازهای اعتباری کشاورزان و هم‌چنین گذار از کشاورزی سنتی و افزایش نرخ بازدهی در بخش کشاورزی نقش اساسی دارد که این امر می‌تواند در توسعه بخش صنعت و توسعه اقتصاد کشور نقش اساسی داشته باشد. باید متذکر شد که در افغانستان بانک‌داری نقش پررنگی ندارد زیرا تعدادی کمی از مردم این کشور که به ۱۰ درصد هم نمی‌رسد حساب بانکی دارند. آن‌ها نیز کارمندان دولت یا شرکت‌های خصوصی یا بازرگانان است دلیل این امر نیز ناامنی و عدم اعتماد مردم به بانک‌ها است زیرا بانک‌های

افغانستان بیشتر بشکل ربوی فعالیت می‌کنند. (توسلی غرجستانی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۹).  
مؤسسه تأمین مالی خرد در افغانستان وجود ندارد ولی در بعضی شهرهای بزرگ بعضی بانک‌ها و وام‌های خرد در قالب قراردادهای ربوی اعطا می‌کنند. این وام‌ها بیشتر از سوی قشر کم‌درآمد جامعه که اغلب در شهرها زندگی می‌کنند بیشتر برای نیازهای مصرفی دریافت می‌گردد. درکنار بانک‌ها و نهادهای رسمی تأمین پول و اعتبار، بخش غیررسمی نیز به‌شکل پررنگ فعالیت می‌کند که در اکثر مناطق بخش غیررسمی حضور پررنگ‌تر دارد. البته باید متذکر شد که بانک‌ها و نهادهای رسمی تأمین پول و اعتبار بیشتر در شهرها فعالیت می‌کنند و در روستاها حضور ندارند.

بنابراین، مؤسسه تأمین مالی خرد اسلامی که در قالب عقود و قراردادهای اسلامی تأمین مالی می‌کند می‌تواند از سوی مردم مورد استقبال قرار بگیرد و در کشور افغانستان که اکثریت جمعیت آن زیر خط فقر قرار دارد نقش بسیار اساسی و راهگشا داشته باشد؛ زیرا می‌تواند در رفع فقر و گرسنگی، ایجاد اشتغال و بهبود سطح زندگی مردم کمک کند. از آنجایی که اکثریت جمعیت افغانستان در روستاها زندگی می‌کنند ایجاد چنین مؤسسه‌ای می‌تواند از طریق تأمین اعتبار مورد نیاز کشاورزان باعث افزایش بازدهی بخش کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان از یک طرف و از طرف دیگر در صورت خودکفایی در محصولات کشاورزی می‌تواند صرفه‌جویی ارزی را در پی داشته باشد.

با افزایش درآمد، درصد زیادی مردم که در روستاها زندگی می‌کنند تقاضا برای کالاهای صنعتی افزایش پیدا می‌کند و زمینه توسعه بخش صنعت فراهم می‌شود. همچنین در صورتی جایگزینی شیوه‌های سنتی با شیوه‌های مدرن و افزایش بازدهی در بخش کشاورزی تعدادی زیادی نیروی کار از بخش کشاورزی به بخش صنعت منتقل می‌گردد. هم‌چنین با افزایش محصولات کشاورزی برای عده‌ای زیاد در بخش کالاهای واسطه‌ای و حمل نقل اشتغال ایجاد می‌شود (قره‌باغیان، ۱۳۹۳، ص ۵۵۵).

با توجه به این‌که روستاهای افغانستان از زمینهای مرغوب و منابع آبی فراوان برخوردارند که از منابع آبی فوق‌الذکر بجز کشاورزی برای مقاصد دیگر مثل ایجاد سد تولید برق یا پرورش ماهی می‌توان استفاده کرد. چنانچه در برخی مناطق روستایی سرآشویی زیاد و جریان آب

تند است که برای تولید برق مناسب میباشد. علاوه بر آن بدلیل این که منطقه سردسیر است برای ایجاد سد و پرورش ماهی خوب است. با توجه به این که در مناطق روستایی کشاورزی و دامداری بشکل بسیار محدود و سنتی صورت می گیرد می توان با آموزش شیوه های مدرن دامداری و کشاورزی تغییرات اساسی در بازدهی بخش کشاورزی و درآمد سرانه روستائیان ایجاد کرد. به اعتقاد بنده افزایش بازدهی در بخش کشاورزی و درآمد سرانه روستائیان از طریق ایجاد مؤسسه تأمین مالی خرد و تأمین نیازهای اعتباری سرمایه ای کشاورزان و همچنین آموزش مهارت های شغلی و شیوه های نوین کشاورزی و دام داری امکان پذیر است. پیشنهاد بنده این است که یک نهادی وجود داشته باشد که مهارت های شغلی و شیوه های نوین کشاورزی و دامداری را به روستائیان آموزش بدهد. از طرف دیگر نهاد مالی یا مؤسسه تأمین مالی خرد نیز شکل بگیرد تا طرح های اقتصادی که توسط روستائیان ارائه می گردد در قالب عقود و ابزارهای اسلامی تأمین مالی کند.

### نتیجه گیری

سازوکار تأمین مالی خرد جهت پاسخ گویی به نیازهای مالی افراد فقیر و کم درآمد که به مؤسسات مالی و اعتباری دسترسی ندارند طراحی شده است. در قالب این سازوکار وام های کوچک با سررسید کوتاه مدت بدون وثیقه به افراد کم درآمد و فقیر اعطا می گردد. در سازوکار فوق ضمانت گروهی جایگزین وثیقه فیزیکی گردیده است. در تأمین مالی خرد متعارف در بخش تجهیز و تخصیص منابع از عقود ربوی استفاده می شود؛ اما در تأمین مالی خرد اسلامی در بخش تجهیز منابع می توان از سازوکار سپرده پذیری در قالب عقود اسلامی یا از نهادهای مالی اسلام مثل خمس، زکات اوقاف و غیره استفاده کرد. همچنین در بخش تخصیص منابع می توان از عقود و ابزارهای اسلامی استفاده کرد. از آنجایی که در کشور افغانستان ۷۱ درصد جمعیت در روستاها زندگی می کنند و درآمد سرانه بسیار پایین است بگونه ای که تعدادی زیادی افراد جامعه زیر خط فقر قرار دارند تأمین مالی خرد در این کشور در کاهش فقر، افزایش درآمد سرانه و بهبود سطح زندگی می تواند نقش موثر و سازنده داشته باشد.

اقتصاد کشورهای مثل افغانستان تحت تسلط اقتصاد روستایی و محصولات غذایی قرار دارد؛

زیرا در این کشورها اکثریت جمعیت در روستاها زندگی می‌کنند و به‌علت شیوه سنتی کشاورزی، بازدهی کشاورزی پایین و درآمد سرانه روستائیان اندک است. از طرف دیگر افزایش روزافزون جمعیت تقاضا برای محصولات غذایی را افزایش می‌دهد، به‌علت بازدهی پایین کشاورزی دولت‌ها برای جلوگیری از افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها مجبورند مقداری زیادی منابع ارزی را صرف واردات کالاهای مصرفی کنند. منابعی که می‌توانست صرف واردات کالاهای سرمایه‌ای شود و به تمرکز سرمایه و توسعه اقتصاد کشور کمک کند.

تأمین مالی نیازهای سرمایه‌ای کشاورزان و ارتقای مهارت‌های شغلی آنان از طریق آموزش مهارت‌های شغلی و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری می‌تواند بازدهی کشاورزی را افزایش دهد. افزایش بازدهی کشاورزی از یک طرف به خودکفایی در بخش محصولات غذایی انجامیده و از خروج ارز جلوگیری می‌کند از طرف دیگر سبب افزایش درآمد سرانه کشاورزان گردید و تقاضا برای محصولات صنعتی را افزایش می‌دهد که به توسعه بخش صنعت می‌انجامد. البته به اعتقاد نویسندگان تأمین مالی خرد در بخش کشاورزی در صورتی می‌تواند راه‌گشا باشد که با آموزش مهارت‌های و شیوه‌های نوین کشاورزی و دامداری همراه باشد.

## منابع

۱. ابراهیمی سجاد، باغستانی مسعود، مقایسه بانک تجاری و نهاد قرض الحسنه در حوزه تأمین مالی خرد، مجله اقتصادی، شماره ۱۱، بهمن ۱۳۹۰.
۲. احمد، اعجازخان، عبیدالله محمد خان، طریق الله، تأمین مالی خرد اسلامی، ترجمه، سید محمدرضا نورانی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۹۲.
۳. ترکمنی، عبدالروف، تطور مردم هزاره افغانستان، سایت: [turkmani.aiaye](http://turkmani.aiaye)
۴. توکلی، محمدجواد، سازوکار بانکداری اسلامی، ۱۳۹۲.
۵. دولت‌آبادی، بصیراحمد، شناسنامه افغانستان، قم، چاپخانه شهید، ۱۳۷۱.
۶. طالبی، محمد، زارع، ساسان، ارائه الگوی بومی برای تأمین مالی خرد در ایران با مطالعه تطبیقی گرامین بانک بنگلادش و طرح‌های تأمین مالی خرد روستایی اجراشده، مطالعات کمی در مدیریت، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۰.
۷. طغیانی، مهدی، تأمین مالی خرد در ایران و راه‌های توسعه آن با رویکردی اسلامی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده اقتصاد و معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.
۸. عبدالهی، محسن، میسمی، حسین، تأمین مالی خرد اسلامی و نقش آن در تقویت عدالت و رضایت اجتماعی در نظام بانکی کشور، تازه‌های اقتصاد، سال نهم، شماره ۱۳۲.
۹. غرجستانی، محمد، توسلی، الگوی بانکداری اسلامی برای افغانستان بر مبنای فقه جعفری و حنفی، ۱۳۹۳.
۱۰. فرهنگ، میرمحمد صدیق، افغانستان در پنج قرن اخیر، قم مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ۱، ۱۳۷۱.
۱۱. قاسمی، عبدالرسول و همکاران، ارزیابی تحلیلی و تجربی تأثیر تأمین مالی خرد بر درآمد مصرف‌کنندگان، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۶، پاییز ۱۳۹۰.
۱۲. قره‌باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، ج ۲، ۱۳۹۳.
۱۳. مافی، فرزانه، توانمندسازی اقتصاد زنان روستایی از طریق اعتبارات خرد، پژوهشنامه شماره ۴۲،

پاییز ۱۳۸۸.

۱۴. محمد یونس، جهان بدون فقر، ترجمه هنگامه احمدی و دیگران، بی‌جا، پرتو، بی‌تا.
۱۵. موسویان، سید عباس، بانک‌داری اسلامی، تهران، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۳.
۱۶. مهاجرانی، مصطفی، بررسی وضع اعتبارات خرد در ایران و برخی از کشورهای موفق در این زمینه، مؤسسه همیاران غذا، نسخه الکترونیکی، ۱۳۸۲.
۱۷. میثمی، حسین، حسن‌زاده‌علی، شهیدی نصب مصطفی، رویکرد مرحله‌ای برای استفاده از عقود مشارکتی در تأمین مالی خرد اسلامی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۱۲.
۱۸. نجفی، بهاء‌الدین، یعقوبی، وحید، تأمین مالی خرد: راهکاری نوین برای کاهش فقر در جوامع روستایی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۳۸۴.
۱۹. یزدانی، حسین‌علی، پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها، ۱۳۹۰.

20. Ahmed, Habib. (2009). Waqf-Based MicroFinance

21. Realizing The Social Role of Islamic Finance. Paper

22. presented in the International Seminar on, Integrating

23. Awqaf in the Islamic Financial Sector. Singapore.

24. Kaleem, A. & Ahmed, S. (2009). The Quran and

25. Poverty Alleviation: A Theoretical Model for Charity-

26. Based Islamic Microfinance Institutions. Nonprofit and

27. Voluntary Sector Quarterly, 9, 4-15

28. www.worldbank.org

29. Habib, A. (2002), "Financing microenterprises: An analytical study of Islamic

30. microfinance institutions", Islamic Economic Studies, Vol. 9, No. 2, Pp. 27-62



# امکان وقف پول‌های اعتباری از منظر امامیه

حسین فیاض<sup>۱</sup>

## چکیده

میل به جاودانگی در انسان‌ها، آن‌ها را بر آن داشته که به دنبال ابداع راهکارهایی همچون وقف باشند تا به کمال این میل نائل شوند. پیش از پیدایش اقتصاد پولی، تنها راه برای وقف، وقف‌های غیرمنقول بوده است که امروزه به دلیل ارزش بالای اموال غیرمنقول، وقف آن برای اکثریت افراد غیرممکن می‌باشد. با فراگیر شدن اقتصاد پولی، به جای وقف اموال غیرمنقول؛ بحث وقف پول در مجامع علمی جایگاه ویژه‌ای یافته است. وقف پول از این جهت حائز اهمیت است که هر شخصی با هر توان مالی می‌تواند به وقف که مصداق اصلی صدقه جاریه است مبادرت نماید. فقهای شیعه درباره وقف پول با یکدیگر اختلاف نظر دارند. منشا اصلی این اختلاف، شرط تحبیس الاصل و تسبیل الثمره در مال موقوفه است. در این مقاله، پس از مباحث مفهومی و تاریخی، نظریات فقهای شیعه را در باره وقف پول بررسی نمودیم؛ آنگاه به دلایل صحت وقف پول پرداخته شده است. ادله مورد استناد در این مقاله عبارتند از بقای عنوان کلی پول پس از وقف، تفاوت وقف نقود با سایر اعیان، تمسک به عموماًت و ملازمه بین وقف، عاریه و عموماًت صحت عقد. پس از بیان این ادله به نقد و بررسی دلایل مخالفان پرداختیم. نتیجه نهایی این تحقیق این است که شرعاً اشکالی ندارد افراد خیرخواه و صاحبان ثروت و یا افراد متوسط جامعه، مبالغی را برای نیازمندان در بانک و یا صندوق‌های قرض‌الحسنه وقف نمایند تا نیازمندان با مراجعه به نهادهای مالی ذکر شده نسبت به رفع احتیاجات خود از پول وقف‌شده استفاده کنند و در سررسید معین مثل آن به مرجع مربوطه برگرداند تا نیازمندان بعدی هم استفاده نمایند.

واژگان کلیدی: کارکردهای اقتصاد، وقف پول، بررسی فقهی، وقف النقود.

## مقدمه

مقوله‌ی وقف از جمله موضوعاتی است که در اکثر کشورها مطرح است. ثروتمندان به‌ویژه در سنین بالا تمایل دارند بخشی از ثروت خود را جهت اهداف خیرخواهانه وقف کنند. در کشورهای اسلامی، این سنت نیکو مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و قوانین فقهی است؛ بنابراین باید در چارچوب اصول مشخصی که اسلام و شریعت برای آن تعریف کرده است، انجام شود. اما در عمل، به علت تعاریف محدود و شرایط سخت‌گیرانه از وقف؛ امکان گسترش دایره‌ی آن و تجهیز بسیاری از دارایی‌های مالی خصوصاً پول نقد و اسکناس در قالب آن ناممکن شده است.

سوال اصلی عبارت است از این‌که آیا وقف پول‌های اعتباری صحیح است؟

بر اساس مطالعات اکتشافی در پاسخ به پرسش فوق می‌توان فرضیه ذیل را مطرح نمود:

باتوجه به ادله موافقان و مخالفان، وقف پول‌های اعتباری درست است.

در این تحقیق، ضمن بررسی‌های فقهی نسبت به شرایط و ادله وقف و تاثیر زمان و مکان بر این پدیده‌ای مهم، تلاش شده تا امکان وقف را نسبت به سایر دارایی‌ها از جمله پول‌های اعتباری و اسکناس تسری داده و موانع نظری توسعه‌ی دایره‌ی وقف را به بحث گذاشته و تا جایی ممکن در صدد گره‌گشایی و توسعه‌ای این سنت حسنه هستم.

## ۱. کلیات

### ۱-۱. تعریف وقف

وقف را در لغت با عبارات گوناگون تعریف کرده‌اند که همه‌ی آن‌ها دارای قدر جامع و مشترک‌اند. در لسان العرب چنین نوشته است: وقف بالمکان وقفاً و وقفاً و وقوفاً، فهو واقف و الجمع وقف موقوف. وقف الارض علي المساکين... وقفاً: حبسها (ابن منظور، ۱۴۳۰، ج ۱۵، ص ۳۷۳-۳۷۴)؛ در مکان توقف کرد، یعنی ایستاد. زمین را به مساکین وقف کرد، یعنی زمین را حبس کرد.

در المعجم الوسیط آمده است: وقف الدار و نحوها: حبسها في سبیل الله (مصطفی ابراهیم، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۹۰)؛ خانه و مانند آن را وقف کرد؛ یعنی آن را در راه خدا حبس کرد. در معجم لغة الفقهاء می‌خوانیم: الوقف بفتح فسکون مصدر وقف الشيء و أوقفه: حبسه و احبسه

(قلعه‌چی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۵۰۸)؛ اوقاف و وقوف: آن چیز را وقف کرد؛ یعنی حبس کرد. در مصباح المنیر آمده است: وقتت الدار وقفا: حبستها في سبيل الله (فیومی، ۱۳۴۵، ص ۱۲۳)؛ خانه را وقف کردم وقف کردنی: حبس کردم آن را در راه خدا.

در کتاب الفقه الاسلامی و ادلته چنین آورده است: تعریف الوقف... و هو لغة: الحبس عن التصرف. يقال: وقتت كذا: اي حبسته، و لا يقال: اوقفته الا في لغة تميميه... و يقال احبس لاحبس عكس وقف، و منه الموقوف لحبس الناس فيه للحساب، ثم اشتهر اطلاق كلمه الوقف علي اسم المفعول و هو الموقوف و يعبر عن الوقف بالحبس و يقال في المغرب: وزير الاحباس (الزحیلی، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۱۰)؛ وقف عبارت است از حبس از تصرف کردن. گفته می‌شود وقفت كذا، یعنی آن را حبس کردم. «اوقفته» گفته نمی‌شود مگر در لغت تميمیه؛ ولي به عكس، «احبس» گفته می‌شود، نه «حبس». موقف را که موقف می‌گویند، به خاطر این است که مردم در آن برای حسابرسی حبس می‌شوند. اطلاق كلمه ي «وقف» بر اسم مفعول «موقوف» شهرت پیدا کرده و از وقف به حبس تعبیر می‌شود و در کشور مغرب، وزیر الاحباس گفته می‌شود. این تعاریف که اهل لغت درباره‌ی وقف بیان کرده‌اند، همگی شرح الاسمی است؛ نه اینکه تعریف حقیقی و منطقی باشد؛ زیرا تعریف منطقی دارای طرد (مانع اغیار) و عکس (جامع افراد) است و تعریف‌های یادشده این ویژگی‌ها را ندارند؛ چرا که سکنی، رقبی و عمري داخل آن‌ها می‌شود و حال آن‌که آن‌ها با وقف تفاوت دارند.

## ۲-۱. عقد یا ایقاع بودن وقف

وقف ازاله مالکیت است و عدم قبول موقوف علیه ضرري بر تحقق وقف نمی‌زند بلکه آنان را از انتفاع محروم می‌کند. محقق حلی می‌گوید: وقف ایقاع است ولي صدقه عقد است. شهید اول می‌فرماید: ظاهر این است که در مطلق وقف قبول شرط نیست (یعنی وقف ایقاع است) شهید ثانی می‌فرماید: در این مورد دو قول است: قول اول قبول را شرط می‌داند و قول دوم قبول را شرط نمی‌داند و می‌گوید طبق اصالت عدم اشتراط است هم چنین وقف بریدن مالکیت است و نیازی به قبول ندارد؛ لذا از ایقاعات است.

### ۳-۱. لازم یا جایز بودن وقف

محقق حلی در شرایع می‌گوید هرگاه وقف تمام شود و قبض به عمل آید وقف لازم می‌شود به شرط آن که در زمان صحت واقع شود رجوع از آن جایز نیست؛ (حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۳۵۲). حضرت امام راحل<sup>(۵)</sup> در این مورد چنین می‌نویسد: واقف بعد از اتمام وقف نمی‌تواند وقف یا مورد وقف و عنوان آن را تغییر دهد. به‌طور کلی از نظر فقهای شیعه، بعد از قبض عقد وقف لازم می‌شود.

### ۴-۱. تاریخچه‌ی وقف پول در بلاد اسلامی

ریشه‌های نخستین اوقاف پول در اسلام احتمالاً به قرن هشتم می‌رسد؛ که مجموعه‌ی اوقاف را به‌صورت مضاربه به پیمان‌کاران واگذار می‌کردند.

وقف نقود بعد از فتح قسطنطنیه (۱۴۳۵ م) به سرعت در آناتولی گسترش یافت تا آنجا که بعد از نیم قرن یعنی در دهه‌ی اول قرن شانزدهم میلادی، وقف پول در دولت عثمانی بر سایر انواع وقف غلبه کرد. در جامعه‌ی عثمانی بهداشت، آموزش و رفاه از اساس با هدایا و موقوفه‌ها تأمین می‌شد و در این میان اوقاف پول تأثیر بسیار داشت. افزون بر این، پول‌های وقف شده باعث تزریق پول به اقتصاد شهرهایی می‌شد که وقف پول در آن صورت می‌گرفت. اوقاف پول را نیکوکارانی تأسیس می‌کردند که مبلغ معینی از پول را به اهداف خیرخواهانه اختصاص می‌دادند. مبلغ بخشیده شده باید مال شخصی بوده و سرمایه‌ی وقف که به قرض گیرندگان منتقل می‌شد، پس از مدتی معین - اغلب یک سال - اصل آن، افزون بر مبلغ مشخص «مازاد»، به متولی وقف باز می‌گشت تا «اصل» و «مازاد» دوباره در کارهای خیریه استفاده شود.

پرسش اینجاست که آیا این مازاد را باید بهره‌ی معمول نامید یا چیز دیگر؟

«استغلال» در ظاهر برای فروش به‌کار می‌رفت. قرض‌گیرنده، ملکی را در ظاهر به‌صورت فروش، اما در واقع به شکل رهن، در اختیار قرض‌دهنده می‌گذاشت. اگر قرض‌گیرنده، بدهی خود را پس از یک سال می‌پرداخت، ملک مسترد می‌شد. در ضمن، قرض‌دهنده همان ملک را به قرض‌گیرنده اجاره می‌داد (به‌طوری که قرض‌گیرنده می‌توانست از منافع آن استفاده کند) و اجاره آن هم اغلب ده درصد قرض بود. خلاصه آنکه در این جا بهره‌ای داریم که حاصل قرض است و «استغلال» نامیده می‌شود و ملکی که به‌صورت وثیقه در اختیار وام‌دهنده قرار می‌گیرد.

اما این‌که چرا اوقاف به جای استغلال از مضاربه که کاملاً مشروع است استفاده نمی‌کردند و به استغلال روی آورده بودند؟ جوابش این است که احتمالاً آن‌ها از خطرات مشارکت به نحو «مضاربه» نگران بودند و به سبب احتمال چنین خطرهایی، به جای عملی ساختن «مضاربه» که کاملاً شرعی است، به «استغلال» روی آوردند. چون «استغلال»، مستلزم ارائه‌ی وثیقه‌ی قابل توجه به شکل یک خانه و یا اشیای دیگری وثیقه‌ی بود، قرض‌گیرنده محدودیت داشت. اگر قرض‌گیرنده، خانه‌اش را به صورت تضمین ارائه نمی‌کرد، نمی‌توانست از صندوق وقف قرض بگیرد (سعادت‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

دکتر منذر قهف پیرامون رواج پول در کشورهای اسلامی می‌گوید:

وقف نقود به شکل دقیق در بسیاری از بلاد اسلامی در میان حنفیه و مالکیه که آن را معجز می‌دانند، وجود داشته است. از جمله می‌توان به رواج وقف نقود در مصر و ترکیه از بلاد مشرق، و اندلس از بلاد مغرب نام برد (سعادت‌فر، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

#### ۱-۵. اهداف وقف

وقف به لحاظ مصالح عمومی از دیرباز موارد استفاده متنوعی داشته و رایج‌ترین موارد مصرف آن عبارت است از موارد زیر:

تعلیم و تعلم رایگان (احداث مدارس و تهیه امکانات تحصیل برای جویندگان علم و دانش).  
 زاویه‌ها مراکز بی‌بهره‌اند که برای تحصیل علم، عبادت و خدمت رایگان به وجود آمده و مانند سفره‌ای رنگین در اختیار عموم بوده‌اند.  
 تهیه آب و آبیاری اراضی کشاورزی و مانند آن.  
 تأسیس کاروان‌سراها در مسیر کاروان‌ها و قافله‌ها.  
 مواردی از قبیل معالجه و درمان بیماران، کمک به زوار و مسافران، همدردی با فقرا و مستمندان.

#### ۱-۶. انواع وقف

تقسیم وقف به اعتبار موقوف‌علیهم

وقف خاص: وقف بر شخص و اشخاص؛ مثل وقف بر اولاد و طلاب.

وقف عام: وقف بر جهات و مصلحت عامه مسلمین؛ مثل وقف مسجد و مدرسه.

تقسیم وقف به اعتبار مدت زمان موقوف مؤبد: وقفی که قید زمان ندارد. این تفاوت وقف و حبس است و تأیید از شرایط وقف است.

وقف موقت: وقفی که پس از سپری شدن زمانش و انقضای مدت آن، موقوفه از وقفیت خارج می‌گردد.

تقسیم وقف به اعتبار نوع موقوفه  
وقف اموال غیر منقول: وقف اموالی که به صورت ملک ثابت الاصل باشد، مانند وقف خانه و زمین.

وقف اموال منقول: وقف اموالی که نقل و انتقال آن بدون این که تغییر یابد، ممکن باشد.

### ۷-۱. تفاوت حبس و وقف

در بیان فرق وقف و حبس، این گونه گفته‌اند: هرگاه شخص مالی را به مدت معینی حبس کند و منافع آن را به نفع افراد معینی به جریان اندازد، از نظر تحلیل حقوقی وقف تحقق نیافته است چنین مورد را تحت عنوان «حبس» نام می‌برند. اما اگر مال به طور کامل از ملکیت خارج گردد، که مقید به زمان نباشد، وقف تحقق یافته است. بنابراین، رابطه حبس با وقف، عموم و خصوص مطلق است یعنی هر وقفی حبس است و بر عکس.

### ارکان وقف

بنابر قول اکثر فقهاء ارکان وقف چهار چیز است:

- صیغه وقف؛
- موقوف (مال به وقف داده شده)؛
- واقف؛
- موقوف علیه.

### صیغه وقف

وقف با لفظ «وقف» تحقق پیدا می‌کند و این لفظ صراحت در وقف دارد و به هیچ قرینه لغوی، شرعی و عرفی احتیاج ندارد. به قول محقق حلی لفظ صریح در وقف، «وقف» است

ولا غیر (حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۴۳). بعضی از فقهای امامیه فرموده‌اند که در وقف مسجد و مقبره احتیاج به صیغه نیست یعنی اگر کسی مسجد را بنا کند و به مردم اجازه اقامه نماز بدهد و یا قطعه زمینی را جهت دفن اموات اختصاص دهد و اجازه دفن بدهد این عمل به تنهایی در تحقق وقف کفایت نموده و احتیاجی به گفتن لفظ وقت نیست.

#### شرایط وقف

در باره وقف احکام و شرایطی زیادی بیان شده است که در این قسمت خلاصه آن شرایط را به نقل از جواهر الکلام بیان می‌کنیم (نجفی، ۱۴۱۱، ج ۲۸، ص ۵۳).

#### شرایط مال موقوفه

عین موقوفه و محبوسه طبق نظر فقهاء باید شرایط زیر را داشته باشد:

الف) عین باشد (وقف طلب، یا مال مجهول صحیح نیست)؛ ب) واقف مالک باشد؛ ج) انتفاع از آن متوقف بر زوالش نباشد؛ د) بتوان آن را به قبض موقوف‌علیهم داد.

#### شرایط واقف

با مراجعه به آرای فقهاء شرایط ذیل را برای واقف می‌توان احصا کرد:

الف) بالغ باشد؛ ب) عاقل باشد؛ ج) مختار باشد؛ د) محجور نباشد.

#### شرایط موقوف‌علیه

برای موقوف‌علیه نیز چند شرط بیان شده است که بدون تفصیل بیان می‌گردد:

الف) موجود بودن؛ ب) معین بودن؛ ج) اهلیت تملک داشتن؛ د) وقف بر آن‌ها حرام نباشد (کافر حربی)؛ ه) عدم عینیت واقف و موقوف‌علیه.

## ۲. اقوال فقهاء در باره وقف پول

در خصوص وقف نقود (درهم و دینار) و به تبع آن پول‌های رایج و اعتباری این زمان و نیز اوراق بهادار مثل اوراق مشارکت و قرضه، بین فقهاء اختلاف است. اگر با دقت بیشتر به آرای فقهاء در این موضوع نگریسته شود، عبارات ایشان به چهار دسته زیر قابل تقسیم است:

۱. گروهی از فقهاء، وقف درهم و دینار را به طور مطلق جایز ندانسته‌اند. از جمله:

■ الف. شیخ طوسی در مبسوط می‌فرماید:

أما الدنانير والدرهم فلا يصح وقفهما بلاخلاف، وفيهم من قال يصح وقفهما و هو شاذ، وانما قلنا لا يجوز لأنه لا منفعة لهما مقصودة غير التصرف فيها (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۸).

ابن ادریس و ابن زهره نیز همین عبارات را دارند.

■ ب. صاحب شرایع می‌فرماید:

هل يصح وقف الدنانير والدرهم؟ قيل: لا، وهو الأظهر، لأنه لا نفع لها الا بالتصرف فيها. وقيل: يصح، لأنه قد يفرض لها نفع مع بقائها (حلی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۴۴).

■ ج. ابن براج در المذهب می‌فرماید:

لا يجوز وقف ما لا ينتفع به الا باستهلاك عينه كاللدنانير والدرهم وما يؤكل و يشرب و ما أشبه ذلك (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۸۷).

۲. برخی از فقهاء نسبت به وقف درهم و دینار اشکال دارد. از جمله:

■ الف. علامه در قواعد می‌نویسد:

في الدرهم والدنانير اشكال (حلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۶۹).

فخرالمحققین در تبیین اشکال علامه چنین می‌نگارد:

منشأ أنه هل يصح أن يكون لها منفعة حكمية معتبرة في نظر الشرع مع بقاء عينها أم لا (فخر المحققين، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۸۹).

«منشأ اشکال در وقف درهم و دینار این است که آیا درهم و دینار دارای «منفعت حکمی» مشروعی هستند که با انتفاع از آن‌ها، عین آن‌ها باقی بماند یا خیر؟ در صورت وجود چنین منفعتی، وقف درهم و دینار صحیح خواهد بود و در غیر این صورت باطل است.»

■ ب. فیض کاشانی نیز در مفاتیح می‌فرماید:

في الدرهم والدنانير قولان: للجواز امکان الانتفاع بهما مع بقاء عينهما. وللمنع منع كون ذلك مقصودا للعقلاء (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۰۸).



۳. برخی از فقهاء با فرض وجود منفعت صحیح عرفی، وقف درهم و دینار را جایز می‌دانند.

■ الف. شهید اول در دروس می‌فرماید:

یصح وقف الدراهم والدنانیر ان كان لها منفعة حکمیة مع بقاء عینها کالتحلی بها (شهید اول، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۲۶۹).

■ ب. محقق ثانی در جامع المقاصد چنین فرموده است:

الحق أنه ان كان لهما منفعة مقصودة عرفا سوي الانفاق صح وقفهما و الا فلا (محقق ثانی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۵۸).

■ ج. آیت الله خوئی (قده) نیز در منهاج، وقف درهم و دینار برای زینت را جایز دانسته،

اما وقف آن دو برای حفظ شأن را مشکل دانسته است. ایشان می‌نویسد:

يجوز وقف الدراهم والدنانیر اذا كان ينتفع بها في التزیین، وأما وقفها لحفظ الاعتبار ففيه اشکال (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۳۹).

■ د. شهید سید عبدالاعلی سبزواری در مهذب الاحکام می‌نویسد:

يجوز وقف الدراهم والدنانیر ان فرض لهما منافع صحیحة شرعیة (سبزواری، ۱۴۱۶، ج ۲۲، ص ۴۵).

۴. عده‌ای از فقهاء، با پذیرش وجود منفعت صحیح عرفی، وقف را جایز دانسته است. از

جمله:

■ الف. علامه حلی در تحریر می‌فرماید:

الذهب والفضة ان كان حلیا صح وقفه اجماعا. وان كان دنانیر أو دراهم قیل: لا یصح لأن الانتفاع بها انما یصح باخراجها، ولو قیل بالجواز لا مکان الانتفاع بها ولو فی شیء قلیل، كان وجهها (حلی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۱۲).

■ ب. شهید ثانی در حاشیه شرایع در ذیل عبارت: «هل یصح وقف الدنانیر و الدراهم»،

می‌فرماید:

الأقوي الجواز لفائدة التحلي بها والتزيين، والضرب علي سكتها ونحو ذلك. فان هذه منافع مقصودة وان كان غيرها أقوي. نعم لو انتفت هذه المنافع عادة في بعض الأزمان والأمكنة، اتجه القول بالمنع (شهيدثاني، ۱۴۲۲، ص ۵۲۰)؛ أقوي جواز وقف درهم ودينار به منظور استفاده از آن‌ها براي زينت و يا ضرب سكه و مانند آن است؛ چرا كه اين‌ها منافع مطلوبي هستند كه چه بسا مورد غرض قرار مي‌گيرند، گرچه تعلق غرض به غير اين‌ها از منافع رواج بيشتري داشته باشد. بله، اگر چنين منافعي در برخي از زمان‌ها يا مكان‌ها منتفي باشد، قول به بطلان وقف در هم ودينار موجه خواهد بود.

■ ج. سبزواري هم در كفايه مي‌فرمايد:

في صحة وقف الدرهم والدنانير قولان، أوجههما الصحة لا مكان الانتفاع بها في التحلي (سبزواري، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۱۳۹).

■ د. صاحب مناهل نیز قول به صحت را اقرب دانسته، می‌گوید:

المسألة في غاية الاشكال ولذا توقف فيها في القواعد والايضاح فلا ينبغي فيها ترك الاحتياط ولكن القول بالصحة أقرب (طباطبائي، بی‌تا، ص ۴۹۵).

■ هـ. صاحب جواهر هم وقف درهم ودينار را جايز دانسته و در تأييد آن به «اجماع بر

جواز عاريه ي درهم ودينار و عدم احتمال فرق بين عاريه و وقف»؛ تمسك کرده است (نجفی، ۱۴۱۱، ج ۲۸، ص ۱۸). صاحب عروه (قده) در اين باره چنين نوشته است:

الأقوي جواز وقف الدرهم والدنانير لا مكان الانتفاع بها مع بقاء عينهما بمثل التزيين وحفظ الاعتبار، كما يجوز عاريتها، كما يظهر من بعض الأخبار، فالقول بعدم الجواز ضعيف (يزدي، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۶).

برخي از فقهاء از درهم ودينار كه داراي ارزش ذاتي هستند تعدي کرده و حكم آن را در مورد «وقف فلوس» كه تقريبا همانند «اسكناس» داراي ارزش اعتباري است نیز جاري دانسته‌اند.

از جمله مامقاني در مناهج المتقين مي‌نويسد:

یصحح علی الأظهر وقف الدنانیر و الدراهم لنفع مقصود كالضرب علی سکتها و اظهار الغنی بهما دفعا للشماتة، و التزیین بهما و نحو ذلك اذا عین تلك المنفعة فی العقد و لو أطلق الوقف حینئذ ففی الصحة تردد بل منع. و یعتبر العلم بترتب تلك المنفعة علی وقفها. و لا یصح وقفها للانفاق فی الخیرات. و مثلها فی الفلوس (مامقانی، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲). صاحب مناهل نیز با تعبیر «یلحق بهما فی الفلوس فی جمیع الأحکام» حکم فلوس را همانند درهم و دینار دانسته است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۴۹۵).

این خلاصه آرا و اقوال فقهاء در باره صحت و عدم صحت وقف درهم و دینار و پول‌های اعتباری بود. قاعدتا در پس پرده این اقوال ادله فراوان نهفته است که فقهاء با استناد به آن ادله، معتقد به این اقوال شده‌اند. در ادامه به ادله قایلین به صحت و عدم صحت وقف پول و درهم و دینار پرداخته می‌شود.

از آنجا که معتقد به صحت وقف پول هستیم و اقوال قائلین را تقویت می‌کنم؛ لذا ابتدا به بیان ادله صحت وقف پول‌های اعتباری پرداخته و پس از آن ادله مخالفین را مطرح و مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

## ۱-۲. ادله صحت وقف پول‌های اعتباری

همانطور که تاکنون معلوم شده وقف پول در فقه اسلامی تحت عنوان «وقف الدراهم و الدنانیر» مورد بحث قرار می‌گیرد در بحث زکات هم این‌گونه است ابتدا از زکات درهم و دینار بحث می‌شود و متعاقب آن زکات پول‌های اعتباری مطرح می‌گردد. قائلان به وقف درهم و دینار همان‌گونه که تاکنون کلمات شان آورده شد، وقف درهم و دینار را برای انتفاعاتی مانند: تزئین، حفظ شأن و ضرب سکه جایز دانسته‌اند؛ اما هیچ‌کدام از فقهای غیر معاصر از انتفاعاتی مانند: وقف پول برای مضاربه و استفاده از سود حاصل در جهت موقوف علیهم، وقف پول برای اعطای وام به موقوف علیهم و یا وقف پول برای اینکه از آن به‌عنوان رهن استفاده شود، ذکر به میان نیاورده‌اند؛ حتی از میان کسانی که وقف درهم و دینار را جایز دانسته‌اند، برخی تصریح نموده‌اند که درهم و دینار وقفی را نمی‌توان به دیگری قرض داد و یا با آن خرید و فروش نمود

و یا آن را به رهن گذاشت.

کاشف الغطاء در تحریرالمجلة چنین می نویسد:

یصح وقف الدراهم و الدنانیر اذا أمکن الانتفاع بها منفعة محللة مع بقاء عینها،  
ولکن لا یصح بعد وقفهما الشراء بها ولا اقراضها ولا رهنها لأن الوقف لا یصلح  
للنقل و الانتقال. نعم یصح اعارتها و اجارتها و نحو ذلك مما لا یوجب نقل عینها  
(کاشف الغطاء، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۷۸).

نکته مهم در کلام ایشان این است که اجاره صحیح است چون باعث انتقال نمی شود. بعدا  
به همین فقره از کلام ایشان استدلال خواهیم نمود که، وقف پول هم باعث انتقال آن نمی شود  
و در عین حال برای موقف علیهم کلی سود و نفع هم دارد. پیش از بیان ادله صحت وقف پول،  
به بخش های از کلام فقهاء اشاره خواهیم نمود.

شیخ طوسی در خلاف می فرماید:

یجوز وقف الأرض و العقار و الدور و الرقیق و السلاح و کل شیء یبقی بقاء  
متصلا و یمكن الانتفاع به (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۴۱).

در مبسوط نیز چنین فرموده است:

کل عین جاز بیعها و أمکن الانتفاع بها مع بقائها المتصل فانه یجوز وقفها اذا  
كانت معینة (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۷).

ابن حمزه در وسیله «صحة البقاء علی الوقف بقاء متصلا یمکن الانتفاع به» را از جمله  
شروط عین موقوفه ذکر نموده است (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۳۶۹).

■ د. عبارت راوندي در فقه القرآن نیز چنین است:

یجوز وقف الأراضي و العقار و الرقیق و الماشیة و السلاح و کل عین یبقی بقاء  
متصلا و یمكن الانتفاع بها (راوندي، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۸۲).

علت قید «متصلا» این است که، در قرض پول، اصل مال قرض داده شده پس از مدتی  
عودت داده می شود. در مضاربه نیز اصل درهم و دینار وقفی پس از پایان مضاربه عودت داده  
می شود. بنابراین انتفاع از درهم و دینار، وقفی برای قرض دادن یا مضاربه، منافاتی با بقای عین

ندارد. فقهاء برای اینکه این موارد را به‌طور قاطع از زمره‌ی انتفاعات جایز خارج نمایند، تعبیر به لزوم بقای متصل مال موقوف در حال انتفاع از آن نموده‌اند. در برابر این استدلال باید گفت که:

اولاً، بحث انتفاع از پول داخل در شبهه موضوعیه است و مربوط به عرف می‌شود که از حیثه بحث فقهاء خارج است. ثانیاً، این قید «اتصال» هیچ دلیلی ندارد. روایت فقط می‌گوید «تحبیس الاصل و تسبیل المنفعة» اما این‌که در فاصله زمانی بین منفعت بردن و عودت پول هیچ تغییر شکلی حاصل نشود، از روایات فهمیده نمی‌شود.

در قرآن کریم در باره وقف آیه‌ی وجود ندارد اگرچه می‌شود آیاتی را که در باره اهمیت و جایگاه انفاق است برای مشروعیت آن ذکر کرد. در باره مشروعیت وقف که یک امر امضایی است بین فقهاء اختلافی نیست و روایات متفاوتی از پیامبر اسلامی (ص) ائمه (ع) رسیده است. شهید بهترین و عام‌ترین روایت همانی است که در آغاز بحث پیامبر نقل شده است که فرموده است: حبس الاصل و سبیل الثمرة. به همین ترتیب در باره وقف پول‌های اعتباری هم قطعاً روایتی وجود ندارد بلکه بر اساس عمومات و اطلاق ادله به این جا می‌رسیم که وقف پول شرایطی را که فقهاء برای موقوف ذکر کرده‌اند دارا می‌باشد.

همانطور که بیان شد بین فقهاء در باره وقف درهم و دینار اختلاف است که اکثر اختلافات ناشی از تعریف و شرایطی است که با توجه به روایات باب وقف برای وقف بیان کرده‌اند. (در بیان ادله صحت ما به دنبال این مطلب هستیم که وقف پول با توجه به تعریف و شرایط که برای وقف ذکر شده صحیح می‌باشد؛ یعنی این شرایط مخالف وقف پول نیست و شاملش می‌شود اما نگاه‌ها متفاوت است) اخذ شده اما در باره شرایط موقوف به وقف پول اعتباری بین فقهاء اختلاف است که بیان شد. اما بار ادله مخالفین، وقف پول مشمول اطلاق ادله وقف قرار می‌گیرد به هر حال کسانی که معتقد است به صحت وقف نقود و بالتبع آن پول‌های اعتباری، دلایلی زیر را برای اثبات این مدعا اقامه کرده‌اند که اینک به ذکر آن‌ها می‌پردازم.

#### ۱-۱-۲. دلیل اول: ملازمه بین وقف و عاریه

یکی از ادله‌ی که برای جواز وقف پول می‌توان ذکر کرد، ملازمه‌ی بین عاریه و وقف است. در عبارات فقهاء آمده بود که صحت عاریه‌ی درهم و دینار اجماعی است و «کل ما یصح عاریته

یصح وقفه». سابقاً دیدیم که صاحب جواهر، وقف درهم و دینار را جایز دانسته و در تأیید آن به اجماع بر جواز عاریه‌ی درهم و دینار و عدم احتمال فرق بین عاریه و وقف تمسک نموده است (نجفی، ۱۴۱۱، ج ۱۸، ص ۲۸). برخی فراتر رفته، منفعت معتبر در وقف را اعم از منفعت معتبر در عاریه و اجاره می‌دانند؛ از جمله مرحوم اصفهانی در «وسیلة النجاة» می‌نویسد:

المنفعة المقصودة في الوقف اعم من المنفعة المقصودة في العارية والاجارة فتشمل الثمرات و الثمرات فیصح وقف الأشجار لثمرها و الشاة لصفوها و لبنها و نتاجها و ان لم یصح اجارتها لذلك (اصفهانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۱۴۳). امام خمینی (قده) در تحریر الوسیله نیز همین قول را پذیرفته است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۷).

اگر اجاره درهم و دینار جایز باشد، یقیناً و به طریق اولی وقف آن هم جایز است چون منافع که در وقف است در اجاره نیست و این می‌رساند که وقف پول مخالف روایت «حبس الاصل و سبل الثمرة...» نیست و برای ما همین کافی است که مخالف شرایط مذکور برای وقف نباشد.

#### ۲-۱-۲. دلیل دوم: تمسک به عموماًت

دلیل دوم صحت وقف پول، تمسک به عموماًت وارده در باب وقف مانند: حبس الاصل و سبل الثمرة (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۴۹) و نیز الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹، ص ۱۷۵) است. پول (و یا درهم و دینار) همانند سایر اموال است و عموماًت صحت وقف آن را شامل می‌شود. صاحب مناهل تمسک به دلیل مزبور را در زمهری ادله‌ی قائلان به صحت وقف پول ذکر کرده است (طباطبایی، بی‌تا، ص ۴۹۵) با توجه به منافی که وقف پول دارد و می‌شود از وقف کردنش آن منافع را در جهت اهداف وقف قرارداد، وقف پول مشمول این عموماًت وقف قرار می‌گیرد خارج کردن دلیل می‌خواهد که در این جا مفقود است.

#### ۲-۱-۳. دلیل سوم: تفاوت وقف نقود و سایر اعیان

دلیل سومی که برای صحت وقف پول می‌شود ذکر کرد این است که باید بین وقف نقود و وقف سایر اعیان موقوفه تفاوت قایل شد زیرا این تفاوت وجود دارد چون وقف نقود از قبیل وقف مالیت است و با وقف سایر اعیان که وقف رقبه‌ی مال است، متفاوت می‌باشد. در وقف رقبه‌ی، اصل رقبه مال می‌باید با وجود انتفاع باقی بماند؛ ولی در وقف مالیت، بقای مالیت، با وجود انتفاع کافی است.

در همین رابطه یکی از محققین، با اشاره به سابقه‌ی تاریخی وقف پول، آن را از قبیل «وقف مالیت» دانسته و بر صحت آن به همین تفاوت بین ودیعه‌ی اعیان و ودیعه‌ی نقود - از این حیث که منظور از اولی حفظ عین و مقصود از دومی حفظ مالیت است - استدلال نموده است و می‌گوید:

اگر کسی فرش یا کتاب خود را نزد کسی امانت گذاشت، منظور حفظ عین آن‌هاست، نه مالیت آن‌ها. هرگاه کسی مبلغی وجه نقد رایج به ودیعه گذارد، نظر به عین آن‌ها نیست؛ بلکه مالیت آن‌هاست. اگر نوع وجه رایج در شرف تغییر و تبدیل باشد، مقتضی امانت این است که آن‌ها را به نوع رایج تبدیل کند و در غیر این صورت ضامن خواهد بود. با تجویز وقف مالیت مال، ممکن است اشخاص خیرخواه مبلغی را به بانک یا مؤسسات بپردازند که اصل آن محفوظ و درآمد آن به مصرف امور اجتماعی [مانند: رفع گرفتاری نیازمندان، یا کمک به اهل کسب و کار، یا رفع گرفتاری از زندانیان و غیره برسد و حتی ممکن است مالی اعم از منقول و غیر منقول وقف شود که درآمد آن در مقابل وثیقه بدون سود به نیازمندان وام داده شود و پس از مدتی وام مسترد گردد. یکی از امرای هند سال‌ها قبل وجوهی را در بانک تودیع، و مقرر نموده است که درآمد حاصله به مصارف خاصی از جمله سهمی بین علمای عتبات تقسیم گردد و با قبول آن از طرف علما وقف مالیت تجویز شده است (باقی، ۱۳۵۰، ص ۲۵). حائری یزدی نظیر استدلال شهرضایی را بیان و جواز وقف پول را تقویت کرده است و می‌گوید:

اگر ما وجود اعتباری اسکناس و سکه را (مخصوصاً در زمان حاضر) در نظر بگیریم و اینکه ارزش حقیقی در واقع از آن پشتوانه‌های این اوراق و سکه‌هاست (نه عین آن‌ها) به‌طوری که اگر کسی پولی را که از کسی (حتی به‌عنوان امانت) گرفته است، تعویض کند، طرف کمترین واکنشی نشان نمی‌دهد و آن را غیر از پول خویش نمی‌داند، (با توجه به این مطلب) آیا نمی‌توان این مسأله را مطرح ساخت که: چه اشکالی دارد کسی مثلاً یک میلیون تومان را وقف قرض‌الحسنه کند؛ آن را در مرکزی مثل بانک قرار دهد و از آن‌جا به‌عنوان قرض‌الحسنه در اختیار افراد قرار گیرد و قرض‌کنندگان هم بعد از رفع نیاز یا در موعد مقرر، آن را برگردانند؟ (باقی، شهرضایی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

و در جای دیگر می‌گوید:

وقف درهم و دینار و در زمان حاضر اسکناس و به‌طور کلی پول رایج برای مضاربه و انفاق سود آن و نیز برای وام قرض‌الحسنه، نه با اصول و مقتضای وقف، ناسازگار است و نه با حکم و اصلی از احکام و اصول اسلامی. حداقل مسأله قابل بحث و بررسی و تأمل بیشتر است (باقی شهر رضایی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۸).

یکی از محققین، از چهار تن از آیات عظام پیرامون وقف پول استفتاء نموده است. سه تن از آنان با استدلال به حدیث «تحبیس الاصل و تسبیل الثمره»، گفته در وقف پول تحبیس الاصل محقق نمی‌شود فلذا با آن مخالفت ورزیده‌اند؛ ولی آیت الله صانعی با این استدلال که «غرض واقف در وقف پول، وقف مالیت است [و مالیت پول باقی است] و آنچه از بین رفتن آن با وقفیتش منافات دارد، وقف عین است»، وقف پول را صحیح دانسته است (میراث جاویدان، ۱۳۸۰، ص ۱۴۴).

#### ۴-۱-۲. دلیل چهارم: بقای عنوان کلی پول

یکی دیگر از محققین، ضمن تعرض به شرایط عین موقوفه، به بررسی فقهی وقف پول پرداخته و با این استدلال که پول در گردش خود بر روی «کلی» - نه جزئی و شخصی - دور می‌زند (و کلی با وجود مصرف آن، باقی است) وقف پول را برای اعطای تسهیلات تجویز کرده است و می‌گوید:

اشکال در وقف پول این است که وقتی از پول منتفع می‌شویم که آن را خرج کنیم و چون خرج کردیم پول از بین می‌رود، و دیگر باقی نمی‌ماند؛ ولی باید گفته شود که باقی بودن هر چیز به فراخور خود آن چیز است و بنابراین می‌توان گفت پول در گردش خود بر روی کلی - نه جزئی و شخصی - دور می‌زند، و چه اشکالی دارد که ده‌ها میلیون پول خود را برای نیازمندان وقف کند و در بانکی نگهداری شود تا هر نیازمندی برای رفع حاجت از آن استفاده کند و در سرمدتی که از قبل معین شده است، مثل آن را به بانک بپردازد؟ این‌گونه وقف را عرف عقلا می‌پذیرد؛ چون بسیار مفید و برای همیشه باقی و دایر است و هیچ حلالی و حرامی هم پیش نخواهد آمد (میراث جاویدان، ۱۳۷۳، ص ۱۰۶).

این استدلال یک استدلال اقتصادی و عقلی است و این‌که چقدر می‌تواند دلیل به حساب آید جای بحث دارد اما از این جهت که ناقض استدلال مخالفین است دلیل محکمی



به حساب می‌آید. در واقع جواب نقضی است بر استدلال آقایان که می‌گویند پول با وقف از بین می‌رود. اندیشمندان علوم اقتصادی اثبات کرده است که پول موجود نه تنها از بین نرفته که با سرعت خاصی که دارد می‌توان حدس زد که با تورم مواجه خواهیم بود و بر اساس این واقعیت بانک‌های مرکزی دولت‌ها از جمله دول اسلامی، برنامه‌ریزی دارد که با توجه به مقدار پول در گردش و سرعت این گردش باید چه مکانیزمی را اتخاذ کرد تا از آثار تورمی کاسته شود و یا بانک‌ها را ملزم به پرداخت چند درصد ذخیره قانونی می‌کند تا جلوی بیش از حد خلق پول را بگیرد.

فرمول:

طبق این فرمول نه تنها پول از بین نمی‌رود که هر چه بیشتر انتشار داده شود به حجم آن افزوده می‌گردد. امروز این که مدیران بانک‌ها چنین آقایی می‌کند و میلیون‌ها پول را مفت به جیب می‌زند در اثر گردش پول و خلق پول است. سال گذشته رییس بانک ملی هشتاد میلیون تومان فقط پاداش دریافت می‌کند به خاطر که در جذب حجم زیادی اعتبارات و منابع بانکی موفق بوده است. امروز در قم بین مدیران بانک‌ها رقابت است بین جذب پول‌های مراجع و نهادهای بزرگ، چرا؟ چون به صرف همین گردش مالی وجوهات بیش از صدها میلیون سود می‌برد؛ لذا هریک در تلاش است که با چه مکانیزمی نظر آقا را جلب کند تا فقط پول‌هایش در بانک آن‌ها باشد. یکی از مدیران بانک قم می‌گفت اگر آقای مکارم شیرازی وجوهات و شهریه طلبه‌ها را از طریق بانک «الف» پرداخت کند فقط ماهی به هزار طلبه وام دو میلیونی می‌دهم. این حرف‌ها در تأیید گفته‌های فوق بود و این که پول خاصیتی دارد که با قرض و مضاربه از بین نمی‌رود و مهم آن مالیت است نه عینیت؛ لذا منافات با شرایط وقف و روایات این باب ندارد.

#### ۵-۱-۲. دلیل پنجم: عمومات صحت عقد

دلیل پنجم صحت وقف پول این است که بر فرض، ادله‌ی اقامه شده بر صحت وقف پول را ناکافی بدانیم، با استفاده از عمومات صحت عقد آن را به‌عنوان عقده‌ی جدید تصحیح می‌نماییم. صاحب مناهل این دلیل را در زمره‌ی ادله‌ی صحت وقف پول ذکر نموده و از جمله

عمومات مزبور به آیه‌ی وفای به عقد، حدیث سلطنه و حدیث «المؤمنون عند شروطهم» اشاره فرموده است.

آیت الله شعرانی می‌نویسد:

باید دانست که منافع و نمائات املاک وقف مانند: میوه و محصول باغ و غلات زمین و شیر و پشم گوسفند که قابل خرید و فروش است و همچنین جایی که فروش آلات ملک وقف جایز باشد و قیمت آن، باید به مصرف وقف برسد یا ملک دیگر خریده شود. در همه‌ی این امور مالیت مشترک میان میوه و قیمت آن، خاص مصارف وقف است، نه عین میوه و غیر آن. پس تعقل می‌شود مالیت مشترک میان اصل و بدل را برای مصارفی معین قرارداد و تعیین این‌گونه اموال برای آنکه منافع آن صرف خیرات شود، نامشروع نیست گرچه آن را وقف ننماییم؛ اما واجب‌العمل است؛ چون عقده‌ی است مشروع، و عملی است در راه خدا و معقول، و المؤمنون عند شروطهم و آیه‌ی مبارکه اوفوا بالعقود شامل آن می‌شود و انفاق در راه خدا و خیرات به هر عنوان در قرآن و سنت مطلوب است؛ (شعرانی، بی‌تا، ص ۴۵۵).

## ۲-۲. بررسی و نقد ادله بطلان وقف پول

پس از ذکر اقوال فقهاء پیرامون وقف درهم و دینار و نیز ادله قائلین به صحت وقف، اکنون به ادله‌ای که می‌توان بر بطلان وقف پول اقامه کرد، اشاره کرده و به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

### ۱-۲-۲. دلیل اول: عدم «عین» بودن پول‌های اعتباری

یکی از شرط‌ها که برای موقوفه ذکر کرده‌اند، این است که مال موقوفه باید «عین» باشد و چون پول‌های اعتباری این شرط را دارا نیست و از «اعیان» نمی‌باشد، پس وقف‌شان جایز نبوده و آثار مال موقوفه را ندارد.

شرایط الموقوف أربعة: أن تكون عینا، مملوكة، ینتفع بها مع بقائها، و یصح اقباضها؛ مال موقوف باید دارای چهار شرط باشد:

۱. عین باشد. ۲. واقف، مالک آن باشد. ۳. قابلیت بقا در برابر انتفاع داشته باشد. ۴. بتوان آن را تحویل داد (قابلیت اقباض داشته باشد) (حلی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۴۳).

ابن ادریس می‌نویسد:

بلاخلاف بیننا لایجوز وقف الدراهم و الدنانیر؛ لأن الوقف لایصح الا فی الأعیان التي یصح

الانتفاع بها مع بقاء أعيانها؛ بدون اختلاف وقف درهم و دینار جایز نمی‌باشد زیرا وقف فقط در اعیان صحیح است چون منافع دارد (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۷۹).

این شرایط را تعداد زیادی از فقهاء ذکر کرده‌اند.

ارزیابی این دلیل

اما این استدلال (که موقوفه از اعیان باشد) تمام نیست؛ زیرا «عین» در اینجا در مقابل «دین»، «منفعت» و «کلی» است که وقف آن‌ها صحیح نیست، نه اینکه مراد از «اعیان» در مقابل «نقود» باشد.

صاحب جواهر در ذیل عبارت شرایع چنین فرموده است:

فلا يصح وقف ما ليس بعين كالدين معجلة ومؤجلة علي الموسر والمعسر، وكذا الكلي كما لو قال: وقفت فرسا أو ناضحا أو دارا ولم يعين؛ و ان وصفها بأوصاف معلومة، بل وكذا المنفعة، لأن العين تطلق في مقابل الثلاثة التي لا يصح وقف شيء منها (نجفی، ۱۴۱۱، ج ۲۸، ص ۱۴).

همانطور که در عبارات صاحب جواهر روشن است که مراد از «عین» در مقابل کلی، منفعت و دین است. پس با این دلیل نمی‌توان بطلان وقف درهم و دینار و نیز بطلان وقف پول‌های اعتباری را اثبات کرد.

## ۲-۲-۲. دلیل دوم: لزوم قابلیت بقا

دلیل دومی که ممکن است بر بطلان وقف پول مطرح شود، منافات وقف پول با شرط سوم مال موقوفه یعنی «لزوم قابلیت بقای آن در برابر انتفاع» است. پیش از بررسی دلیل دوم، به باب اجاره مرجعه می‌کنیم. آنجا نیز فقهاء همین شرط را مطرح کرده است که مال مورد اجاره باید دارای منفعتی باشد که با انتفاع از آن، عین آن باقی بماند؛ لذا صحت اجاره‌ی درهم و دینار از این جهت مورد بحث واقع شده و فقهاء بحث کرده‌اند که آیا درهم و دینار دارای منفعتی هستند که با انتفاع از آن‌ها، عین آن‌ها باقی ماند و بر این اساس اجاره آن‌ها صحیح باشد؟

شیخ طوسی در مبسوط پیرامون اجاره درهم و دینار چنین می‌فرماید:

يجوز اجارة الدراهم والدنانير لأنه لا مانع منه، ولأنه يصح الانتفاع بها من غير استهلاك، مثل الجمال والنظر والزينة وغير ذلك (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۰).

ابن‌ادریس در ذیل کلام شیخ چنین می‌نگارد:

الذي يقوي في نفسي بعد هذا جميعه أن الدنانير و الدراهم لا يجوز اجارتها، لأنه في العرف المعهود لا منفعة لها الا باذهاب أعيانها، و أيضا فلاخلاف أنه لا يصح وقفهما، فلو صح اجارتها صح وقفهما، فأما المصاغ منهما فانه يصح اجارته، لأن له منفعة يصح استيفائها مع بقاء عينه (ابن سرائر، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۵). همچنین ایشان در آخر باب اجاره در ذیل کلام شیخ در خلاف: «يجوز اجارة الدراهم و الدنانير. (ابن ادريس، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۹). این گونه نگاشته است: هذا غير واضح، لأنه بلاخلاف بيننا لايجوز وقف الدراهم و الدنانير؛ لأن الوقف لا يصح الا في الأعيان التي يصح الانتفاع بها مع بقاء أعيانها، فاذا جاز عنده رضي الله عنه اجارتها جاز وقفها، و هو لايجوزه، و أيضا كان يلزم من هذا أن من غصب رجلا مائة دينار و بقيت في يد الغاصب سنة، ثم ردها علي المغصوب منه، أن يلزمه الحاكم بأجرتها مدة السنة، لأن المنافع عندنا تضمن بالغصب، و هذا لايقوله أحد منا، و لا من الأمة (ابن ادريس، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۹).

مرحوم علامه در مختلف پس از نقل کلام ابن‌ادریس می‌فرماید:

و تحقيقه مع قلته في نفس الأمر خطأ، أما؛ أولا: فللمنع من الملازمة بين الوقف و الاجارة، فان الوقف يصح اجارته و لا يصح وقفه، نعم كل ما يصح اعارته يصح اجارته. و أما ثانيا: فللمنع من عدم الزام الغاصب بالأجرة. و التحقيق أن نقول: ان كان لها منفعة مقصودة حكمية صحت اجارتها، و الا فلا. (حلی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۶۴).

مشاهده می‌شود که علامه اجاره درهم و دینار را اگر منافع حکمیه داشته باشد جایز می‌داند.

صاحب حدائق پس از ذکر عبارت علامه می‌گوید:

ظاهر منعه من عدم الزام الغاصب بالأجرة هو أن لها منفعة فيجب عليه الأجرة في مقابلة المنفعة التي فوتها علي المالك، مع أن ظاهر كلامه التوقف، حيث رتب الجواز علي وجود المنفعة و عدمه، و لم يحكم بشيء من الأمرين (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۱، ص ۶۰۹).

«ظاهر کلام علامه که غاصب دینارها را ملزم به پرداخت اجرت منافع می‌داند، آن است که دینارها دارای منفعتی هستند که غاصب باید در مقابل آن به مالک اجرت پرداخت نماید. در عین حال ظاهر عبارت اخیر علامه، توقف در مسأله است؛ زیرا حکم به جواز اجاره‌ی درهم

و دینار را بر وجود منفعت برای آن‌ها مترتب نموده و هیچ یک از این دو امر را اختیار نکرده است».

به‌طور کلی عبارت فقهاء پیرامون اجاره‌ی درهم و دینار نیز همانند وقف درهم و دینار، به چهارگونه تقسیم می‌شود:

۱. گروهی از فقهاء، اجاره‌ی درهم و دینار را به‌طور مطلق جایز ندانسته‌اند؛ از جمله ابن‌ادریس.

۲. عبارت برخی از فقهاء پیرامون اجاره‌ی درهم و دینار حاکی از تردید در آن است؛ علامه حلی.

۳. برخی با فرض وجود منفعت صحیح عرفی، قایل به جواز اجاره‌ی درهم و دینار شده‌اند.

۴. دسته‌ی چهارم به‌طور مطلق قایل به جواز اجاره درهم و دینار شده‌اند؛ از جمله شیخ طوسی در مبسوط و خلاف قایل به صحت اجاره‌ی درهم و دینار شده است.

دلیل شیخ طوسی در خلاف بر صحت اجاره‌ی درهم و دینار از این قرار است:

دلیلنا: أن الأصل جوازه، والمنع يحتاج الي دليل. ولأنه ينتفع بها مع بقاء عينها، مثل أن ينثرها ويسترجعها، أو يضعها بين يديه ليتجمل بها وغير ذلك (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۳، ۵۱۰).  
علامه نیز در ارشاد می‌فرماید:

يجوز استيجار الأرض لتعمل مسجدا و الدراهم و الدنانير (حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۳).

فیض کاشانی (قده) می‌نویسد:

المعتبر في الانتفاع أن يكون مما يحسن مقابلته بمال كائنا ما كان، فيجوز استيجار الدراهم و الدنانير للتزين و التجمل و اظهار الغناء و نحو ذلك، و كذا التفاح للشم، و الأشجار للاستغلال الي غير ذلك، لأن ذلك كله مما يقصده العقلاء (کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۰۳).

شهید ثانی هم در مسالک چنین می‌نگارد:

لما كان شرط العين المؤجرة امكان الانتفاع بها مع بقاء عينها، و كان الغرض الذاتي من هذين التقدين لا يتم الا بذهابهما، وربما فرض لهما منافع آخر مع بقاء عينها، بأن يتزين بهما و يتجمل، و يدفع عن نفسه ظاهر الفقر و الفاقة، فان دفع ذلك غرض مطلوب شرعا حتي كان الأئمة<sup>(ع)</sup> يقترضون أموالا و يظهرونها للناس أو يدفعونها الي عمال الصدقة، مظهرين

آن‌ها زکوة أموالهم لیظهر بذلک غناؤهم، و من جملة الأغراض المقصودة بها أيضا نثرها في الأعراس ونحوها ثم تجمع، و الضرب علي سکتها و نحو ذلك، فكان القول بجواز اجارتها قويا (شهیدثانی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۱۲).

چنانکه ملاحظه می‌شود منشأ اختلاف در اجاره درهم و دینار این است که آیا درهم و دینار دارای منفعتی هستند که با انتفاع از آن دو و اجاره دادن آن‌ها، عین آن‌ها باقی باشد یا خیر؟ نظیر این سؤال در وقف درهم و دینار هم مطرح است؛ یعنی اینکه آیا درهم و دینار دارای منفعتی هستند که با انتفاع از آن دو، عین آن‌ها باقی باشد؟

پرسش فوق از آنجا ناشی می‌شود که چنانکه در بیان دلیل اول بطلان وقف پول گذشت، یکی از شروط مال موقوف همانند مال مورد اجاره، لزوم قابلیت بقا در برابر انتفاع است. دلیل اشتراط هم به ماهیت وقف برمی‌گردد که «تحییس الأصل و تسبیل المنفعة» است؛ اگر اصل مال موقوف با انتفاع از آن باقی نماند، با ماهیت وقف که تحییس اصل است، منافات خواهد داشت.

منشأ اختلاف آرای فقهاء در اجاره و وقف درهم و دینار در واقع به نوع پاسخی برمی‌گردد که به سؤال بالا می‌دهند.

آن دسته از فقهاء که منفعت درهم و دینار را منحصر در خرج کردن دانسته و سایر انتفاعات از آن دورا ناچیز می‌شمارند، اجاره یا وقف درهم و دینار را جایز نمی‌دانند، و آن دسته که قایل به جواز اجاره یا وقف آن دو هستند، معتقدند که می‌توان از آن دو به گونه‌ای منتفع شد که عین آن‌ها باقی باشد و این انتفاعات گرچه اقوی از «استفاده از درهم و دینار برای خرج کردن» نیست، با این وجود فی نفسه قابل توجه و متعارف است؛ از قبیل استفاده از آن دو به منظور تزئین، یا تجمل، یا اظهار غنی بودن و مانند آن. در عین حال گویا هر دو دسته قبول دارند که استفاده از درهم و دینار برای تجارت و یا قرض دادن، از مصادیق انتفاع منافی با بقای عین است.

بدین ترتیب وقف پول برای قرض دادن - و به طریق اولی - تجارت کردن، نزد فقهاء صحیح نیست؛ زیرا انتفاعات مزبور منافی با بقای عین موقوف در حال انتفاع است. این عمده‌ترین دلیلی است که در کلمات فقهاء بر بطلان وقف پول مطرح شده است.

در پاسخ استدلال فوق بر بطلان وقف پول می‌گوییم: اگر پول به گونه‌ای وقف شده که با انتفاع از آن، از بین می‌رود، مانند وقف پول برای اینکه در قالب پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های تأمین اجتماعی (مثل پرداخت یارانه‌ها، پرداخت کمیته امام خمینی به افراد تحت پوشش شان) در جهت نیازهای مستمندان هزینه شود؛ یعنی با آن لوازم و مایحتاج مورد نیاز آنان خریداری گردد؛ چنین وقفی صحیح نیست. اما اگر مبالغی پول وقف گردد تا از محل آن به نیازمندان وام داده شود و یا وقف شود تا با آن سرمایه‌گذاری گردیده و درآمد حاصل از آن صرف نیازمندان شود، در این صورت هم اصل پول باقی خواهد ماند هم دارای منفعت بی‌شمار خواهد بود. بنابراین با شرط لزوم بقای مال موقوف در برابر انتفاع از آن منافاتی ندارد. در واقع اشکال مخالفین به این جا وارد نیست. به عبارت بهتر اصلاً باهم اختلاف نداریم آن‌ها می‌گویند چون پول از بین می‌رود و نقض غرض پیش می‌آید و شرط وقف مفقود است. اما ما می‌گوییم که خیر اصلاً وقف پول منافی شرط نیست یعنی پول از بین نمی‌رود که بگوییم وقف باطل است.

### ۲-۲-۳. دلیل سوم: ریسک زیان و ورشکستگی

اشکال دیگری که ممکن است در وقف پول مطرح شود، این است که طول عمر پول در صورت وام دادن و یا سرمایه‌گذاری با آن، به درازی طول عمر زمین یا خانه یا کاروان‌سرای که وقف می‌شود، نیست؛ زیرا وام دادن پول، آن را در معرض ریسک عدم بازپرداخت اصل سرمایه قرار می‌دهد و سرمایه‌گذاری با آن نیز، آن را با ریسک زیان و ورشکستگی مواجه می‌سازد. بنابراین بقای پول با وجود انتفاع از آن، در موارد مزبور محرز نیست.

پاسخ: اولاً قبول نداریم که طول عمر همه‌ی اعیانی که وقف آن صحیح شمرده شده است، از طول عمر نقود و پول‌های اعتباری زیاد است. بسیاری از اعیان که گفته‌اند وقف‌شان صحیح است و با ماهیت وقف منافات ندارد، مثل گل رز، درخت و یا بعضی از حیوانات، عمرشان از عمر نقود و پول اعتباری زیادتر نیست که بماند بلکه بسیار کمتر هم هست. از طرف دیگر عمر بسیاری از پول‌های کشورهای بیش از چند دهه بوده است. ریال ایران ۳۰ سال است و ادامه دارد دلار آمریکا و سایر پول‌ها. پس این جور نیست که همیشه طول عمر اعیان از طول عمر نقود بیشتر باشد.

ثانیا: بر فرض که طول عمر بعضی از اعیان بیش از طول عمر نقود - با فرض انتفاعات مذکور - باشد. با این وجود در موارد مزبور عرفا بقای مال در صورت انتفاع محرز می‌باشد. این گونه نیست که حال که طول عمر نقود و پول‌ها کمتر است از طول عمر اعیان، پس از مالیت و قابلیت انتفاع ساقط گردد.

هرگاه بقای عرفی مال در برابر انتفاع احراز شود، وقف صحیح است؛ هر چند به درازا نکشد و پس از مدتی عین از بین برود. بر این اساس است که وقف گل‌های باغ و حتی شاخه‌ای از آن بر بیماران یا عروسان مستمند درست است. لزوم ابدی بودن وقف با کوتاهی عمر موقوفه منافاتی ندارد؛ زیرا هر انتفاع محدود به عمر مالی است که موضوع آن قرار می‌گیرد و هیچ مالی برای همیشه باقی نمی‌ماند.

بنابراین؛ وقف پول با اشتراط دوام و تأبید وقف منافاتی ندارد؛ زیرا:

اولا: مراد از اشتراط دوام وقف، این است که وقف نباید مقید به زمان محدودی گردد و فرض این است که در وقف پول، وقف مقید به زمان محدودی نشده است.

ثانیا: مراد از لزوم تأبید وقف، دوام الوقف مادام الموقوف موجود است، می‌باشد نه علی‌الاطلاق.

صاحب حدائق می‌فرماید: لایشترط كون العين مما تبقي مؤبدا فیصح وقف العبد و الثوب و أثاث البيت و القفار، و ضابطة ما یصح الانتفاع به منفعة محللة مع بقائه، و التأبید المشتراط فی الوقف انما هو بمعنی دوامه بدوام وجود العين الموقوفة (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۲، ص ۱۷۹). «بقای ابدی عین موقوفه شرط نیست. بنابراین وقف مملوک و لباس و اثاث منزل و زمین صحیح است. ملاک در عین موقوفه هر آن چیزی است که انتفاع حلال با وجود بقای آن، ممکن باشد و ابدیت مشروط در وقف به معنی دوام وقف مادام الموقوف است».

با توجه به این که، مراد از دوام الموقوف نیز دوام آن مادام الانتفاع می‌باشد، نه علی‌الاطلاق و وقف پول با عدم اقتران به دلیل توقیت، دوام می‌یابد، لذا این دلیل مردود است و وقف پول صحیح می‌باشد.

#### ۲-۲-۴. دلیل چهارم: اجماع بر بطلان وقف پول

دلیل چهارمی که ممکن است بر بطلان وقف پول اقامه شود، ادعای اجماع بر بطلان آن است.



چنانکه در ذکر اقوال در وقف پول دیدیم در عبارت مبسوط، سرائر و غنیه ادعای عدم خلاف در بطلان وقف پول شده است.

طباطبایی در مناهل می‌گوید:

نبه في الغنية علي دعوي الاجماع علي عدم الجواز قائلا: لا يجوز وقف الدراهم و الدنانير بلا خلاف ممن يعتد به؛ ويعضد ما ذكره: أولاً أنه حكي في الدروس و جامع المقاصد عن المبسوط دعوي الاجماع علي المنع من ذلك الا ممن شذ؛ و ثانياً أنه لم نجد من أحد من المسلمين لا عينا و لا أثرا ارتكاب وقفهما فاستمرار المسلمين من زمن النبي (ص) الي الآن علي ترك وقفهما، يفيد اجماعهم علي عدم جوازه.

وقد يجاب عما ذكر: أولاً بعدم ظهور عبارة الغنية و المبسوط في دعوي الاجماع علي المنع من وقفهما بل غايتها دعوي الشهرة العظيمة علي ذلك، و في حجيتها اشكال. الا أن يقال أن الظاهر منهما الاستناد الي ما ذكره في اثبات المنع من وقفهما فلا يكون الا اجماعاً لأنهما لا يستندان الي الشهرة و ان كانت عظيمة، مضافاً الي أن التصريح بعدم الاعتداد بالمخالف و شذوذه يفيد ارادة الاجماع بل قد يدعي ظهور كلامهما في دعوي اجماع المسلمين علي المنع من ذلك. ثانياً بأن ما ادعياه من الاجماع علي تقدير تسليمه موهون بمصير الأكثر الي خلافه. و لا يندفع ذلك باستمرار السيرة علي ترك وقفهما، للمنع منها أولاً؛ و عدم دلالتها علي الاجماع ثانياً، خصوصاً مع ملاحظة مصير أكثر الأصحاب الي جواز وقفهما مع المصلحة؛ و عدم حجيتها في نفسها ثالثاً (طباطبایی، بی تا، ص ۴۹۵)

ابن زهره ادعای اجماع بر عدم جواز وقف درهم و دینار نموده است و می‌گوید: «وقف درهم و دینار صحیح نیست و خلاف معتابھی وجود ندارد.

مؤید کلام ابن زهره آن است که: اولاً در دروس و جامع المقاصد ادعای اجماع بر عدم جواز وقف درهم و دینار شده و قول مخالف را به شذوذ نسبت داده است.

ثانياً، ما در میان مسلمین هیچ نشانه‌ای از وقف درهم و دینار نمی‌یابیم؛ لذا استمرار سیره مسلمانان از زمان پیامبر تاکنون بر ترک وقف درهم و دینار، دلیل بر اجماع آنان بر عدم جواز وقف مزبور است.

چه بسا از استدلال فوق این گونه پاسخ داده می‌شود که: اولاً کلام غنیه و مبسوط ظهوری

در ادعای اجماع بر منع وقف درهم و دینار ندارد؛ بلکه نهایت آن، ادعای شهرت عظیمه بر آن است و حجیت شهرت مورد اشکال می‌باشد؛ مگر اینکه گفته شود که ظاهر عبارت غنیه و مبسوط آن است که به «عدم خلاف» در اثبات ممنوعیت وقف درهم و دینار استناد و استدلال نموده‌اند، بنابراین مراد از عدم خلاف در کلام آنان اجماع است؛ زیرا آن دو به شهرت ولو شهرت عظیمه استناد و استدلال نمی‌کنند. علاوه بر این تصریح آنان به عدم اعتنا به مخالف و شذوذ آن، دلالت بر اراده اجماع می‌کند؛ بلکه چه بسا ادعا می‌شود که کلام آن دو، ظهور در اجماع شیعه و سنی بر ممنوعیت وقف درهم و دینار دارد.

ثانیاً، بر فرض که غنیه و مبسوط ادعای اجماع بر ممنوعیت وقف درهم و دینار نموده باشند، چنین دعوی به دلیل قول اکثر فقهاء برخلاف آن، موهون است. اما ادعای اینکه سیره مسلمانان بر ترک وقف درهم و دینار بوده است، از وهن ادعای اجماع نمی‌کاهد؛ زیرا:

اولاً، ثبوت چنین سیره‌ای مردود است.

ثانیاً، عدم وجود وقف درهم و دینار در میان مسلمانان، دلیل بر اجماع بر عدم جواز آن نیست، به خصوص که اکثر فقهاء در صورت وجود مصلحت، قایل به جواز آن شده‌اند.

ثالثاً، چنین سیره‌ای فی نفسه حجت نیست.

عبارت صاحب مناهل (قده) به قدر کافی واضح و برهانی است. در عین حال ممکن است گفته شود: عدم ثبوت اجماع بر بطلان وقف درهم و دینار، در مورد انتفاعاتی نظیر تزئین، حفظ شأن (اظهار غنی)، ضرب سکه و مانند آن است، و اما بطلان وقف آن دو برای وام دادن یا مضاربه و مانند آن، اتفاقی است.

در پاسخ باید گفت: بر فرض که چنین اجماعی وجود داشته باشد، مدرکی است و دلیل آن این است که فقهاء آن را با ماهیت وقف منافعی دانسته‌اند. چنانکه می‌دانیم اجماع مدرکی فی نفسه حجت نیست؛ بلکه باید مدرک اجماع را مورد بررسی قرارداد و همان طور که در پاسخ دلیل دوم ذکر شد، وقف پول برای انتفاعات مزبور با ماهیت وقف منافعی ندارد.

اما ادعای اینکه سیره مسلمین بر ترک وقف بوده است، صغری و کبری استدلال - چنانکه در بیان صاحب مناهل نیز آمده است - هر دو مورد مناقشه است؛ یعنی هم ثبوت چنین سیره‌ای و هم حجیت آن مورد مناقشه است.

## نتیجه‌گیری

در این تحقیق سیر بحث این‌گونه دنبال شد که ابتدا تعریف وقف و سیر تاریخی وقف پول مطرح گردید، اقسام وقف، اهداف وقف و مطالب دیگر بیان گردید. آنگاه به اقوال فقهاء پیرامون وقف پول و دینار پرداخته شد و به‌طور کلی اقوال فقهاء در این رابطه مختلف بود. سپس به ادله صحت وقف پول، توجه شد که پنج دلیل آورده شد و پس از آن به ادله مخالفین نگاهی انداخته و مورد نقد و بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که ادله موافقین و قایلین به صحت وقف از استحکام بیشتری برخوردار است و لذا صحت وقف پول به واقع نزدیک‌تر است خصوصاً که ادله که برای بطلان وقف پول مطرح شد ضعیف بود و همه از تعریف و شرایط وقف ناشی می‌شد که خود تعریف و آن شرایط محل بحث است و چیزی که هنوز خودش به اثبات نرسیده چگونه می‌تواند دلیل بر اثبات چیزی دیگری باشد؟ در این جا مطالبی را تحت عنوان نکات پایانی می‌آوریم:

۱. نکته اول در رابطه با اهمیت وقف است که هم در سیره پیامبر اسلام و هم در سیره ائمه<sup>(ع)</sup> روایات متعددی داریم که به این امر مهم اقدام کرده است و هرکدام از معصومین موقوفات داشته است. در اهمیت وقف همین بس که پیامبر اجازه می‌دهد که حتی مال مشترک را می‌توان وقف کرد و بدون این که شریک را در جریان گذاشت. بدون اجازه شریک هر نوع تصرف به مال مشترک مجاز نیست ولی اگر پای وقف در میان باشد، نیاز به گرفتن اجازه نیست.

۲. یکی از چیزهای که باعث این برداشت شده شاید موارد وقف انجام گرفته در زمان معصوم بوده که بیشتر به‌صورت املاک بوده است مثل باغ، خانه، زمین و امثال ذالک و یقیناً اینها از باب ذکر مصداق است و این‌ها نمی‌تواند مخصص باشد. در روایاتی که سخن از «صدقه جاریه» است اصلاً بیان نمی‌کند که مراد از صدقه جاریه چیست؟ باغ، خانه و یا... مادر روایات داریم که یکی از چیزها که حتی بعد از مرگ نفعش به انسان می‌رسد «صدقه جاریه» است اما مصداق آن را معصوم ذکر نکرده است یا اقلاً من پیدا نکردم تمام روایات وسایل را دیدم چنین چیزی وجود ندارد. از طرف دیگر چیزی که در زمان معصوم به‌عنوان وقف عملاً صورت می‌گرفته است به‌صورت املاک و شبیه آن‌ها بوده است.

از طرف در آن زمان مکان امنی مثل بانک‌ها وجود نداشته که از پول‌های انبار شده و تجهیز

شده به شکل درست و مطابق به نظر واقف آن عمل گردد. از ترس حاکمان جور مگر کسی می‌توانست چنین کارهای را انجام بدهد؟ خصوصا از روایت «الوقوف تکون علی حسب ما یوقفها أهلها إن شاء الله»؛ استفاده می‌شود که اگر در عصر و زمانی با وقف پول به اهداف بزرگی دسترسی پیدا شود و گر از مشکلات و نیازهای مردم حل گردد، نیازهای بزرگتر از وقف یک گل برای عروس، می‌شود طبق این روایت جواز وقف پول را بدست آورد.

۳. اغلب شرایط چهارگانه از روایت «حَبَسُ الْأَصْلِ، وَسَبَلُ الثَّمَرَةِ» استفاده شده در حالی که این روایت در کتب حدیثی معتبر مثل کتب اربعه و وسایل الشیعه نیامده است. محدث نوری این روایت را از کتاب «عوالی اللالی ابن اَبی جمهور» نقل کرده است که جزو کتاب‌های عام حدیثی به حساب می‌آید نه خاص. از طرف دیگر این روایت در آن کتاب به صورت مرسل آمده است و من ندیدم از علما و فقهاء که بگویند مراسل آقای احساسی مثل مساندیش است. علاوه بر این، مرحوم نوری با اختلاف نقل می‌کند. محدث نوری این چنین نقل می‌کند: «حَبَسُ الْأَصْلِ، وَسَبَلُ الثَّمَرَةِ» اما در کتاب عوالی اللالی عبارت به این صورت است: «احبس الأصل وأطلق الثمرة» اگرچه مفهوما یکی است ولی همین اختلاف‌ها در عصر ما وقت قرار است مدرک فتوا واقع گردد نمی‌شود به آسانی از کنارش گذشت. در کتاب‌های مثل جواهر وقت این شروط چهارگانه را بیان می‌کند نمی‌گوید دلیلش چیست. برداشت من این است که این شروط از همین روایت و تعریف وقف استفاده شده، روایت که مشکل دارد و شهید ثانی در روضه این تعریف قبول ندارد.

۴. علت اصلی عدم صحت وقف در کلام فقهاء این است که منفعت استفاده از پول، با تصرف ممکن است و این تصرف با «حبس الاصل» ناسازگار است ولی قبلا گفته شد که با اعطای تسهیلات (نه پرداخت‌های انتقالی) پول از بین نمی‌رود و اصل «حبس الاصل» در ضمن کلی ما فی الذمه مقروض محفوظ است و با توجه به این که اعطای تسهیلات با میکانیزم دقیق انجام می‌گیرد و قابل برگشت است به هیچ عنوان با «حبس الاصل» مخالفت صورت نگرفته است. علاوه بر این که حبس الاصل هر چیزی به حسب خودش است و عرف این زمان اعطای تسهیلات را به هیچ عنوان منافی با حبس الاصل نمی‌داند که بماند بلکه اعطای تسهیلات را عین «حبس الاصل» می‌داند و آخرین نظریات علمای اقتصاد کاملا مؤید این مطلب است. ما

مشکل از بین رفتن «اصل» را داشتیم که این مشکل برطرف شد دیگر نباید مانعی وجود داشته باشد خصوصاً که وقف از عقود امضایی است و نظر عرف هم در این عقد مهم است. بنابر این اشکال این است که با انتفاع از پول اصل آن از بین می‌رود و دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند. در پاسخ باید گفت که بقای هر چیزی متناسب با خود آن چیز است. امروز اقتصاددانان اثبات کرده‌اند که پول در گردش به‌طور کلی از بین نمی‌رود و براساس همین مطلب پول با اعطای تسهیلات از بین نمی‌رود، بانک مرکزی کشورها از جمله کشورهای اسلامی سیاست‌های پولی را به اجرا می‌گذارد تا از اثرات تورمی و پیامدهای ناگوار اقتصادی آن جلوگیری به عمل آید.

با توجه به این که اصل پول باقی می‌ماند (به تناسب خودش)، چه اشکالی دارد که افراد خیر، مبالغ قابل توجهی را برای نیازمندان وقف نمایند و در بانک و یا صندوق قرض الحسنه نگهداری شود و یا صندوق وقفی مستقلاً تشکیل گردد که نیازمندان با مراجعه به آن‌ها برای رفع حاجت و نیاز خود استفاده کنند و در سررسید معین مثل آن را (حسب اختلاف فقهاء در نوع مثلثیت) به بانک و یا صندوق وقف مسترد نمایند. ملاحظه می‌شود که اصل مال از بین نرفته است و باقی است و سایر نیازمندان نیز از این پول موقوفه بهره‌مند می‌گردند. عرف و عقلاً این نوع وقف را می‌پذیرند و هیچ‌گونه آثار منفی ندارد که آثار مفید و ارزنده‌ای هم دارد و در عین بقا اصل برای همیشه هم صاحب مال از این صدقه جاریه بهره‌مند می‌گردد و هم جلوی بسیاری از حرام‌ها را می‌گیرند.

فقهای که این نوع وقف را صحیح نمی‌دانند بد نیست که توجه کند در جامعه‌های شهری مردم چه مشکلاتی دارد. افرادی است که عمل قلب دارد و چندین میلیون تومان نیاز دارد و کسی هم قرض نمی‌دهد. صندوق‌های قرض الحسنه از ترس که پول برگشت نکند بیش از حد سخت‌گیر است حق هم دارد پول سپرده مشتریانش است باید برای آن‌ها پاسخگو باشد. لذا در بسیاری از موارد نیازمندان، به‌عنوان وکیل بانک حواله خرید خودرو به‌صورت اقساطی می‌گیرند و برای خود می‌فروشند، با قیمت بالاتر اما در واقع خودروی وجود ندارد بلکه ظاهرسازی می‌کند تا به پول نقد دسترسی پیدا کرده و برای مشکلات‌شان به مصرف برسانند و در واقع اگر توجه شود ربا تحقق یافته است.

نمی‌گوییم فقهای مخالف برای ادعای شان دلیل ندارد و بدون دلیل حرف زده و این شرایط را بنیان نهاده، اما باید اعتراف کرد که خیلی دلیل محکم ندارد. از آیات که اصلا دلیل ندارد از روایات این چند روایت که هم از نظر سندی مشکل دارد و هم از نظر دلالتی موید ادعای فقهای مخالف نیست. جالب است اکثر مخالفین دو دلیل دارد: ۱- با وقف اصل مال از بین می‌رود. ۲- وقف درهم و دینار (پول نقد) منفعت محله قابل توجه ندارد (و إنما قلنا لایجوز لأنه لا منفعة لهما مقصودة غیر التصرف فیهما). ما نفهمیدیم که این منفعت محله مقصوده چیست که فقهاء می‌گویند. اگر این که شما دیون خود را پرداخت کنید، با عمل جراحی مثلا جان‌تان را نجات دهید و ... این‌ها اگر منفعت محله نیستند پس چیستند؟

این هردو دلیل قابل خدشه و رد است. چطور است درخت ایستاده در بیابان که سال یک مرتبه کسی از آنجا عبور نمی‌کند تا از سایه آن بهره مند شود قابلیت وقف را دارد و این منفعت محله به حساب می‌آید. گل رز که بیش از چند ساعت دوام نمی‌آورد منفعت دارد اما پول نقد که با تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه («وقف») که هزاران مشکل را حل می‌کند و از بسیاری از گناهان جلوگیری می‌کند منفعت به حساب نمی‌آید. عرف که وقف را برای رفع مشکلات اجتماع ایجاد کرده و شرع هم امضا کرده چنین چیزی را به هیچ عنوان نمی‌پذیرد. آن که برای پرداخت بدهی، ازدواج فرزندش، عمل قلب بستگانش و پرداخت شهریه دانشگاه اش نزول می‌گیرد و عمل ربا را مرتکب می‌شود، می‌فهمد که چقدر جای چنین صندوق‌های در جامعه آن‌هم در جامعه اسلامی خالی است.

## منابع

۱. ابن ادريس، محمد، السرائر، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰.
۲. ابن حمزه، الوسيلة، قم، مكتبة آيت الله مرعشي النجفی، الطبعة الاولى، ۱۴۰۸ق.
۳. ابن منظور، لسان العرب، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۴.
۴. ابن البراج، عبد العزيز، المهذب، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۶.
۵. ابوالقاسم، خوئي، منهاج الصالحين، قم، انتشارات مدينة العلم، ۱۴۱۰.
۶. اصفهانی، ابوالحسن، وسيلة النجاة، بيروت، دار التعارف، الطبعة الثانية، ۱۳۹۷ق.
۷. آل كاشف الغطا، تحرير المجلة، المجلد الثاني، النجف الاشرف، مكتبة المرضوية، ۱۳۶۲.
۸. البحرانی، يوسف، الحدائق الناضرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵.
۹. بررسی تطبیقی تعریف وقف، وقف نقود و شرایط موقوفه، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۳۴-۳۳، بهار و تابستان ۱۳۸۰.
۱۰. حاشیه شرائع الاسلام، الشهيد الثاني، قم، مركز النشر التابع لمكتبة الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۲.
۱۱. حر العاملي، وسائل الشيعة، قم، مؤسسة آل البيت، الطبعة الاولى، ۱۴۰۹.
۱۲. الراوندي، قطب، فقه القرآن، تحقيق: سيد احمد الحسيني، مكتبة الآية الآية المرعشي النجفی، قم، ۱۴۰۵.
۱۳. الزحيلي، وهبه، الفقه الاسلامي وادلته، دارالفكر، دمشق، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵.
۱۴. سبزواری، محمدباقر، كفاية الاحكام، اصفهان، انتشارات مدرسه، بی تا.
۱۵. السبزواری، عبد الاعلی، مهذب الاحكام، قم، دفتر السيد السبزواری، ۱۴۱۶.
۱۶. سعادت فر، جواد، مجله جاویدان، سال چهاردهم، شماره ۵۴، امکان سنجی فقهی وقف پول، ص ۱۹، سال انتشار ۱۳۸۵.
۱۷. شعرانی، ابوالحسن، فقه فارسی، تهران، کتابفروشی اسلامیه، بی تا. شعرانی، بی تا.

١٨. شهرضایی، باقی، کارنامه اوقاف، تهران، شرکت سهامی طبع کتاب، مهر ١٣٥٠.
١٩. الشهید الاول، للمعة الدمشقیة، قم، مؤسسه نشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ١٤٢٢.
٢٠. الشهید الثانی، زین الدین، مسالک الافهام، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة، الطبعة الاولى، ١٤١٤.
٢١. الشهید الأول، الدروس الشرعیة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ١٤١٤.
٢٢. شیخ الطوسی، الخلاف، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤١١.
٢٣. شیخ الطوسی، المبسوط، نشر المكتبة المرتضویة، بی تا.
٢٤. طباطبایی، محمد، المناهل، قم، مؤسسة آل البيت، بی تا.
٢٥. العاملی، محمدجواد، مفتاح الكرامة، بیروت، دار التراث العربی، بی تا.
٢٦. علامة الحلی، ارشاد الاذهان، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، بی تا.
٢٧. علامة الحلی، تحریر الاحکام، قم، مؤسسة الامام الصادق، الطبعة الاولى، ١٤٢١.
٢٨. علامة الحلی، مختلف الشیعة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ١٤١٥.
٢٩. علامة، الحلی، قواعد الاحکام، قم، منشورات الرضی، بی تا.
٣٠. فخرالمحققین، ایضاح الفوائد، قم، مطبوعاتی اسماعیلیان، ج ١، ١٣٨٨ ق.
٣١. فیض کاشانی، محمد حسن، مفاتیح الشرایع، قم، مجمع الزخائر الاسلامیة، ١٤٠١.
٣٢. قلعه جی، محمد رواس، حامد صادق قنبری، معجم لغة الفقهاء، دارالنافئس، ١٤٠٨.
٣٣. لنکرانی، فاضل، تفصیل الشریعه (کتاب ایمان، نذر، وقف و وصیت)، ١٣٨٢، ج ١، قم، مرکز فقه الاثمه الاطهار (ع).
٣٤. مامقانی، عبدالله، مناهج المتقین، قم، مؤسسة آل البيت، ١٤٠٤.
٣٥. محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد، قم، مؤسسة آل البيت، الطبعة الاولى، ١٤١٠.
٣٦. محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ٤، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٣.
٣٧. مصطفی، ابراهیم، المعجم الوسیط، انتشارات دار الدعوه، استانبول.



۳۸. مصلحت وقف و پاره‌ای از شرط‌های آن، فصلنامه وقف میراث جاویدان، ش ۸، زمستان ۱۳۷۳ش.
۳۹. نحفی، محمد حسین، جواهرالکلام، ج تهران، دار الکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱.
۴۰. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسة آل البيت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸.
۴۱. وقف در فقه اسلامی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰، ۱ش.
۴۲. یزدی، محمد کاظم، ملحقات العروة الوثقی، قم، انتشارات داورى، بی‌تا.



# تعامل بانک و بورس با رویکرد اسلامی

علی حسین قاسمی<sup>۱</sup>

## چکیده

بازارهای مالی در جهان بر دو پایه و ستون استوار است، یکی بر اساس پایه پولی، دوم بر اساس اوراق بهادار؛ یعنی یا بازار پول در این نظامها محوریت دارد و یا بازار سرمایه در مبادلات نقش اصلی را ایفا می‌کند. در ادبیات اقتصادی موجود بانک به منزله نماد بازار پول، و بورس به منزله نماد بازار سرمایه معرفی می‌شود. لذا شناخت بازار پول بدون شناخت بانک، و سازوکار حاکم بر آن به درستی امکان ندارد، شناخت بازار سرمایه نیز بدون شناخت بازار بورس، امکان‌پذیر نخواهد بود. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، به دنبال تبیین رابطه بین بانک و بورس در اقتصاد اسلامی است. با توضیح و معرفی هر یک از گزینه‌های بانک، بورس، و چگونگی تعامل آن‌ها از نگاه اقتصاد اسلامی بررسی گردید؛ و معلوم شد که این دو نهاد اقتصادی می‌تواند در بعضی موارد باهم در رقابت باشند و در موارد دیگر مکمل همدیگر باشند و باعث رونق و شکوفایی بیشتر اقتصاد گردد.

واژگان کلیدی: بانک، بورس، اقتصاد اسلامی، تعامل بانک و بورس.

## مقدمه

رشد جمعیت و تنوع نیازهای بشر در جهان امروز باعث گردیده که تأمین این نیازها جز با عرضه خدمات و تولیدات اساسی به شکل انبوه میسر نباشد. در چنین شرایطی برای ایجاد یا توسعه فعالیت‌های یک واحد صنعتی، بازرگانی و یا مالی لازم است، عوامل و امکانات پراکنده به نحوی جذب شوند و در جهت ایجاد یا تقویت آن واحد مورد استفاده قرار گیرند. از جمله این عوامل سرمایه است که باید به شریان واحدهای فعال اقتصادی تزریق شود تا دستمایه لازم برای تداوم و توسعه آن‌ها فراهم آید. بانک و بورس می‌توانند نقش مثبتی در این زمینه‌ها داشته باشند تا از طریق واگذاری وام‌ها و یا فروش سهام واحدها به مردم سرمایه‌های مالی مورد نیاز جامعه را فراهم نمایند؛ و موجب رشد و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی گردد. لذا مناسب است که:

اولاً، تعامل بانک و بورس از نگاه اقتصاد اسلامی بررسی شود تا روشن گردد؛ که آیا این دو نهاد اقتصادی باهم ارتباط دارند یا نه؟

ثانیاً، در صورت که تعامل داشته باشند آیا این تعامل و ارتباط به‌عنوان مکمل است یا رقیب؟  
ثالثاً، از نگاه اقتصاد اسلامی کدام یک از این نهادها باعث رونق و شکوفایی بیشتر اقتصاد در جهان می‌گردد؟

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. اقتصاد اسلامی

دین اسلام، یک آیین انسان‌ساز و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت برای بشر قلمداد می‌گردد. این مسئولیت گران‌سنگ اقتضا می‌کند که شریعت باید تبیین‌کننده اصولی باشد که راه زندگی صحیح، و روش‌های کسب حلال و اداره شئون اقتصادی جامعه را بر اساس معیارهای دینی نشان دهد؛ این اصول، در بطن آیات قرآن کریم و روایات اسلامی و قواعد کلی فقه اسلامی قرار دارد. یکی از موضوعات که اندیشمندان اسلامی در باره‌اش نظر داده‌اند اقتصاد اسلامی است که به اختصار به برخی از تعاریف آن اشاره می‌گردد.

از نگاه شهید صدر، علم اقتصاد با مکتب اقتصادی فرق دارد؛ لذا ایشان می‌فرماید: «مکتب

اقتصادی» عبارت است از شیوه حل مسائل اقتصادی و علمی که در هر جا به نحوی از آن پیروی می‌شود. اما «علم اقتصاد» دانشی است که پدیده‌های اقتصادی را تفسیر و روابط آن‌ها را بایکدیگر تعیین می‌نماید. (صدر، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۶).

یکی دیگر از اندیشمندان اسلامی چنین تعریف نموده است: اقتصاد اسلامی، به نظامی گفته می‌شود که توزیع ثروت و درآمد را میان همه افراد جامعه سامان می‌دهد و امکان کسب درآمد و بهره‌مندی از آن را فراهم می‌سازد. (محمود الخالدی، ۱۹۸۴، ص ۳).

اما به نظر می‌رسد که بهترین تعریف عبارت است از: «نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و روابط اقتصادی است که در حوزه تولید، توزیع و مصرف از آیات و روایات به کمک تحلیل‌های عقلی استنباط می‌شود. این الگوها و رفتارها بین افراد یک نظام در جهت اهداف مورد نظر، پیوندی ایجاد می‌کند که مبتنی بر مبنای بینشی و مکتبی آن نظام است». (www.eghtsadonline.com)

در یک نگاه جامع‌تر می‌توان اقتصاد اسلامی را اقتصادی واقع‌گرا، و اخلاق‌گرا و دانش‌مدار دانست.

## ۱-۲. بانک

تعریف گوناگونی برای بانک ارائه شده که برخی از آن‌ها عبارتند از: بانک‌ها مؤسساتی هستند که به دادوستد پول می‌پردازند. (بهینیا، بانکداری علمی، ص ۱) بانک‌ها نظیر بازرگانانی هستند که کار اصلی آن‌ها وام گرفتن و وام دادن پول است، همان‌گونه که بازرگانان با خرید کالا و فروش آن به قیمت بالاتر سود می‌برند، بانک‌ها نیز با پذیرفتن سپرده و وام دادن با سود بیشتر، منفعت می‌کنند. (فرجی، ۱۳۸۶، ص ۶۶).

بانک یک مؤسسه خدماتی است که ضمن گردآوری سپرده‌ها یا تجهیز منابع از طریق اشخاص (حقیقی و حقوقی)، نسبت به اعطای تسهیلات یا تخصیص منابع در بخش‌های مختلف اقتصادی (بازرگانی، تولیدی، خدماتی) با رعایت سیاست‌های پولی و اعتباری اقدام نموده و علاوه بر آن موجبات تسهیل در دریافت‌ها و پرداخت‌ها و سایر خدماتی را فراهم سازد که در چارچوب اساسنامه و قوانین و مقررات ناظر به خود برعهده دارد. (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۱۵) از تعاریف یادشده می‌توان نتیجه گرفت که بانک عمدتاً یک مؤسسه مالی واسطه، میان

عرضه‌کنندگان وجوه و متقاضیان آن می‌باشد. این مؤسسه مالی وجوه خرد و کلان افراد را تحت عناوین گوناگون جذب کرده، ضمن ارائه خدمات بانکی به آنان، منابع جذب‌شده را در قالب وام، اعتبار و قراردادهای متنوع، به متقاضیان سرمایه برای فعالیت‌های صنعتی، تجاری و بعضاً مصرفی پرداخت می‌کند.

### ۳-۱. بورس

فرهنگ دهخدا بورس را این گونه معنی کرده است: «بورس مأخوذ از فرانسه می‌باشد و بازاری است که دادوستد و معامله در آن‌جا انجام می‌گیرد. (دهخدا، ج ۷، واژه بورس) بازار بورس اسلامی بازاری است که در آن فعالیت‌ها و قراردادهای مورد استفاده بر اصول اسلامی و شریعت اسلام مبتنی است. (موسویان، ۱۳۹۳، ص ۲۷). امروز بورس یک نهاد سازمان‌یافته و اساسی در بازار سرمایه محسوب می‌شود و درکنار سایر مؤسسات و سازمان‌ها، وظایف چندگانه‌ای را برعهده دارد. که یکی از کارکردهای مهم آن جمع‌آوری سرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک برای تأمین سرمایه مورد نیاز فعالیت‌های اقتصادی است.

### ۲. بانک به‌عنوان مکمل یا رقیب بازار بورس

به‌طورکلی، بانک‌ها به‌عنوان مؤسسات واسطه، درکنار بخش‌های مالی دیگری فعالیت می‌کنند و از آن‌جا که هر یک از نظام‌های بانکی (بازار پول) و بازار بورس، بخشی از نیازهای جامعه را تأمین می‌کنند، تعامل آن‌ها می‌تواند با ابزارهای متفاوتی، پاسخ‌گوی نیازهای متنوع بازار باشند. درحالی که وجود بازار بورس درکنار بانک‌ها به‌منظور تجهیز منابع مالی بلندمدت، زمینه توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند؛ بازار بورس بخش فزاینده‌ای از پس‌اندازها را به سمت سرمایه‌گذاری‌ها هدایت می‌کند.

این‌گونه تعامل‌ها باعث هم‌افزایی توان هر دو نهاد می‌شود و همکاری بازارها می‌تواند از تداخل وظایف و دوباره کاری جلوگیری کنند. و می‌توان گفت که نظام بانکی مکمل خوبی برای بازار بورس در جهت جذب سرمایه‌های مازاد جامعه و تأمین مالی طرح‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت محسوب می‌شود. عکس این قضیه نیز درست است. گاهی بانک‌ها و بازار بورس در تأمین منابع مالی رقیب یکدیگرند و اصولاً رقابت میان بازارهای مالی موجب بهبود فعالیت،

ایجاد خلاقیت و ارائه خدمات هر چه بهتر به متقاضیان با هزینه کمتر خواهد شد و این خود، زمینه توسعه بازارهای مالی و همچنین توسعه و رونق اقتصادی را فراهم خواهد کرد. (نظرپور، کیاء الحسینی و میثم حقیقی ۱۳۹۲، ص ۴۱-۶۵)

بر اساس مباحث یادشده نظام بانکی چه در نقش مکمل و چه در نقش رقیب بودن بازار بورس، تکمیل کننده بازار بورس است. به این صورت که زمانی که بانک در نقش مکمل بازار بورس است، نیازهای مالی ای را تأمین می کند که تکمیل کننده فعالیت های بازار بورس در این زمینه است؛ و در حالتی که در نقش رقیب برای بازار سرمایه است، باعث رونق فعالیت های بازار سرمایه می شود و این امر، رشد و توسعه اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. (مهدوی نجم آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۳).

### ۳. چگونگی تعامل بانک با بورس در اقتصاد اسلامی

#### ۳-۱. انتشار ابزارهای مالی جدید بین بانک، بورس

در حال حاضر، بانکها و بنگاه های اقتصادی به دلایلی، مانند، افزایش تقاضا برای تسهیلات، وجود فاصله زمانی در سررسید سپرده ها و تسهیلات، عدم بازپرداخت تسهیلات از سوی مشتریان و افزایش مطالبات معوق، با مشکل کمبود نقدینگی مواجه اند، اگر بخواهیم این نقصان نقدینگی را جبران کنیم راه چاره اش این است که ابزارهای مالی جدید و متنوع را کشف و اختراع نمایم، اما کشورهای اسلامی همیشه این دلهره و نگرانی را دارند که آیا تأمین مالی از طریق شیوه های متعارف، با فقه و شریعت اسلامی مطابقت و سازگاری دارند؟ یا این که این ابزارها نیز مانند ابزارهای اقتصاد سرمایه داری و غرب (مثل اوراق قرضه ربوی)، با فقه و شریعت اسلامی در تضاداند؟ بدون شک، تمام این ابزارها در کشورهای اسلامی قابلیت استفاده را ندارد؛ زیرا بازارهای مالی دنیا عمدتاً بر اساس نرخ بهره کار می کنند و در این بازارها، این نرخ بهره است که موقعیت دارایی ها و بدهی ها را تعدیل می کند. (صالح آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۱). ولی اسلام بهره و ربا را ممنوع و حرام شمرده؛ اما کاسبی و تجارت را مجاز بلکه تشویق کرده است، ممنوعیت و حرمت بهره، سبب وابستگی بیشتر به سهام و تأمین مالی مبتنی بردارایی شده است. (سلمان، ۱۳۸۶، ص ۴).

برای روشن‌تر شدن رابطه بانک و بورس به نمونه‌های از این روابط با انتشار اوراق بهادار اسلامی توسط بانک‌ها در بازار بورس اشاره می‌گردد.

الف) انتشار اوراق بهادار اسلامی بر اساس تسهیلات بانکی توسط بانک‌ها در بازار بورس. اسلام دین عقلانیت است نه انحصارگرایی؛ لذا مسلمانان را در چارچوب و دایرة قراردادهای رایج و معمول در عصر رسالت محصور نکرده، بلکه همه قراردادهای عقلایی را با رعایت معیارها و قوانین اسلامی جایز دانسته است، علاوه بر این، دانشمندان را به تعقل و تفکر و طراحی ابزارهای نوین مالی و ابداع قراردادهای متناسب با عصر خود فراخوانده است. «از نظر فقه اسلام، تمام معاملات عقلایی در هر عصر و زمانی صحیح است، مگر این‌که از معامله‌ای به صورت خاص یا در ضمن دلیل عام، نهی شده باشد» (موسویان، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

از سوی دیگر بانک‌داری اسلامی نسبت به بانک‌داری غرب، از تجربه زیادی برخوردار نیست و بیشتر کارکردها در نظام اقتصادی غرب، مبتنی بر نرخ بهره می‌باشد. بانک‌های اسلامی برای وارد شدن به بسیاری از فعالیت‌های بانکی غرب با چالش‌های زیادی مواجه هستند؛ ولی اختراع روش اوراق بهادار اسلامی (صکوک)، از فعالیت‌های موفق بانک‌داری اسلامی برای ورود به بازار بورس است؛ به گونه‌ای که بنابر آمار به دست آمده از سایت اخبار مالی اسلامی، تا سپتامبر ۲۰۰۹م، کشورهای مالزی، عربستان سعودی، اندونزی، بحرین، و پاکستان حدود ۱۱۸۵۰ میلیون دلار در اوراق بهادار اسلامی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ([www.islamicfinancenews.com](http://www.islamicfinancenews.com))

علاوه بر فعالیت دولت‌ها و مؤسسات اسلامی، دولت‌های آمریکا، انگلستان و آلمان نیز از ابزار صکوک برای تأمین مالی فعالیت‌های خود استفاده کرده و در این زمینه به موفقیت‌های زیادی نیز دست پیدا کرده‌اند و این بهترین سند و مدرک است برای بهتر بودن اوراق بهادار اسلامی (صکوک) نسبت به اوراق قرضه ربوی.

ب) انتشار اوراق بهادار اسلامی توسط بانک‌ها در بازار بورس بر اساس سپرده‌های بانکی بانک‌ها برای تنظیم صحیح گردش پول و استقرار نظام پولی و اعتباری صحیح، متناسب با برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت، به تجهیز وجوه مازاد بر هزینه‌های جاری اشخاص و مؤسسات می‌پردازند، تا این وجوه را در اختیار اشخاص و مؤسساتی که نیاز به سرمایه و منابع



مالی دارند، قرار دهند. بانک‌ها طبق قانون می‌توانند انتشار «اوراق قرض الحسنه پس انداز» را برای جذب پس اندازهای قرض الحسنه پردازند و «اوراق سپرده مبادله‌ای و مشارکتی» را برای جذب سپرده‌های مدت‌دار منتشر کنند و این اوراق را به صاحبان حساب‌ها واگذار کنند. فرآیند این عملیات به صورت زیر است:

اوراق قرض الحسنه پس انداز: گواهی قرض الحسنه بدون رباست که براساس قرارداد قرض بدون بهره و به در خواست سپرده‌گذار توسط بانک منتشر می‌شود و به موجب آن، ناشر اوراق به میزان ارزش اسمی آن به دارنده اوراق بدهکار است و باید در سررسید، بدهی خود را به دارنده اوراق پردازد. از سوی بانک براساس قرارداد، سپرده مشتری را که به قصد خیرخواهانه نزد بانک سپرده‌گذاری کرده است برای مدتی معین نزد خود نگه می‌دارد و در برابر آن، اوراق قرض الحسنه پس انداز را به صاحب حساب واگذار کند. سپرده‌گذار نیز به‌عنوان مشتری و براساس قرارداد تنظیم شده بین بانک و مشتری، در قالب سپرده پس انداز، منابع مالی خود را نزد بانک قرار می‌دهد و اوراق قرض الحسنه را از بانک به‌عنوان بازار اولیه دریافت می‌کند و در زمان از سررسید با واگذاری اوراق به بانک، اصل سپرده خود را می‌گیرد. دارنده اوراق قرض الحسنه می‌تواند اوراق مزبور را پیش از سررسید، در بازار بورس به‌عنوان بازار ثانوی اوراق و با همان قیمت به شخص یا اشخاص دیگر واگذار کند و اصل مبلغ سپرده خود را از بازار ثانوی به دست آورد. انتشار اوراق قرض الحسنه، بسته به شرایط خاص جامعه دارد، و می‌تواند یکی از وسایل ارتباطی مناسب بین بانک‌ها و بازار بورس در جامعه اسلامی باشد.

اوراق سپرده مبادله‌ای و مشارکتی: سپرده‌های بلندمدت همیشه منبع قابل باور برای تجهیز منابع بانک‌ها بوده است، سپرده‌های مدت‌دار هر چه دارای سررسید طولانی‌تری باشد، برای فعالیت‌های اقتصادی بانک‌ها مفیدتر خواهد بود، بانک‌ها افرادی را که پیش از زمان سررسید، از سپرده خود برداشت می‌کنند، جریمه می‌کنند و این کار از میزان سودی که طبق قرارداد، قرار بود به آنان پرداخت کنند، می‌کاهند؛ برای حل این مشکل، بانک‌ها می‌توانند در جهت افزایش انگیزه سرمایه‌گذاری مردم در بانک‌ها، «اوراق سپرده‌ای مبادله‌ای» و «اوراق سپرده‌ای مشارکتی» منتشر کنند این اوراق اسنادی با قیمت‌های یکسان است، که بانک‌ها می‌توانند با نام متقاضیان یا بی‌نام صادر کنند، در اوراق سپرده‌ای مبادله‌ای، دارندگان اوراق در زمان سررسید، سود ثابت

دارند و دارندگان اوراق سپرده‌ای مشارکتی، بنابر شرایط خاصی که برای هر سری اوراق معین می‌شود، شریک سودهای حاصل از هر سال عقود مشارکتی‌اند، دارندگان اوراق مبادله‌ای یا مشارکتی می‌توانند اوراق مزبور را پیش از سررسید، در بازار بورس به‌عنوان بازار ثانوی اوراق به‌شخص یا اشخاص دیگر واگذار کنند. (نظرپور، یوسفی و حقیقی، ۱۳۹۱) و از این طریق می‌توانند بانک‌ها با بورس در ارتباط شوند.

### ۲-۳. سرمایه‌گذاری در بازار بورس، توسط بانک‌های اسلامی

گاهی بانک‌ها با مازاد منابع روبه‌رو می‌شوند که در این صورت، نگهداری پول نقد برای بانک، هزینه فرصت بالایی را به دنبال خواهد داشت، و به ضرر بانک و سپرده‌گذاران خواهد بود، در چنین مواردی بانک‌های ربوی دو کار انجام می‌دهند:

بخش عمده منابع خویش را اعم از منابع بانک و منابع حاصل از سپرده‌های مردمی، را به‌صورت وام و اعتبارات در اختیار متقاضیان و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌دهند و بخش دیگر مازاد این منابع را بر روی اوراق بهاداری همچون اوراق قرضه و اوراق سهام ممتاز و در موارد خاصی روی اوراق سهام عادی سرمایه‌گذاری می‌کنند (موسویان، ۱۳۸۴، ص ۴۸) که ماهیت حقوقی بیشتر این موارد قرض همراه با بهره است که از دیدگاه اسلام ربا شمرده می‌شود و قابل استفاده در کشورهای دارای اقتصاد اسلامی نیست.

محققان اسلامی راهکارهایی را مطرح کرده‌اند که بانک می‌تواند با تخصیص منابع مازاد خود، به خرید اوراق بهادار اسلامی، مانند مرابحه، استصناع، سلم، اجاره، مشارکت، و مضاربه، اوراق سهام شرکت‌ها پردازد و همه منابع مازاد و راکد خود را به منابع سودآور تبدیل کند. (موسویان، بی‌تا، ص ۲۰۲)

ساده‌ترین اوراقی که از اعطای تسهیلات اعتباری بانک‌های اسلامی ناشی می‌شود، اوراق مشارکت یا اوراق سهام در مشارکت‌های حقوقی و یا سرمایه‌گذاری‌های مستقیم بانک‌داری اسلامی است، که دادوستد این اوراق در بازار سرمایه همانند سایر اوراق سهام به سهولت امکان‌پذیر است. (نجم‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۴۳) بانک‌ها در نظام اقتصاد اسلامی می‌توانند در عقود مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم در بازار بورس، میزانی از اوراق سهام شرکت‌های فعال در بازار سرمایه را خریداری کنند. همچنین بانک‌ها می‌توانند اوراق سهام خود را از

شرکت‌های سهامی که در بازار سرمایه عرضه کرده را به فروش برسانند و منابع مالی لازم جهت تأمین مالی خود از این بازار بردارند. مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری مستقیم، روش‌هایی برای ورود بانک‌ها به بازار بورس است.

### ۳-۳. کارگزاری بانک‌های اسلامی در بازار سرمایه

بازار بورس اوراق بهادار، یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تأمین منابع مالی سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی به حساب می‌آید، توسعه حوزه کاری آن از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد؛ لذا، گسترش فعالیت بازار بورس اوراق بهادار در مناطق مختلف جغرافیایی، به ویژه در کشورهای بزرگ دنیا، فرآیند توسعه اقتصادی مناطق مختلف را شتاب بیشتر می‌بخشد، و مشارکت طیف گسترده‌تر مردم را در فعالیت‌های اقتصادی مولد امکان‌پذیر می‌سازد. هر موقع شرکت‌ها نتوانند به بازار بورس دسترسی داشته باشند، بانک‌ها می‌توانند در نقش «شرکت‌های کارگزاری بازار سرمایه»، ضمن کم کردن خطر سرمایه‌گذاری، دسترسی شرکت‌ها را به سرمایه مالی که نیاز دارند را از طریق بازار بورس امکان‌پذیر سازند. (میرمطهری، مجموعه مقالات هشتمین همایش کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، ص ۲۸۱)

به این ترتیب، بانک‌ها با گسترش فعالیت خود در زمینه کارگزاری بازار بورس، می‌توانند از گسترش بازارهای غیررسمی (خارج از بورس) بکاهند و باعث جلب و جذب بیشتر پس‌اندازکنندگان با سلیقه گوناگون گردد، و به توسعه بازار بورس مساعدت نمایند. همچنین بانک‌ها می‌توانند با ارائه برخی خدمات مانند ضمانت‌ناشران اوراق بهادار و قبول سمت عاملیت در انتشار ابزارهای مختلف مالی، خدمات مناسبی به بازار بورس ارائه دهند، بانک‌های اسلامی می‌توانند از امکان معاملات آنلاین (برخط) ابزارهای مالی برای گسترش این‌گونه خدمات بازار بورس در شعبه‌های منتخب بانکی خود استفاده کنند.

### ۴. تعامل بورس با بانک‌های اسلامی

توسعه هرچه بیشتر بخش‌های مالی در گروه‌های همکار و هماهنگی حوزه‌های مختلف اقتصادی است هر کدام از این حوزه‌ها (مثل بورس و بانک)، علاوه بر وظایف و خدمات تخصصی خود، دارای مرز مشترکی در ارائه خدمات مالی است؛ به گونه‌ای که عملیات بازار بورس بر

فعالیت‌های نظام بانکی تأثیر می‌گذارد (تبریزی، رادپور، ۱۳۹۱، ص ۸۵)، به همین خاطر نحوه ارتباط این دو نهاد اقتصادی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. توسعه حجم دادوستد در بازار بورس، به افزایش سرمایه‌گذاری، تولید ملی و در نتیجه، پس‌انداز ملی منجر می‌شود و در نهایت، بر حجم فعالیت‌های بانکی تأثیرگذار خواهد بود و همین‌طور بالعکس. از این رو، در ادامه، به بیان راه‌ها و ابزارهای پولی و مالی برای ارتباط بازار بورس با بانک‌های اسلامی و کمک بازار بورس به تعمیق نظام بانکی می‌پردازیم.

#### ۴-۱. تنزیل اسناد تجاری بورس در نظام بانکی

در بانک‌داری اسلامی «بیع دین» از جمله ابزارهای است که برای تأمین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی، از طریق تنزیل اسناد اوراق تجاری متعلق به این قبیل واحدها به کارگرفته می‌شود؛ که به موجب آن بانک سفته، برات، یا هر سند مالی مدت‌داری را که ناشی از معامله واقعی باشد، خریداری می‌کند. در قانون، خرید دین (تنزیل) از جمله تسهیلات اعطایی کوتاه‌مدت جهت تأمین مالی نیازهای مالی واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی به‌شمار می‌رود. سررسید این نوع تسهیلات نمی‌تواند بیش از یک سال باشد، بنگاه‌های که در بازار بورس فعالیت می‌کنند، می‌توانند این اوراق را در بازار بین بانکی واگذار نمایند، مثلاً اوراق تجاری خویش را به صندوق‌های سرمایه‌گذاری فعال در بازار پول وابسته به بانک‌ها، بفرروشند، بانک‌ها می‌توانند این اوراق را دوباره به اشخاص حقیقی و حقوقی بفرروشند، این معامله از نظر فقهی، بلامانع است و هیچ مشکل شرعی ندارد. (نظرپور، و حقیقی ۱۳۹۲، ص ۲۳۸)

#### ۴-۲. کمک به رتبه‌بندی متقاضیان تسهیلات بانکی

یکی از راه‌های ارتباطی بین نهادهای بورس و بانک‌های اسلامی، مساعدت در رتبه‌بندی درخواست‌کنندگان تسهیلات است. بازار بورس برای بهترین انتخاب و گزینش کردن گیرندگان تسهیلات می‌تواند به بانک‌ها کمک شایان نماید.

فرآیند این عملیات به این شکل خواهد بود که واحدهایی تجاری که تسهیلات درازمدت مشارکتی یا باریسک بالا را می‌خواهند برای به‌دست آوردن منابع مالی خویش، به بازار بورس

مراجعه خواهند کرد، و از راکد ماندن و اتلاف منابع بانکی جلوگیری می‌نمایند، از این رو، یکی از الزامات انتشار اوراق بهادار با درآمد ثابت، مثل اوراق استصناع و مرابحه، تعیین «رتبه اعتباری» برای اوراق است (همان، ص ۲۴۰).

سرمایه‌گذاران بر اساس این رتبه‌های اعتباری و توان ریسک‌پذیری خود، در این اوراق سرمایه‌گذاری می‌کنند، با تعیین رتبه‌بندی نهادهای فعال در بازار بورس و افشای ریسک اعتباری این بنگاه‌ها، نظام بانکی با اطمینان بیشتری می‌تواند به این گروه از متقاضیان تسهیلات، تسهیلات ارائه کند. بازار بورس به بانک‌ها همکاری فراوان خواهد کرد، تا اطلاعاتی در باره بنگاه‌ها و واحدهای گیرنده تسهیلات، به دست آورند و این نوع همکاری نهادهای اقتصادی نشانه‌ای مکمل بودن همدیگر است.

#### ۴-۳. تعیین نرخ سود سپرده‌ها توسط بازار بورس

رونق و رکود بازار بورس می‌تواند عوامل مختلف اقتصادی و سیاسی داشته باشد؛ از جمله نرخ بهره بانکی، سیاست‌های پولی و خدمات بانکی می‌توانند انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار بورس را چند برابر افزایش دهند و فضای صحیح و سالمی را جهت مشارکت همه مردم در بازار بورس آماده سازند. در بسیاری از موارد، سودهای بخش بانکی و بازار بورس، بدون توجه به ریسک و عامل مالیات باهم مقایسه می‌شوند؛ از این رو، یکی از مباحث مهم تمام اقتصادها، رسیدن به ساختاری کارآمد برای «تعیین نرخ سود» است که نقش اساسی در رونق و رکود سرمایه‌گذاری‌ها و جذب سرمایه‌های اشخاص دارد. (همان، ص ۲۴۹).

در اقتصاد اسلامی، بهترین وضعیت برای اقتصاد، آن است که قیمت تمام کالاها و خدمات، از جمله کالاهای سرمایه‌ای، متناسب با عرضه و تقاضا و در بازار آزاد تعیین شود؛ زیرا امروزه تعیین نرخ بهره یا سود بانکی در بیشتر سیستم‌های بانک‌داری دنیا بر اساس مکانیزم بازار صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

یکی از تعاملات بازار بورس با نظام بانکی، معین کردن نرخ سود سپرده‌های بلندمدت و تسهیلات بانکی که به وسیله نرخ بازده اوراق مبادله‌ای، اوراق مشارکتی و اوراق سهام موجود در

۱. در مورد چگونگی تعیین نرخ سود بانکی، میان مکاتب اقتصادی وحدت نظر وجود ندارد. در این زمینه، طرفداران مکتب کلاسیک، بر نقش بازار سرمایه و طرفداران مکتب کینزی، بر نقش بازار پول در تعیین نرخ سود بانکی تأکید دارند.

بازار بورس اوراق بهادار است، زیرا ریشه و بنیان تحول بازار بورس، قیمت صحیح دارایی‌های مالی و سود واقعی بخش‌های مختلف اقتصادی است.

#### ۴-۴. سرمایه‌گذاری وجوه مازاد در بانک‌های اسلامی توسط شرکت‌های بورسی

شرکت‌های بزرگ می‌توانند مدیریت دارایی‌های مالی کوتاه‌مدت خود را از طریق معامله با بانک‌ها و ورود به بازار پول، مثل بازار بین بانکی، مدیریت کنند و وجوه مازاد خود را از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک بازار پول، در دارایی‌های مالی کوتاه‌مدت، مانند اوراق بهادار و اوراق خزانه بازار پول، سرمایه‌گذاری کنند. صندوق‌ها برای اجرای مدیریت وجوه، می‌توانند «کارمزد مدیریت» از شرکت‌ها دریافت کنند.

شرکت‌ها به دلایل متعدد، وجه نقد مازاد موقتی دارند. دو دلیل مهم‌تر برای وجود این وجوه عبارتند از تأمین مالی فعالیت‌های فصلی یا چرخه‌ای و تأمین مالی مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده یا احتمالی.

الف) فعالیت‌های فصلی یا چرخه‌ای: الگوی جریان‌ات نقدی برخی شرکت‌ها قابل پیش‌بینی است. این شرکت‌ها در مقاطعی از سال، جریان نقدی مازاد دارند و در مقاطع دیگری از سال، با کسری جریان وجوه نقد مواجه‌اند. (وستر فیلد، جردن وراس، ۱۳۹۲، ص ۵۰۴؛ نظرپور، میثم حقیقی، ۱۳۹۲، ص ۲۵۰).

این شرکت‌ها می‌توانند هنگامی که با جریان مازاد وجوه نقدی مواجه‌اند، به سرمایه‌گذاری این وجوه نقد در اوراق بهادار قابل فروش در بازار پول، مثل اسناد خزانه و اوراق گواهی سپرده قابل معامله، پردازد و در شرایطی که با کمبود جریان‌ات نقدی مواجه می‌شوند، این اوراق را در بازار پول بفروشند و نقدینگی مورد نیاز خود را از این بازار تأمین کنند.

ب) مخارج سرمایه‌ای برنامه‌ریزی شده یا احتمالی: شرکت‌ها، معمولاً در تأمین وجوه نقد مورد نیاز برای اجرای طرح‌ها و پروژه‌های خود (مثل ساخت کارخانه)، پرداخت سود نقدی و سایر مخارج چشم‌گیر، به‌صورت موقتی در اوراق بهادار قابل فروش سرمایه‌گذاری می‌کنند و ممکن است پیش از این که وجه نقد مورد نیاز باشد، اوراق بهادار یا سهام خود را منتشر کنند و عواید آن را در اوراق بهادار قابل فروش و کوتاه‌مدت بازار پول، سرمایه‌گذاری کنند و برای تأمین مالی مخارج خود، این اوراق را بفروشند. ممکن است شرکت‌ها با موقعیت‌هایی مواجه شوند

که به ناچار مقدار زیادی جریان نقدی خروجی داشته باشند. مثال عینی در این مورد، بازنده شدن شرکت در یک دعوی حقوقی است که ممکن است شرکت‌ها برای مواجهه با این موقعیت اقتضایی، مازاد وجه نقد مورد نیاز خود را افزایش دهند. (همان، ص ۲۵۲).

اگر شرکت‌های فعال در بازار سرمایه، مازاد وجوه نقدی داشته باشند، می‌توانند وجه نقد خود را از طریق صندوق‌های بازار پول، در اوراق بهادار کوتاه‌مدت بازار پول سرمایه‌گذاری کنند که علاوه بر گسترش نفوذ فعالان بازار سرمایه در بازار پول، سبب مدیریت نقدینگی این شرکت‌ها می‌شود. این شرکت‌ها می‌توانند وجوه مازاد خود را از طریق خرید اوراق بهادار کوتاه‌مدت بازار پول که از قدرت نقدشوندگی بالاتری نسبت به اوراق بلندمدت بازار سرمایه برخوردارند، مدیریت کنند.

## منابع:

۱. تبریزی، عبده، رادپور، جایگاه بازار سرمایه و نقش آن در تعامل با صنعت بانکداری، نخستین کنفرانس بین‌المللی صنعت بانکداری و اقتصاد جهانی، زمستان ۱۳۹۱.
۲. الخالدی، محمود، مفهوم الاقتصاد فی الاسلام، بی‌جا، الناشر: دار الجیل للطبع والنشر والتوزیع، ۱۹۸۴.
۳. سلمان، سیدعلی، محصولات بازار سرمایه اسلامیک توسعه و چالش‌ها، ترجمه محمدمهدی صدر، سید محمداقبر، اقتصادما، مترجم: سید محمد مهدی، برهانی، قم: انتشارات دارالصدر، ۱۳۹۳.
۵. فرجی، یوسف، پول، ارز و بانکداری، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۶.
۶. موسویان، سیدعباس، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۹۰.
۷. موسویان، سیدعباس، «ارزیابی قراردادهای شیوه اعطای تسهیلات در بانکداری بدون ربا» مجله اقتصاد اسلامی، سال ۵، ش ۱۹، پاییز ۱۳۸۴.
۸. میر مطهری، سید احمد، بازار سرمایه و ابزارهای جدید تأمین مالی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات دوازدهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: انتشارات مؤسسه عالی بانکداری ایران، ۱۳۸۰.
۹. نجم آبادی، سید حسین مهدوی، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات نهمین سمینار بانکداری اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۰. نظریور، محمدنقی، حقیقی، میثم، ارتباط متقابل بانکداری اسلامی و بازار سرمایه، قم: انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
۱۱. نظریور، محمدنقی، امکان‌سنجی اجرایی گواهی سپرده قابل معامله به‌عنوان ابزار عملیات بازار باز در نظام بانکداری بدون ربا» مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۱۷، ش ۵۳، زمستان ۱۳۹۱.



۱۲. نظرپور، محمدنقی، سید ضیاءالدین کیاءالحسینی و میثم حقیقی، چگونگی ارتباط بانک‌ها با بازار سرمایه در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا، دوفصلنامه علمی - پژوهشی جستارهای اقتصادی ایران، س ۱۰، ش ۱۹، بهار و تابستان ۱۳۹۲.